حجاب برتر

بررسی جایگاه چادر در حجاب اسلامی

حمید احمدی جلفائی



حجاب برتر (بررسی جایگاه چادر در حجاب اسلامی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : احمدی جلفایی، حمید، - 1357

عنوان و نام پدیدآور : حجاب برتر (بررسی جایگاه چادر در حجاب اسلامی)/ حمید احمدی جلفایی

مشخصات نشر : قم : آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، 1384.

مشخصات ظاهری : 176 ص.مصور

شابک : 964-8567-46-89000 ریال:

یادداشت : فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا

یادداشت : کتابنامه: به صورت زیرنویس

موضوع : حجاب

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره : BP230/17/الف355ح3 1384

رده بندی دیویی : 297/636

شماره کتابشناسی ملی : م 84-8022

ص: 1

اشاره

«حجاب برتر»

نویسنده: حمید احمدی جلفائی

ویراستار: قاسم شیرجعفری

ناشر: انتشارات زائر / آستانه مقدّسه قم

لیتوگرافی: بیان / قم

چاپخانه: عترت / قم

حروفچینی: عبّاس پور

نوبت و سال چاپ: چاپ اوّل /1384

تیراژ: 3000

قیمت: 900 تومان

شابک: 8 - 46 - 8567 - 964

مرکز پخش: قم - میدان شهدا(چهار راه بیمارستان)

تلفن: 7742519 - 7748434. ص.پ: 3597 - 37185

(حقّ چاپ و نشر محفوظ است)

ص: 2

تقدیم به :

بانوی زنان دو عالم، الگوی کامل حجاب و عفّت، حضرت فاطمه زهراء علیهاالسلام .

نقابدار خاک آلود کربلا، حضرت امّ المصائب، زینب کبری - سلام اللّه علیها.

و همه زنانی که با تمسّک به آن حضرت، پرچم حجاب و عفّت اسلامی را در دنیا برافراشته نموده، در پرتو مقدّس چادرهایشان، شهدا، مبارزین، علما، و در یک کلام فرزندان شایسته ای را به جوامع تحویل دادند.

«آنچه از امر ولایت مُفهم است بر دو پایه دین زن مستحکم است

حکم اوّل عفّت و دوّم حجاب غیر این زن را تکامل مُبهم است».

ص: 3

ص: 4

پیشگفتار

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم، و به نستعین؛ أللّهمّ تفضّل علی نساء المسلمین بالحیاء و العفّه !

از آنجا که زنان در هر جامعه ای، امروزه بیش از نیمی از جمعیّت آن جامعه را تشکیل می دهند، و هر نوع مسأله ای در زندگی انسان، اعمّ از مسائل فردی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و غیره، به گونه ای با عنصر زن و رفتارهای مختلف او در ارتباط است، فلذا بررسی ابعاد و مسائل مختلف مربوط به زن، و تأثیر و تأثّرهای آن در همه عرصه ها، یکی از مهمترین موضوعات تحقیقی و پژوهشی، بویژه در کشورهای مسلمان به حساب می آید.

امروزه مطالعات پیرامون زن، شاخه های بسیار ریزتری برای خود پیدا کرده است و معمولاً در هر جامعه ای به تناسب جهانبینی خاصّ آن جامعه، برخی از شاخه ها و یا زیرشاخه های آن، از اهمّیت زیادتری برخوردار بوده، حدّاکثر تلاش محقّقین آن جامعه را به خدمت خود درآورده اند.

در کشورهای اسلامی و مخصوصاً ایران، محقّقین بویژه در دهه های اخیر، به دنبال کشف این حقیقت که شخصیّت والای زن در طول تاریخ، همواره در معرض اتّهام و سوء استفاده قرار گرفته و

استعدادهای خاصّ او در لابلای کج فهمی ها و افراطها و تفریطها پایمال گشته است، معمولاً بیشترین تلاش علمی خود را در مسیر احیاء شخصیّت مورد اتّهام زن و همچنین دفاع از حقوق انسانی و شرعی وی مبذول داشته و صرف می کنند، و در این خصوص، بویژه در سالهای اخیر، پایان نامه ها، تحقیقات و نوشته های خوبی به بازار علم و دانش عرضه شده است.

امّا یکی از شاخه های بسیار مهمّ از مباحث مربوط به زنان، که حتّی سایر مسائل مربوط به این موضوع را هم بطور جدّی می تواند تحت تأثیر خود قرار دهد، بگونه ای که در طول تاریخ کشورهای مسلمان، گاه حتّی با سرنگونی برخی از دولتها و یا مستعمره شدن برخی از ممالک، ارتباط تنگاتنگ داشته است، مسأله «حجاب و عفّت زن در جامعه» می باشد، و به نظر می رسد در این عرصه، در کلّ، تلاشهای لازم و متناسب با این درجه اهمیّت، چه در ایران و چه در سایر کشورهای اسلامی تاکنون انجام نگرفته است، و این در حالی است که انحراف روز افزون زنان و دختران مسلمان و حتّی بانوان ایرانی، از ارزشهای اصیل اسلامی در این خصوص، کاملاً محسوس و قابل مشاهده است .

امروزه بر همه کشورهای اسلامی مخصوصاً ایران، ضروری است که در خصوص این مسأله و تحقیقات و تبلیغات متناسب با آن، بطور جدّی برنامه ریزی و سرمایه گذاری کنند، تا بالأخره با نقد و بررسی مبانی و ابعاد مختلف حجاب اسلامی و موارد آسیب شناسی آن، بتوانند موازین قابل دفاع و شایسته و بدون تعارض با پارامترهای

ترقّی و رشد را به همه جهانیان عرضه کنند.

حجاب و عفّت دو موضوع متمایز و در عین حال متأثّر از هم

اگر چه غالباً نوعی تلازم و تعاقب بین دو مسأله «حجاب» و «عفّت»، در رفتارهای اجتماعی زنان به چشم می خورد، ولی در حقیقت این دو مقوله در مقام تعریف و تبیین دامنه از هم متمایز هستند.

مسأله حجاب، همانگونه که از مادّه اش هم پیداست، تنها مربوط به پوشش و لباس زن است، و عمدتاً در دو مسأله اساسی زیر قابل بحث است:

1. اینکه چه محدوده ای از بدن زن باید در اجتماع و یا در مواجهه با نامحرمان پوشیده شود؟!

2. پوشش زن در اجتماع باید دارای چه خصوصیّات و ویژگیهایی باشد؟!

و امّا مسأله «عفّت» یک صفت باطنی است که در رفتار و گفتار و حرکات اجتماعی زن نمود پیدا می کند، و در حقیقت مربوط به همه اعضا و جوارح اوست.

دیده شده که برخی از نویسندگان در طول تاریخ یا از سر جهالت و یا از روی عمد و عناد، بخاطر کوبیدن یکی از این مقوله ها، آن دیگری را مورد ستایش قرار داده اند.

و مخصوصاً از دوره قاجاریّه به بعد، که مبارزات دشمنان اسلام بر علیه حجاب اسلامی محسوس تر شد، برخی از شعرا و یا نویسنده گان گمراه را در این میان می بینیم که در لابلای اشعار و یا نوشته های خود

سعی کرده اند با تعریف و ستایش از مقوله «عفّت»، مسأله مهمّ «حجاب ظاهری» را امری بی اهمّیت و قابل تسامح جلوه دهند. ما در آینده به اسامی برخی از آنها در فصول اصلی کتاب اشاره خواهیم نمود.

ولی به حکم آیات و روایات معتبر ما، این دو مقوله باهم متفاوت بوده و با وجود تأثیر و تأثّرهایی که با یکدیگر دارند، از هم متمایز هستند.

ما در این نوشته، تنها با مسأله کیفیّت حجاب اسلامی سر و کار خواهیم داشت، و در این خصوص هم، فقط از جایگاه یک الگوی خاصّ از پوشش، که همان «چادر» و یا «پوشش سرتاسری زنان» باشد بحث خواهیم نمود.

منظور از «چادر» در این پژوهش

مسأله مهمّی که در اینجا باید متذکّر آن شویم این است که: منظور از چادر در این کتاب، تنها بمعنای مصداق رایجی از آن در یک کشور و یا در یک محلّ خاصّ نیست، بلکه منظور از آن در این پژوهش معنای کلّی آن است که انحاء مختلفی می تواند داشته باشد، و بعبارت دیگر منظور از چادر در این تحقیق هر گونه پوشش سرتاسری است که زنان در کشورهای مختلف، در قالب رنگها و یا احیاناً شکلهای متفاوت از آن استفاده می کنند ودر یک عبارت جامع می توان آن را چنین تعریف نمود:

«نوعی پوشش سرتاسری، که معمولاً برخی از زنان مسلمان، در جامعه و یا در میان نامحرمان، از روی همه لباسهای زیرین خود می پوشند، بگونه ای که سر تا پای آنان را در بر گرفته، همه

زیورآلات و مخصوصاً حجم اندام آنان و پستی و بلندی آن را کتمان می کند».(1)

و بدیهی است که طبق این تعریف از چادر، مصادیق آن می توانند از حیث میزان دربرگرفتن آن اصول و ضوابط کلّی در خود، درجات متفاوتی داشته باشند و یا برخی از مصادیق آن از برخی دیگر کاملتر و بهتر باشد، همچنان که ما در عالم خارج مشاهده می کنیم که چادر زنان عرب با چادرهای رایج در کشور ایران متفاوت و از حیث ضوابط شرعی کاملتر هستند؛ و معمولاً از وسعت کافی برای پوشاندن حجم بدن زن برخوردارند.

و بد نیست بدانیم که در کشور ما متأسّفانه برخی از روشنفکرمآبان بیمار، مخصوصاً در دهه اخیر پس از انقلاب، با انواع شبهات و ترویجات و یا القائات مغالطه آمیز خود این حجاب فاطمی علیهاالسلام را نشانه گرفته اند، و علی رغم مخالفت بسیاری از مراجع عظام دینی و علمای اسلام این حجاب مقدّس را در میان بانوان ایرانی مخصوصاً نسل جوان تضعیف می کنند و بلکه در این حرکت شوم بسیار هم جلو رفته اند و تقریباً توانسته اند چادری را که رضاشاه ملعون با آن همه گستاخیش نتوانست آن را از سر زنان ایرانی بردارد با این سیاستهای منفی و ترویجات بیمار عقب برانند. وگویا این پوشش در کشور ما از

1- 1. و بد نیست بدانیم که فرهنگهای لغت همچون: فرهنگ نظام، فرهنگ عمید، فرهنگ معین، فرهنگ دهخدا در لغت فارسی در معنای واژه «چادر» ؛ و همچنین بسیاری از کتب لغت عربی (که ما در فصول اصلی کتاب به آنها خواهیم پرداخت) در معنای واژه هایی همچون: عباءه، جلباب، ملحفه، و غیره، قریب به همین مضمون را بیان کرده اند.

محوریّت بسیار ویژه ای برخوردار بود که با از بین رفتن آن سایر معیارهای حجاب و عفّت هم به سرعت کم رنگ شدند؛ در مرحله نخست چادرها جای خود را به مانتوهای بلند و مقنعه دادند، سپس مانتوها روز به روز تنگتر و کوتاهتر شدند تا این که به تدریج دیگر تفاوت چندانی با بلوز و شلوار نمی کنند، و مقنعه ها هم تبدیل به روسری های رنگارنگ شده، روز به روز موها هر چه بیشتر از جلوی سر و انتهای روسری ها نمایان تر شدند، و سایر معیارهای حجاب و عفّت هم همچنین، روز به روز سست تر و سست تر گشتند!

امید آنکه هم امّت اسلامی و هم حکومت، قبل از این که کار از کار بگذرد متوجّه این فتنه بسیار بزرگ و خانمان سوز گشته، هر چه سریعتر در فکر یافتن راهکارهای مناسب در دفع آن برآیند.

ربّ تقبّل الیسیر منّی بالکثیر

حمید احمدی جلفایی

ص: 10

اشاره

فصل اوّل

ریشه های تاریخی چادر در ادیان و جوامع مختلف

1. مروری بر پوشش چادر در ادیان مختلف
2. خلاصه ای از تاریخچه چادر در جوامع مختلف
3. سیر تاریخی چادر در کشور ایران

ص: 11

ص: 12

1. مروری بر پوشش چادر در ادیان مختلف

اشاره

(1)

مروری بر پوشش چادر در ادیان مختلف

نتیجه مطالعات ما نشان می دهد که «چادر» به معنای خاصّ خود (یعنی نوعی پوشش سرتاسری برای بانوان) به همراه نقاب و روبند، در متون و منابع همه ادیان آسمانی ریشه دارد، و بلکه در اغلب آنها این نوع از پوشش برای زنان واجب شمرده شده است و نسبت به دین اسلام، توصیه ها در آنها نسبتاً سخت تر و شدیدتر است.

در این قسمت از کتاب ما به بیان نمونه ها و شواهدی در این خصوص - هر چند اندک - خواهیم پرداخت:

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در آیین یهود

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در آیین یهود

در جاهای مختلفی از کتاب مقدّس یهودیان تورات، به الفاظی همچون: چادر، برقع، روبند، و...برمی خوریم که در اینجا تنها به نقل چند مورد مهمّ از آنها اکتفا می کنیم:

1. در فقرات 64 و 65 از سفر براشت، باب 24 تورات که مربوط به قضیّه حضرت اسحاق علیه السلام و دیدار او با زنی بنام «ربقاه» در صحرا می باشد چنین آمده است:

«ربقاه، چشمان خود را باز کرده، اسحاق را دید و از شتر خود

فرود آمد؛ زیرا که از خادم خود پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟ خادم گفت: آقای من است ؛ پس برقع خود را گرفته خود را با آن پوشانید».

آنگاه یکی از مفسّرین مشهور این کتاب آسمانی (تورات)، بنام «فرانکلس» در تفسیر این فقرات می نویسد:

«چونکه ربقاه در شهر بزرگ شده بود؛ معلوم است که عادّی بود به حجاب و چادر و نقاب و برقع. چون هنوز عقدش خوانده نشده بود، چون اسحاق را دید خود را پوشانید، چادر و نقابش حاضر بود، منتهی در وقت پیاده شدن افتاده بود، حرکات ربقاه از اوّل تا آخر موافق آداب شرع و عادت اهل آن زمان که حجاب و چادر و نقاب بوده، بوده است».(1)

و همین مفسّر آمریکایی در تفسیر فقره 16، باب 20 از سفر تورات، ضمن بیان داستان حضرت ابراهیم و ساره علیهماالسلام ، چنین می نویسد:

«...امّا باید اعتقاد کرد که در آن زمان مثل این زمان در میان زنان ایلات که غالباً در حرکت می باشند کمتر عادّی بود که نقاب و روبند به روی خود بزنند، به خلاف زنهایی که در شهرها مسکن داشته اند که همیشه با چادر و نقاب و روبند حرکت می کرده اند...».(2)

و یا در فقرات 14 و 15 از کتاب مقدّس تورات (روت) که ماجرای «عروس یهودا» را بیان می کند چنین می خوانیم:

1- 1. تفسیر فرانکلس، ص 200.
2- 2. تفسیر فرانکلس، ص 242.

«...پس رخت بیوه گی را از خویشتن بیرون کرد، برقعی پوشید و خود را در چادری پوشید و به دروازه عینایم که در راه تمنه است نشست...».

از این منقولات، که البتّه ما به همین چند مورد اکتفا نمودیم (و الّا شواهد بیش از این در دست ما بود) حدّاقل دو نکته بسیار مهمّ قابل برداشت است:

1. « چادر یا پوشش سرتاسری زنان»، به همراه روبند و برقع و نقاب، ریشه بسیار عمیقی در تاریخ اقوام یهود داشته است.

2. از دو نقل اوّل فهمیده می شود که چادر، ابتدا تنها در میان زنان شهری آن زمان معمول بوده و در میان زنان روستایی و ایلات چندان مرسوم نبوده است، ولی در زمان تألیف کتاب «تفسیر فرانکلس» این پوشش در روستاهای آنها هم رواج یافته است.

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در آیین ابراهیم خلیل و اسحاق کلیم علیهماالسلام

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در آیین ابراهیم خلیل و اسحاق کلیم علیهماالسلام

همچنین با توجّه به دو نقل نخست، که اوّلی از آنها مربوط به حضرت اسحاق علیه السلام و ماجرای دیدار وی با «ربقاه» بود، و دوّمی مربوط به حضرت ابراهیم علیه السلام با ساره، فهمیده می شود که این نوع از پوشش در زمان آنها هم در میان قومشان رایج بوده است و بلکه حجاب غالب زنان امّتهایشان بدین نحو بوده است.

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در آیین حضرت مسیح علیه السلام

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در آیین حضرت مسیح علیه السلام

در ذیل فقرات 13 الی 17، باب 11 از کتاب مقدّس انجیل، به نقل از اغلب مفسّرین قدیم و جدید انجیل، چنین آمده است:

«چون زنان بی چادر و روبند به کلیسا می رفتند، مارپولس ایشان را نهی نمود از این عمل قبیح، که موجب هیجان شهوت و تفرّق حواسّ جماعت می باشد».(1)

و در ذیل فقره ششم آن، از زبان «شمایس یونس»، یکی از مفسّرین مشهور کتاب انجیل چنین می خوانیم:

«علامت احترام زن آن است که همیشه با چادر و روبند باشد، تا محترم شمرده شود و الّا در حکم زانیات (زنا کنندگان) خواهد بود...پس حجاب برای زن واجب و لازم است که هر کجا می رود با چادر و روبند باشد...». (2)

و از همین مفسّر در ذیل فقره سوّم چنین آمده است:

«هیچ کس زن را تا این اندازه آزادی نداده که بی چادر و روبند به جایی برود و سر خود را برهنه کند در کلیسا و غیره».

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در آیین زردشت علیه السلام

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در آیین زردشت علیه السلام

در کتاب «اروپایی ها و لباس ایرانیان» علاوه بر اینکه به وجود حجاب و چادر و حتّی روبند در میان اقوام زردشت، و همچنین در متون دینی آنها اشاره شده است، نگارنده تصویری هم از یک زن زردشتی (گبر) آورده است که مربوط به عصر صفوی در ایران است و

1- 1. انجیل، باب 11 (رساله پولس) فقرات 13 الی 17.
2- 2. تفسیر شمایس یونس، در ذیل فقره مذکور.

نحوه پوشش زنان آنها را در معرض نمایش قرار می دهد:(1)

تصویر(1):زن زردشتی (گبر) در دوره صفویّه

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در میان ارامنه

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در میان ارامنه

و در همان کتاب «اروپائی ها و لباس ایرانیان»(2) دو تصویر دیگر از دو زن ارمنی در عصر صفوی آورده شده که یکی از آنهامربوط به زنی جوان است که این زن جوان پوشش چادر ندارد ولی مقنعه و روپوش وی تاحدّی گشاد و فراخ (مثل تصویر سابق) است که حجم بدن را بکلّی کتمان کرده است.

ولی زن دوّم تصویر زن پیری است که علاوه بر پوشش مذکور چادری وسیع هم بر تن نموده است.

و به احتمال قوی تصویر اوّل نمادی از لباس و پوشش زن در

1- 1. اروپائی ها و لباس ایرانیان، صفحات 37 و 64.
2- 2. اروپائی ها و لباس ایرانیان، صفحات 37 و 64.

اندرون خانه و تصویر دوّم نماد لباس زن در عرصه اجتماع باشد.

تصویر(2و3):دو زن ارمنی در عصر صفوی

ص: 18

2. خلاصه ای از تاریخچه چادر در جوامع مختلف

اشاره

(2)

خلاصه ای از تاریخچه چادر در جوامع مختلف

قطعاً بررسی ریشه های تاریخی «چادر، یا پوشش سرتاسری» در جوامع مختلف، خود به پژوهشی مستقلّ و گسترده نیازمند است، و کاوش ضمنی ما در این مختصر حقّ مطلب را آنچنان که باید ادا نخواهد نمود، امّا حتّی به عنوان نخستین گام در این خصوص، اطّلاعات و شواهد ما در این پژوهش از اهمّیت ویژه ای برخوردار است و به نظر می رسد برای اثبات مدّعای ما همین اندازه هم کافی باشد.

آنچه از اجمال شواهد و داده های پژوهش حاصل می شود این است که پوشش «چادر»از قدیم الأیّام در قالب شکلها،رنگها و دوختهای متفاوت، در اغلب کشورها و یا مناطق متدّین به یکی از ادیان آسمانی، مرسوم بوده و هست، و حتّی در طول زمان این طرز حجاب به برخی از کشورهای غیر متدیّن هم، هر چند اندک راه یافته و یا اعجازها از خود بر جای گذاشته است.

لازم به تذکّر است که ما در اینجا تنها به ذکر شواهدی می پردازیم که لفظ «چادر» در آنها بعینه آمده است، و الاّ در صورت آوردن بسیاری از منقولات دیگر که در آنها عباراتی همچون: پرده، پوشش،

پرده کامل و غیره، که به نظر می رسد مراد از آنها در برخی از مواضع، همان چادر و یا شبیه آن می باشد، حجم این فصل شاید به چندین برابر خود می رسید.

پوشش چادر در میان رومانیان قدیم

پوشش چادر در میان رومانیان قدیم

صاحب کتاب «وسیله العفائف» در جایی از این کتاب می نویسد:

«رومانیها که دولت معظّم و با همّت و عظیم بودند، در حجاب به قسمی اهتمام داشتند که قابله ها و دایه ها هم از خانه بیرون نمی رفتند مگر با چادر و روپوشیده، و روی چادر هم عبائی بلند و سرتاسری که سر تا پا را بگیرد می گذاشتند که حجم اندام آنها را هم نامحرم نبیند».(1)

و جناب «ویل دورانت» در جایی از کتاب «تاریخ تمدّن» خود، در مورد حجاب در میان بیابانگردان حواشی دریای سیاه چنین می نویسد:

«بالاتر از سرزمین ارمینیان و در کنار دریای سیاه، سکّاها بیابانگردی می کردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می داشتند».(2)

پوشش چادر در میان اقوام هندی

پوشش چادر در میان اقوام هندی

آنچه که از برخی منقولات فهمیده می شود این است که پوشش

1- 1. وسیله العفائف، شیخ یوسف نجفی گیلانی، ص 128.
2- 2. تاریخ تمدّن ویل دورانت، ج 1، ص 336.

سرتاسری و یا چادر، در بین مسلمانان هند و حتّی بت پرستان آنها از قدیم الأیّام در قالب شکلها و رنگهای متفاوت موجود بوده است.

جناب آقای غلامحسین اصفهانی حائری در رساله معروف خود بنام «فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب»، تألیف سنه 1307ش، چنین می نویسد:

«در هندوستان برخی از زنان مسلمان ملتزم هستند احدی قامت آنها را نبیند، ولو از ورای جامه و چادر باشد، لذا وقتی بخواهند به مکانی بروند باگاری و «دولی» که در هند مرسوم است می روند».(1)

و در جای دیگری از همان رساله آمده است:

«آنچه از بعض تواریخ و آثار، ظاهر می شود این است که حجاب در بسیاری از طوایف مرسوم بود، مثل: بت پرستان هند و...و الآن هم مرسوم است...وطریق حجابشان این است که چیزی مانند چادر می پوشند و آن را بر روی خود می کشند، بطوریکه چیزی جز صورت آنها ظاهر نمی شود...». (2)

و مرحوم آقا موسوی کاظمینی در رساله «ضیائیّه در موضوع حجاب»، تألیف سنه 1307ش، چنین آورده است:

«چنانچه فعلاً دأب و دَیْدِن زنان هند هم همین است که چادرشان طوری است که آن را یکپارچه دوخته و به خود می پوشانند و هیچ جایی از بدن، از وجه و کفّین، حتّی چشم را

1- 1. رسائل حجابیّه، رسول جعفریان، ج 1، ص 490.
2- 2. رسائل حجابیّه، رسول جعفریان، ج 1، ص 490.

ظاهر نمی کنند، و بر روی چادر محاذی چشم را مشبّک نموده که به سبب آن توانند در مواقع خروج از خانه در طریق و مسلک حرکت نمایند و به آن راه را مشاهده نمایند...».(1)

پوشش چادر در میان اعراب و کشورهای عربی

پوشش چادر در میان اعراب و کشورهای عربی

برخی از نویسندگان کوشیده اند تا بگونه ای وانمود کنند که علاوه بر زمان قبل از اسلام، حتّی در زمان صدر اسلام هم حجاب و مخصوصاً چادر در میان اعراب رسم نبوده است، بلکه این نوع از حجاب بتدریج از کشورهایی همچون: ایران، روم، یونان و غیره وارد کشورهای اسلامی و بالأخره وارد عقاید مسلمانان شده است، و بدین ترتیب روی حکم وجوب حجاب در اسلام مهر ابطال می زنند؛ «ویل دورانت»از جمله آن نویسندگان است که در کتاب «تاریخ تمّدن» خود مطالبی را در این راستا نوشته است.

در مقابل، برخی دیگر از نویسندگان بدون هیچ شاهد و پشتوانه علمی ادّعا کرده اند که حجاب بصورت کامل در میان عموم اعراب و کشورهای اسلامی از قدیم الأیّام مرسوم بوده است.

به نظر می رسد هر دو ادّعای مذکور مخالف واقع باشد؛ بطلان ادّعای اوّل مبنی بر وجود قرائن حجاب و حتّی چادر در متون دینی ما و عملکرد اغلب ادیان الهی، چرا که بعید می نماید با وجود چنین جایگاهی برای حجاب و چادر در جهان آن روز، جامعه مسلمین با آن

1- 1. رسائل حجابیّه، رسول جعفریان، ج 1، ص 419.

بیگانه بوده باشند و ما در فصول آینده کتاب شواهد و دلایل محکمی در این خصوص خواهیم آورد.

و ادّعای دوّم با توجّه به شرایطی که از اعراب جاهلی و فساد موجود در آن زمان در میان زنان اعراب در متون تاریخی و دینی معتبر ما تا حدودی ترسیم شده و منکری بر این حقیقت نیست.

و امّا حقیقت این است که همانگونه که برخی از نویسندگان هم بدان اشاره کرده اند، در آن زمان هم، همچون جوامع معاصر اسلامی، در بین اعراب، عملکردهای متفاوتی موجود بوده و حجاب بصورت یک امر نسبی در میان آنان مرسوم بوده است، تا جایی که موحّدین واقعی آن عصر و بسیاری از زنان دیگر، از چادر و نقاب و خمار رسماً استفاده می نمودند و همه این واژه ها برای مردم آن زمان کاملاً آشنا و ملموس بود که در قرآن کریم هم آیاتی با این الفاظ نازل شد.

و در مقابل زنانی هم بودند که با بی حجابی و بی عفّتی مفتضحی در جامعه نمایان می شدند.

در مقدمه کتاب «الملابس العربیه الاسلامیه فی العصر العبّاسی» نویسنده، علاوه بر اینکه شواهد زیادی مبنی بر وجود حجاب در میان اعراب جاهلی آورده است، چند دسته لباس متفاوت هم برای آنها به هنگام خارج شدن از منزل بر شمرده است که از بلوز و دامن گرفته تا خمار و کساء و قباء و نقاب و عباءه و ملاءه و جلباب و... همگی در آن زمان در میان قبائل مختلف عرب مرسوم بوده است.(1)

1- 1. الملابس العربیه الاسلامیه فی العصر العباسی، دکتور صلاح الحسین العبیدی، ص 13، 30، 35 و 39.

آنگاه نویسنده در آن کتاب، به بررسی حجاب زنان پس از ظهور اسلام و مخصوصا در دوره عباسیان و امویان پرداخته و به دو نوع پوشش خارجی برای زنان عرب، در آن زمان اشاره می کند، و سپس تصاویر و نقوش زنده ای را هم در این راستا می آورد.

این دو نوع پوشش، یکی بصورت همان چادر اعراب و عباءه امروزی است که روبندی هم در قسمت جلوی آن دوخته می شد و تنها چشمهای زن از آن دیده می شد، و اغلب این چادرها به رنگ مشکی بودند. و نوع دوّم، عبایی بلند، مثل عبای روحانیّون فعلی است که به همراه مقنعه بسیار بلندی تا نصف کمر زن می رسید و در کل دورنمایی همچون چادر داشت. (1)

و نویسنده همین کتاب، در جایی از آن، حتّی به چادر سر کردن مسیحیان، که در میان اعراب زندگی می کردند هم پرداخته و حتّی به رنگ چادرهای آنها اشاره می کند، آنجا که می نویسد:

«متوکّل بر مسیحیان سخت می گرفت... (دستور داد برای تمایز بین آنان و مسلمین) زنان مسیحی به هنگام بیرون آمدن چادر عسلی رنگ سر کنند و مردان مسیحی کمربند ببندند».(2)

و در صفحه 974 از کتاب مذکور چنین آمده است:

«در زمان امویان و عبّاسیان پارچه های کتانی و... رایج بوده و از آن پارچه ها قبا و جبّه و... و روپوش و چادر می دوختند».(3)

1- 1. مأخذ پیشین، ص 298.
2- 2. مأخذ پیشین، ص 767.
3- 3. مأخذ پیشین، ص 974.

و امروزه هم در اغلب کشورهای عربی همچون عربستان، عراق، الجزایر، مصر، مراکش، سوریه، لبنان، کویت، مصر و غیره، بسیاری از زنان مسلمان و حتّی غیر مسلمان با این پوشش انس گرفته اند. و به نظر می رسد چادرهایی که زنان عرب امروزه بر سر می کنند از دو جهت از چادرهای موجود در ایران کاملتر و به آن حقیقت شرعی نزدیکتر هستند:

نخست از لحاظ محدوده پوشش، که علی رغم بسیاری از چادرهای ایرانی و یا برخی دیگر از کشورها مثل پاکستان و هند، چادر زنان عرب تا نوک قدمهای آنان می افتد و از میان چادر محال است که لباس زیرین زن دیده شود.

و دوّم، از لحاظ کیفیّت خود چادر، که معمولاً چادرهای موجود در میان اعراب از جنس ضخیم بوده و برآمدگی های بدن زن را کاملاً می پوشانند.

جناب «سیّد جلال کاشانی» در رساله حجابیّه خود (تألیف سنه 1364 ق) چنین می نویسد:

«چنانچه امروز شاهدیم، زنان مسلمان افغانستان با چادرهای سفید خود را می پوشانند، و زنان عربستان عباهای زرد و قهوه ای و مشکی پشمی به سر می اندازند، و در غالب از شهرهای ایران چادر شب های الوان به سر دارند، در هندوستان انواع و اشکال چادر متعارف است و هکذا...».(1)

1- 1. رسائل حجابیه، رسول جعفریان، ج 2، ص 1011.

«چادر» در کشور ترکیه

کشور ترکیه از جمله کشورهای مسلمان است که علی رغم تهاجمات شدید فرهنگی از ناحیه غرب و اروپا، و همچنین دولت های خود باخته در داخل آن، همچنان این حجاب کامل را به شکل چشمگیری در خود نگه داشته است.

برخی از شواهد و قرائن نشان می دهند که حدأقلّ، از قرنها پیش از این، پوشش «چادر» در این کشور، در سطح بسیار گسترده ای در بین زنان مسلمان این کشور و شاید بتوان گفت در بین عموم زنان ترکیه مرسوم بوده است.

«مینوی» در مقاله مشهور خود بنام «پوشیدن یا نپوشیدن روی» که در حقیقت آن را در مقام دفاع از کشف حجاب رضاخانی و بر ضدّ حجاب و مخصوصا چادر نگاشته است، چنین آورده است:

«... دویست سال پیش، یک بانوی انگلیسی که به ترکیه سفر کرده بود وصف رفتار و اخلاق زنان آنها را چنین نوشته بود:

محتاج به توصیف نیست که زنان ترکیه، آنجا که پای گناه و کار زشت پیش آید به مراتب از ما آزادترند، هیچ زنی از هر طبقه و مرتبه ای که باشد مجاز نیست که از خانه خود خارج شود، مگر اینکه یک روبند بر سر بیندازد، که جز چشمان او همه صورتش را بپوشاند، و یک پارچه دیگر بر سرش بیندازد که از پشت تا کمرش پائین بیاید، و یک چادر عریض و گشاده بر روی این

لباسها به سر کند که کلّیّه بدنش مخفی باشد...».(1)

امّا درست همزمان با اجرای ترفند «کشف حجاب» در ایران در زمان رضاشاه، در کشور ترکیه هم شبیه آن توطئه با حدّت و شدّت تمام به اجرا گذاشته شد، و طبیعتا همچون ایران در رأس همه مبارزات، مبارزه با «چادر» در این خصوص محوریّت ویژه ای داشت.

امّا علی رغم آن همه فشار داخلی و خارجی، باز این پوشش در نهایت، در این کشور خاک فراموشی به خود نگرفت، بلکه با رشادتهای برخی از جوانمردان و مقاومت برخی از زنان مسلمان در این کشور، دشمن نتوانست بطور کامل به اهداف خود برسد. مبارزه با حجاب و چادر، علاوه بر کشور ایران، در این کشور نیز سالهای متمادی، بلکه تا چندی پیش ادامه داشت، تا آنجا که هم اکنون هم زنان بسیاری در این کشور علاوه بر تحمّل تعرّضات مالی و عرضی زیاد، و نیز محرومیّت از فرصتهای همگانی جامعه، همچون: اشتغال، تحصیل و غیره، حاضرند جان خود را از دست بدهند، ولی از این حجاب کامل اسلامی فاصله نگیرند، و چه بانوان مسلمان و جوانی که مخصوصاً در دهه های اخیر، در این کشور روی همین مسأله شربت شهادت نوشیده و یا از حقوق مسلّم خود محروم شده اند.

اعجاز «چادر» در کشور الجزایر

اعجاز «چادر» در کشور الجزایر

ص: 27

1- 1. رسائل حجابیّه رسول جعفریان، ج 2، ص 1263.

در کشور الجزایر، حجاب بصورت گسترده از قدیم الاّیام رایج بوده است، و در این میان، پوشش «چادر»، بعنوان کاملترین حجاب زن، در این کشور هنوز هم جایگاه خاصّی دارد.

در طول تاریخ، مستعمره شدن این کشور توسّط دولت فرانسه واقعیّت مشهوری است که رابطه تنگاتنگی با موضوع «حجاب و عفّت و فساد جنسی» دارد، و البتّه خوشبختانه همانگونه که می دانید پس از مدّتی، پوزه استعمارگر در این کشور به خاک مالیده شد و مردم این کشور بار دیگر به استقلال خود دست یافتند.

امّا بسیاری از نویسندگان داخلی و خارجی در الجزایر، معتقدند که دولت فرانسه مهمترین سلاحی را که در این غلبه آن را بر علیه الجزائری ها به کار گرفت و نتیجه هم داد، مبارزه با حجاب زنان و مخصوصا پوشش چادر، و در نتیجه به فساد کشاندن نسل جوان، در این کشور بود.

و آنچه باعث شد دوباره این کشور از زیر چکمه های استعمارگر رهایی یابد، مقاومت زنان الجزائری در برابر این ترفند بود، آنها پس از مدتی متذکّر شده و فهمیدند که این چپاولگر، چه نقشه های شومی می خواهد در کشور آنها اجرا نماید، فلذا ایستادگی نمودند و دشمن را ناامید ساختند.

در این مورد، یکی از دانشمندان مشهور، به نام «فرانتس فانون» می گوید:

«اوّلین اقدام ضدّ فرهنگی، که فرانسه در الجزایر صورت داد، تلاش برای از بین بردن حجاب بود، و در این کار موفقّ شد، و هر چه بدن زن الجزایری را بیشتر عریان کرد، چنگال

استعمارگر بیشتر به حلقوم الجزایری فرو رفت، امّا مجدّدا زن الجزایری شخصیّت خود را باز یافت و مبارزه علیه مطامع استعمارگر نیز آغاز گردید».(1)

و یا در جای دیگر از همین نویسنده نقل شده است:

«هر چادری که دور انداخته می شود افق جدیدی را که تا آن هنگام بر استعمارگر ممنوع بود، در برابر او می گشاید، و بدن الجزایری را که عریان شده است تماما به او نشان می دهد، پس از دیدن هر چهره بی حجابی، امیدهای حمله ور شدن اشغالگر، ده برابر می گردد.»(2)

«چادر» در کشور اسپانیا

«چادر» در کشور اسپانیا

اسپانیا هم یکی از کشورهایی است که حجاب و چادر در میان زنان آنها تا حدودی به چشم می خورد.

از برخی نقلها چنین حاصل می شود که سابقه حجاب و چادر، در این کشور، در زمانهای گذشته، بهتر از زمان حاضر بوده است، یعنی این کشور در طول زمان از تهاجمات فرهنگی غرب و اروپا، تأثیرات منفی زیادی پذیرفته است.

از نقلی که ما در ذیل خواهیم آورد، فهمیده می شود که در این کشور، حدّأقلّ در زمان حکومت پادشاهان غرناطه، زنان اسپانیانی علاوه بر چادر از نقاب و روبند هم استفاده می کرده اند.

1- 1. حریم عفاف، حجاب و نگاه، روح اللّه حسینیان، ص 48؛ به نقل از جنگ الجزایر.
2- 2. حجاب شناسی، حسین مهدی زاده، ص 48.

«دن گارسیا وسیلوا فیگوئرا» سفیر فیلیپ سوّم، پادشاه اسپانیا، در سال 1031 به دربار شاه عبّاس در ایران آمده و در مورد اوضاع ایران چنین می نویسد:

«... زنها از سر ناف یا گردگاه خود را با لباس گشاد از پارچه های سفید رنگ می پوشانند، و چنان در این جامه فرو می روند که چشمهایشان بزحمت دیده می شد، این لباس شباهت تامّی به پوشش زنان مسلمان اسپانیا، در دوران شاهان غرناطه داد».(1)

ناگفته نماند که ترسیم لباس زنان، برای این شخص، در زمان شاه عبّاس اندکی مشکل بوده است، ولی ما در مباحث آینده، پوشش یک زن در آن زمان را به همراه تصاویری خواهیم آورد، که نشان می دهد آنها از یک مقنعه بسیار بلند و عبایی تا نوک قدمها استفاده می کردند.

حجاب و «چادر» در ترکستان

اگرچه امروزه، تا آنجا که حقیر اطّلاع یافته ام، دامنه حجاب، و مخصوصا پوشش «چادر» در این کشور، به دنبال تأثیرپذیری از غرب و اروپا، و روی کار آمدن گروههای مخالف ارزشهای اسلامی، خیلی کم شده است، امّا بنابر نقلهایی، در این کشور حدّأقلّ همزمان با دوره ناصرالدین شاه قاجار در ایران، حجاب بسیار خوبی در میان بانوان حاکم بوده است، بگونه ای که زنان در لباسهایی شبیه چادر، کاملاً

1- 1. اروپایی ها و لباس ایرانیان، ص 37.

خود را می پوشاندند و حتّی صورت آنها هم مخفی می شد.

جناب «هنری موزر» که در دوره ناصرالدین شاه قاجار، از ایران و ترکستان و برخی از کشورهای دیگر دیدن کرده، در این مورد می نویسد:

«در ترکستان و ایران، زنها به قدری مخفی هستند که ممکن نیست آنها را دید، و دسترسی به آنها نمی توان داشت، و حتّی از آنها هرگز صحبت نمی شود».(1)

و بطور قطع، حجاب چادر، در بسیاری از کشورهای دیگر هم، چه از زمانهای قدیم و چه امروزه، رایج و مرسوم بوده و هست؛ کشورهایی همچون کشورهای حاشیه خلیج فارس، برخی از کشورهای آفریقایی، و حتّی در برخی از مناطق اروپایی و آمریکایی که نقلها در مورد آنها کم نیستند ولیکن ما به جهت پرهیز از اطاله کلام به آنها نمی پردازیم.

1- 1. حجاب و عفاف زن ایرانی، سعید مهرآبادی، مجلّه حدیث زندگی، سال 2، شماره 6.

3. سیر تاریخی چادر در کشور ایران

اشاره

(3)

سیر تاریخی چادر در کشور ایران

شاید بیش از هر جامعه و یا منطقه دیگری، تاریخ پرافتخار ایران با کاملترین حجابها و عفّتها، و مخصوصا با حجابهای خاصّی همچون: «چادر» و «روبند» و امثال آن، از همان عصر باستان تا بحال، همراه بوده و هست، تا جایی که برخی از اندیشمندان، گمان برده اند که اصولاً چادر و نقاب از این کشور به تدریج وارد جوامع دیگر و حتّی اسلام شده است.

از برخی منقولات استنباط می شود که حتّی در دوران قبل از اسلام، این کشور مهد حجاب کامل و علی الخصوص چادر و نقاب بوده است، البتّه این بدان معنا نیست که همه زنان ایرانی، همیشه در طول تاریخ، چادر و نقاب داشته اند، بلکه بدین معناست که بالأخره کم و بیش در برهه های مختلف از زمان این حجاب در ایران بوده و حجاب غالب زنان محسوب می شده است.

در این تحقیق مختصر، شاید ما به تناسب امکانات خود، نتوانیم به سابقه بسیار دور این کشور در خصوص پوشش «چادر» بپردازیم، امّا حدّأقلّ با بررسی آن در چند قرن گذشته، بهمراه شواهد و تصاویر معتبر، خطّ بطلانی بر بسیاری از شبهاتی که در این خصوص وجود

دارند خواهیم کشید، واین شبهه ها متأسّفانه در دهه های اخیر از ناحیه برخی از افراد مریض و معاند، بیش از پیش مطرح گردیده اند.

برخی از نویسندگان و یا گویندگان مُغرض، درست از همان زمانی که به این نکته پی برده اند، که یکی از عماد قویم دین اسلام، در میان جوامع اسلامی، وجود حجاب و عفّت، و سلامت بودن این جوامع، مخصوصا جوانان آنها از فساد جنسی و خود باختگی است، از هیچ ترفندی در ریشه کن کردن این شعائر اسلامی دریغ ننموده اند.

و این مسأله، نه تنها در ایران، بلکه در تاریخ اغلب کشورهای اسلامی و حتّی غیر اسلامی کاملاً مشهود است، و ما به نمونه هایی از این توطئه ها در خصوص کشورهایی همچون: الجزایر، ترکیه، مصر و... در مبحث سابق اشاراتی نمودیم.

و متأسّفانه برخی از روشنفکرمآبان بیمار هم، در داخل کشور ایران، با تقلید کورکورانه از القائات آنها، در تضعیف این مسأله، و مخصوصا پوشش «چادر» نطقهایی نموده و یا نوشته هایی می نویسند، و تأسّف بارتر اینکه، گاهاً این قبیل از نطقها و یا نوشته ها، از ناحیه برخی از شخصیّتهای به ظاهر مذهبی جامعه ایران صورت می گیرد که واقعا جای بسی تعجّب است، و معلوم می شود اینها یا هیچ گونه سواد علمی در این خصوص ندارند، و یا اینکه واقعاً بیمارند.

ما بنا داریم شبهات مربوط به چادر را، در فصل پایانی این کتاب، جواب دهیم، امّا در اینجا به جهت روشن شدن هرچه بیشتر قضیّه، تنها به نمونه ای از این گفته های افیون، که با این مبحث ما بسیار در

ارتباط است و البتّه جواب آن هم به قوّت روشن خواهد شد، اشاره می کنیم:

خانم «فاطمه خاتمی» در یکی از نطقهایش، که در روزنامه ایران، شماره 1627 منعکس شده است، چنین ادّعا می کند:

«چادر، به احتمال خیلی زیاد، از زمان قاجاریّه، در ایران جا افتاده است، و هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد».(1)

ما علاوه بر اینکه، در فصول آتیه این کتاب، ثمرات شرعی پوشش «چادر»، و ارتباط آن را با آیات و روایات و اقوال علماء روشن خواهیم نمود، در این مبحث از کتاب هم کاملاً روشن خواهیم نمود که نه تنها چادر در دوره قاجاریّه وارد ایران نشده و بلکه اصولاً مبارزه با چادر درست از همین زمان از ناحیه دشمنان اسلام آغاز شده و روز به روز قوّت گرفته است.

جناب آقای مهدی قانع در قسمتی از مقاله خود تحت عنوان «انسان، پوشش و ریشه های تاریخی» آورده است:

«در زمان ایران باستان، به تصاویری از بانوان ایرانی بر می خوریم که علاوه بر لباس، بدن خود را با چادری که شبیه به چادر زن امروز ایران است می پوشاندند».(2)

و در کتاب «فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی»، نویسنده با ارائه شواهدی می نویسد:

«زنان عهد هخامنشی و اشکانی، عموما چادر بر سر داشته و

1- 1. روزنامه ایران، ش 1627.
2- 2. مجلّه پیام زن، ش 19، ص 69.

پیراهنهای بلندی که تا مچ پای آنان را می پوشانده به تن می کرده اند». (1)

جناب آقای مهریزی در کتاب «حجاب» خود می نویسد:

«زنان عهد ساسانی، گاهی چادر گشاد و پرچین به سر می کردند که تا وسط ساق پا می رسیده است. نقوشی از بانوان ساسانی، در بشقابهای نقره ساخته شده است که در آن، هر یک از بانوان، چادری به خود پیچیده دارند». (2)

و استعمال واژه چادر، در اشعار شاعران کهن فارسی زبان، همچون: رودکی، فردوسی، مولوی، اسدی و... خود دلیل دیگری است که قدمت این پوشش را در ایران، حدأقلّ تا قرن سوّم و چهارم هجری قمری، کاملاً به نمایش می گذارد.

ما در خصوص رواج چادر و روبند در بین ایرانیان، از زمان صفویّه به بعد، علاوه بر منقولات معتبر، به تصاویر قابل توجّهی هم دسترسی پیدا کرده ایم که جای هیچ گونه شبهه ای را برای مخالفین باقی نخواهد گذاشت.؛ و برای روشن شدن هر چه بیشتر مطلب بهتر آن دیدیم که احوال موضوع را در دورانهای متفاوت بصورت جداگانه بررسی نماییم.

«چادر» در دوران صفویّه

«چادر» در دوران صفویّه

آنچه از شواهد و تصاویر مربوط به این دوره از تاریخ، استفاده

1- 1. فرهنگ برهنگی برهنگی فرهنگی، حدّاد عادل، ص25.
2- 2. حجاب، مهدی مهریزی، ص46.

می شود، این است که زنان ایرانی در عصر صفوی، علاوه بر چادر، از روبند و نقاب هم استفاده می نمودند، بگونه ای که تنها محاذی دو چشم آنها دیده می شد.

«آدام اولئاریوس» در زمان شاه صفی صفوی، از ایران دیدار می کند، و وضع پوشش زنان ایرانی را در آن عصر چنین توصیف می کند:

«زنان، موقعی که از خانه خارج می شوند چهره خود را نشان مردان نمی دهند، بلکه چادر سفیدی روی سر می اندازند که تمام بدن آنها را تا مچ پا می پوشاند، و فقط در جلوی صورت، شکاف کوچکی دارد که از آن شکاف، به زحمت جلوی خود را می توانند ببینند. و چه بسا چهره های زیبایی که با لباسهای محقّرانه، و چهره های زشتی که با لباسهای مجلّل و فریبنده زیر این چادرها مخفی اند و انسان نمی تواند بفهمد در پس این چادر چه قیافه ای نهفته است».(1)

و «تاورنیه» در سفرنامه خود، در این خصوص چنین می نویسد:

«زنان، خود را در ایران، به احدی غیر از شوهر خود نشان نمی دهند، وقتی به حمام عمومی می روند در چادری سرتاپای خود را مستور می نمایند که فقط در محاذات چشم دو سوراخ دارد که پیش پای خود را بتوانند ببینند».(2)

و در کتاب «اروپایی ها و لباس ایرانیان» تصاویر معتبری از زنان ایرانی در عصر صفوی آمده است که همگی نشان می دهند چادر در آن زمان

1- 1. سفرنامه آدام اولئاریوس، ص644.
2- 2. سفرنامه تاورنیه، ص627.

در قالب رنگها و دوختهای متفاوتی معمول بوده است، و تنها برخی از زنان در زمان شاه عبّاس صفوی از نقاب بلند، به همراه عباء ضخیم استفاده می کردند که دورنمایی همچون لباس سرتاسری داشت.

تصویر(4):پوشش زنان ایرانی در عصر صفوی(1)

در این دوره از تاریخ، با وجود برخی از فسادها و بی حجابی ها در داخل دربار سلاطین و حکومتداران، در میان مردم، اغلبِ زنان، چادر و نقاب بر سر داشتند، و معمولاً از ناحیه سلاطین و حکومتهاَ هم، هیچ گونه تعرّضی نسبت به این حجاب صورت نمی گرفت، بگونه ای که حتّی در برخی از حکومتها، بعضی از زنان و دختران اقشار حکومتی هم در همین حجاب بودند.

نکته بسیار ظریفی که در اینجا به ذهن ما می رسد این است که: رواج چادر و نقاب بدین وسعت و گستردگی، در میان زنان در عصر

1- 1. اروپائی ها و لباس ایرانیان، ص39.

صفوی، نشان از این دارد که حدّأقلّ تا چند قرن پیش از آن هم، همین حجاب با اندکی تفاوت، در ایران مرسوم بوده است، چرا که ترویج یک همچنین پوششی در یک کشور، با این گستردگی، با فرض آنکه از جای دیگری پذیرفته شود، مدّت زمان بسیار زیادی لازم دارد.

تصویر(5و6):پوشش زنان ایرانی در عصر صفوی(1)

«چادر» در زمان فتحعلی شاه قاجار

«چادر» در زمان فتحعلی شاه قاجار

از عموم نقلهای موجود استنباط می شود که در زمان فتحعلی شاه قاجار هم، پوشش چادر و نقاب در میان زنان ایرانی، با همان وسعت و گستردگی مرسوم بوده است.

در این خصوص سری به «سفرنامه دروویل» می زنیم که صاحب آن در زمان فتحعلی شاه به ایران آمده بود، و مشاهدات خود را در این

1- 1. مأخذ پیشین، صفحات 62و64.

سفرنامه گرد آورده است، در قسمتی از این سفرنامه آمده است:

«زنان ایرانی در زیر چادر، مهارت عجیبی برای شناساندن خود و شناختن همدیگر دارند. شگفت آنکه وقتی از کنار هم می گذرند، یقین دارند که در شناختن طرف اشتباه نکرده اند، اما چه بسا مردانی که از کنار زنان خویش می گذرند بی آنکه آنها را بشناسند».(1)

و در جای دیگری از همین سفرنامه آمده است:

«آنها به هنگام خروج از خانه، خود را با چادر می پوشانند، چادر از قماش (= پارچه) نخی سفید دوخته شده و دامن آن گرد است، با قیطانی چادر را بر سر و گردن محکم کرده و صورت را با پارچه ای بنام روبند می پوشانند... از این رو موقعیّت اجتماعی زنان را تنها می توان از بهای کفش یا ظرافت و ارزش چادر و روبند آنها حدس زد... زنان مردم عادی که زندگی عاری از تکلّف دارند، چادرهایی تنگ کرباسی که راه راه آبی و سفید دارد بر سر انداخته و با یکدست آنها را جمع و با دست دیگر صورت خود را می پوشانند، در این حال فقط جلو چشمشان کمی باز می ماند، ولی به هنگام برخورد با یک مرد بیگانه فورا طوری روی خود را می گیرند که حتّی دیدن ریزی و درشتی چشم و یا رنگ آن غیر ممکن می شود».(2)

تفصیلات مذکور را در تصاویر زیر از آن زمان، که در کتاب

1- 1. سفرنامه درووِیل، ص91.
2- 2. مأخذ پیشین، ص5.

«اروپائی ها و لباس ایرانیان» آمده، می توان به وضوح مشاهده نمود:

تصویر(7و8):پوشش زنان ایرانی در زمان فتحعلیشاه

دوران محمّد شاه قاجار و آغاز تهاجم فرهنگی انگلیس

در این دوره از سلطنت قاجاریان، به تدریج انگلیسیها در ایران و سیاستهای آن تأثیرگذار می شدند، ارتباط آنها با ایران زیادتر می شد، و آنها به ایران به چشم یک بازار فروش مناسب برای محصولات و مخصوصا تولیدات پوشاک خود نگاه می کردند، ولی از طرفی هم به دلیل ریشه دار بودن حجاب و پوشش ایرانیان در فرهنگ و اعتقادات آنها، مخصوصا در مورد زنان، پوشش چادر و نقاب، تقاضا برای عرضه کالاهای آنها بسیار ناچیز بود، فلذا در فکر راهکارهای مناسب برای تغییر مدلهای پوشش در ایران و همچنین سایر کشورهای اسلامی بودند.

در این زمان، آنها بسیاری از نسّاجی های ایران را در اختیار گرفتند،

و آنها را در مسیر تولید الگوهای غربی و انگلیسی به راه انداختند.

به دلیل ارتباط روزافزون بین ایران و اروپا در این عصر، به تدریج آداب و رسوم اروپایی در میان مردم هر چند اندک جان می گرفت.(1)

در حقیقت تخم مدل های غربی و اروپایی در این دوران در کشور پاشیده شد، ولی هنوز تغییرات قابل توجّهی در عمل به چشم نمی خورد، و همچنان در میان زنان ایرانی چادر و نقاب به قوّت مرسوم بود، و زنان مسلمان آنها را لازمه حجابی شرعی و ارزشمند تلقّی می کردند.

«دوسری» یکی از دانشمندان خارجی در این زمینه مشاهدات خود را چنین می نویسد:

«لباس زنان در بیرون از خانه شامل چادری بود به رنگ سیاه یا بنفش، و صورت را با روبنده می پوشاندند».(2)

و «اوژن فلاندن» که در زمان محمّد شاه قاجار از ایران دیدن کرده، می نویسد:

«زنان ایرانی از منزل کم خارج می شوند، در کوچه ها هم، با چادری که سرتاپایشان را مستور می کند می آیند، و غیر ممکن است کسی صورت آنها را ببیند، به روی سر، پارچه سفیدی می اندازند که در مقابل چشمان، چندین شبکه دارد و با آن است که جلوی خود را می بینند. و غیر ممکن است بگذارند چشم نامحرمی به صورتشان افتد... عموم چادرها یک رنگ و

1- 1. اروپایی ها و لباس ایرانیان، ص88.
2- 2. پشت پرده های حرمسرا، ص320.

به سیاق اروپایی ها یک جور می آید. کم می توان امتیازی بینشان قائل شد».(1)

و تصویر زیر در کتاب «اروپائی ها و لباس ایرانیان» به نقل از فرهنگ مصاحب تقریباً مربوط به همین دوره است:

تصویر(9): زن ایرانی در دوران محمّد شاه قاجار

ناصرالدین شاه قاجار و شدّت تهاجمات غرب و اروپا علیه «چادر»

ناصرالدین شاه قاجار و شدّت تهاجمات غرب و اروپا علیه «چادر»

ناصرالدین شاه که اغلب در عمل، علی رغم ادّعای زبانی، مخالف با روحانیّون دینی و ارزشهای اسلامی بود و معمولاً علیه شعائر و مقدّسات اسلامی عمل می کرد، پایه های نفوذ فرهنگ اروپایی و تقلیدی در ایران را در این دوره تحکیم نمود.

وی اندیشه «اصلاحات اروپایی در ایران» را در سر می پرورانید، و به

1- 1. سفرنامه اوژن فلاندن، ص67.

همین جهت پوششهای سنّتی رایج در ایران مثل چادر و نقاب را مخالف و متضادّ با ترقّی و پیشرفت کشور می دانست.

او معتقد بود که رمز پیشرفت کشورهای اروپایی و غربی، جدا شدن آنها از این قید و بندها، و در مقابل تلاش برای تولید و ابداع بوده است.

در این دوره از تاریخ، ارتباط بین ایرانیان و اروپایی ها به همین جهت شدّت زیادی بخود گرفت؛ از طرف حکومت، دانش آموزانی جهت تحصیل به خارج اعزام شدند و در داخل ایران هم، مدارس جدیدی در سطوح بالاتر با هدف ترویج اندیشه های اروپایی و غربی تأسیس شدند.

همانگونه که اشاره شد در این مدارس عمدتا فکر و اندیشه غربی به همراه آداب و رسوم و پوشش غربی و اروپایی، که در آخرین مرتبه خود، به کت و شلوار و لباس های تنگ و شبیه به لباس مردان می انجامید، در اذهان دختران و زنان ایرانی به جای پوشش های سنّتی آنها که ریشه در متانت و دینداری آنها داشت به تدریج جایگزین می شد.

در این مدارس که برخی از آنها از طرف آمریکائیها اداره می شد، دختران ایرانی به تدریج باور می کردند که حجاب اسلامی و مخصوصاً چادر و نقاب، متضادّ با پیشرفت زن در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی است.

بنابراین به تدریج برخی از دانش آموزان در این دوره، با روی باز و بدون نقاب در کلاسهای درس و یا برخی از مجامع عمومی دیگر

حاضر می شدند و تدریجا پوشش نقاب در این دوره، از دائره پوشش زنان ایرانی خارج می شد.

تصاویر ذیل مربوط به دوره ناصرالدین شاه قاجار است:(1)

تصویر(10و11): زن ایرانی در دوره ناصرالدینشاه قاجار

حتّی در این دوره، عدّه ای معدود از زنان جرأت یافتند بدون چادر در جامعه و یا مدرسه ها ظاهر شوند.

«کلارا کوسیور رایس» که شاهد این تحوّلات در ایران بود، چنین می نویسد:

«اوّلین دختر مسلمان ایرانی در زمان ناصرالدین شاه، تنها آن موقع توانست چادر خود را بردارد که در مدرسه آمریکایی تربیت یافته بود...؛ یک نویسنده اروپایی در این زمینه شرح

1- 1. اروپائی ها ولباس ایرانیان، صفحات 142، 143 و 146.

داده است:

خوشبختانه از وقتی که مدرسه آمریکایی و مدرسه ریشارد خان فرانسوی در تهران تأسیس شده است پاره ای از دختران با روی باز در کلاس حاضر می شوند، ولی در کوچه، با همان چادر رفت و آمد می نمایند؛ یکی از دختران که پدر نداشت، و در مدرسه آمریکایی تربیت یافته بود، شجاعتی از خود بروز داد، و بدون چادر در کوچه و خیابان حرکت می کرد، و مردم هم او را «آقا کوچولو» می نامیدند...».(1)

امّا با وجود همه تلاش های عمده ای که در این زمان، برای حجاب زدایی از میان بانوان ایرانی صورت گرفت، باز تأثیر چندانی در کوتاه مدّت مشاهده نمی شد، بلکه همچنان در میان زنان ایرانی بجز برخی از زنان خود باخته، چادر و نقاب به قوّت خود مرسوم بود.

«یوشیدا ماساهارو» که سفیر وقت ژاپن در ایران بود، در این خصوص چنین می نویسد:

«زنها چادری به سر می کردند که از سر تا به پایشان را می پوشاند، و فقط چشم ها از پشت روبند توری که زیر چادر به صورت انداخته بودند پنجره ای به بیرون داشت... در چند ماهی که ما اینجا بودیم، هرگز زنی رویش را به ما ننمود، و نتوانستیم صورت زنها را بی حجاب و چادر ببینیم».(2)

و «کنت دوگوبینو» هم در این زمینه می نویسد:

1- 1. اروپایی ها و لباس ایرانیان، ص120.
2- 2. سفرنامه یوشیدا ماساهارو، ص176.

«زنها در بیرون خانه، بطور یکسان خودشان را در چادرهای وال، چیت و به ندرت ابریشمی به رنگ آبی تیره پیچیده اند که سر تا پایشان را می پوشاند، و صورتشان را با قطعه ای پارچه سفید که زیر چادر، پشت سرشان بسته می شود و از جلو تا روی زمین می افتد محکم پوشانده اند که دیدن و حتّی حدس زدن چهره هایشان را غیر ممکن می سازد. آنها یک شلوار گشاد که وظیفه دامن را انجام می دهد می پوشند و آن هم فقط در موقع خارج شدن از خانه».(1)

و «پولاک» هم، در این خصوص در سفرنامه اش می نویسد:

«هرگاه زنی به کوچه برود، یا سوار بر اسب در معیّت نوکرها از شارع (= خیابان) عبور کند، چادری به رنگ آبی نیلی بر سر می کند، و آن، پوششی است که تمام بدن از سر تا به پا در آن پیچیده می شود، در مقابل چهره، پارچه ای باریک و بلند، به نام روبند آویخته است... حتّی زن پیر گدای کوچه و بازار نیز بدون نقاب دیده نمی شود. زنهای اروپایی که بدون حجاب در خیابانها ظاهر بشوند، خود موجب تحریک حسّ کنجکاوی عمومی می شوند، حتّی مردم بر آنها دل می سوزاند».(2)

و «بنجامین آمریکایی» تصویری از یک تکیه شبیه خوانی را ارائه می دهد که در آن زنان ایرانی مشغول نگاه کردن به شبیه خوانی ماه محرّم هستند، و آنگاه چنین توصیف می کند:

1- 1. سفرنامه کنت دوگوبینو، ص404.
2- 2. سفرنامه پولاک، ص115.

«خیلی تماشا داشت که (در تمام دائره تکیه) چهار هزار سر سفید و چادر دیده می شد، بدون اینکه صورت یک نفر زن دیده شود، گمان نکنید که اگر بانوان ایرانی می خواستند روبنده را قدری تغییر دهند نمی توانستند، اینطور نیست، و در هیچ مملکتی زنها آن قدر نفوذ و اعتبار ندارند که در ایران، ولی از طفولیّت آموخته اند که اقتضای دینداری این است که زن صورت خود را از مرد پوشیده دارد و تا در زن حسّ عصمت باقی است این اعتقاد هم باقی است».(1)

معلوم می گردد که زنان ایرانی در این زمان، همچون زمانهای سابق، باز چادر و نقاب را با آزادی کامل و از روی اعتقاد مذهبی سر می نمودند.

تصویر(12): زنان ایرانی در دوره ناصرالدین شاه

1- 1. ایران و ایرانیان، بنجامین، ص122 و 140 و 445.

«چارلز جیمز ویلس» هم در خصوص حجاب زنان در این دوره می نویسد:

«زنهای ایران زمین، همیشه در چادرهای سیاه مستور و پیچیده اند، و به هیچ وجه شخص خارجی را ممکن نمی شود که صورت آنها را ببیند».(1)

به تصاویر ذیل در این مورد دقّت بفرمایید:(2)

تصویر(13و14): زنان ایرانی در دوره ناصرالدین شاه

چادر در زمان مظفّرالدین شاه و محمّد علی شاه قاجار(دوره مشروطیّت)

چادر در زمان مظفّرالدین شاه و محمّد علی شاه قاجار(دوره مشروطیّت)

نفوذ و تأثیر اروپائیان در فرهنگ، و همچنین در کلّ سیاستهای ایران، در این دوره شدّت زیادتری به خود گرفته بود.

القائات کهنه انگاری و نگرش ضدّ ترقّی به حجاب اسلامی و

1- 1. سفرنامه پولاک، ص156؛ مأخذ پیشین، ص141-143.
2- 2. مآخذ پیشین.

مخصوصا چادر و نقاب، به تدریج در اذهان برخی از مردم و علی الخصوص دختران و بانوان ایرانی رخنه می کرد.

در حقیقت، دانش آموزانی که در زمان ناصرالدین شاه به جهت تحصیل، به خارج از کشور اعزام شده بودند، با اندیشه های غربی و اروپایی امروز به ایران برگشته و به عنوان معلّمان دختران و فرزندان ایرانی و مروّج افکار و آداب آنها فعالیّت می کردند. بخصوص که مدارس خارجی زیادتری در این دوره، دوباره در ایران بدین منظور افتتاح شدند.

استعمارگران اروپایی و غربی کاملاً به این نتیجه رسیده بودند که باید برای استعمار و چپاول کشورهای اسلامی و علی الخصوص ایران، و در اختیار گرفتن بازارهای آنها، با فرهنگ آنها مبارزه نمود و بی بند و باری رایج در خود اروپا و غرب را در آنها هم رواج داد، و در این میان پوشش چادر بعنوان سرقلّه حجاب اسلامی، در این کشورها، اوّلین هدف و قربانی پیکان شوم آنها محسوب می شد.

«مستر همفر»، جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، در این خصوص برای اربابان خود چنین گزارش می فرستد:

«در مساله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند، باید با استفاده شواهد و دلایل تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی عبّاس متداول شده و مطلقا سنّت اسلام نیست، مردم همسران پیامبر را بدون حجاب می دیده اند، و زنان صدراسلام در تمام شئون زندگی دوش به دوش مردان

فعالیّت داشته اند...

پس از آنکه حجاب با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق بازی و روابط نامشروع با زنان تشویق کنند و بدین وسیله فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند. لازم است زنان غیرمسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلم از آنان تقلید کنند...».(1)

امّا با وجود همه این اقدامات، همچنان اکثریّت قریب به اتّفاق زنان در این دوره از چادر و حجاب کامل، البتّه در شکلها و جنسهای متفاوت با گذشته، استفاده می نمودند.

«کلودانه» که در زمان مظفّرالدین شاه در ایران به سر می برد، در این خصوص می نویسد:

«به نظر من، زنان ایرانی، بیش از تمام کشورهای مشرق زمین مقیّد به حجاب اند و با دقّت و وسواس، قدّ و بالا و چهره خود را می پوشانند، وقتی از منزل خارج می شوند، سر تا پای خود را در چادر سیاه بزرگی که از پارچه ای بالنسبه لطیف، امّا بی هیچ زیبایی و ظرافتی درست شده است می پیچند. این چادر در قسمت بالا یعنی در محلی که معمولاً صورت قرار دارد از هم باز می شود.

امّا زن ایرانی، دوست ندارد حتّی چشمان خود را به کسی نشان دهد، و به همین جهت نیز در جلوی چهره خویش، دستمال بلند

1- 1. خاطرات همفر، حسن مؤیّدی، ص93.

سفیدی که بالای آن مشبّک است می آویزد... برخلاف آنچه ظاهر پوشیده در حجاب زنانِ ایرانی نشان می دهد چنین به نظر می رسد که همین زنان در زندگی خود از آزادی زیادی برخوردارند. بیشتر آنها هر وقت دلشان بخواهد و بی آنکه کسی همراهشان باشد از خانه خارج می شوند».(1)

و تصاویر ذیل تقریبا مربوط به این دوره از تاریخ هستند، که تصویر سمت راست از شهرستان مرند گرفته شده است:(2)

تصویر(15و16): زنان ایرانی در دوره مشروطیّت

احمدشاه قاجار و آغاز اقدامات عملی علیه چادر

احمدشاه قاجار و آغاز اقدامات عملی علیه چادر

در این دوره، اقدامات عملی شدیدتری برای رفع حجاب، و

1- 1. گلهای سرخ اصفهان، ص162.
2- 2. اروپایی ها و لباس ایرانیان، ص200 و 206.

خصوصا چادر زنان ایرانی آغاز گردید.

در محافل و مجامع عمومی و دولتی، علنا علیه حجاب و چادر نطق و یا نوشته می شد. پیشرفت کشورهای اروپایی و غربی و آمریکا به رخ مردم ایران کشیده می شد، و در مقابل عامل اصلی عقب ماندگی ایرانیان مقیّد بودن آنها به اعتقادات مذهبی و اسلامی معرفی می گردید و حجاب چادر در این میان بعنوان سنّتی کهنه گرایانه و دست و پا گیر به شدّت کوبیده می شد.

از طرف حکومت مرتّبا جشنهای اختلاط زن و مرد (پسر و دختر) راه اندازی می شد، و در آنها از گویندگان و نویسندگان روشنفکرمآب و مخصوصا از شاعران و ادیبان گمراه، در جهت توجیه عقلی پوشش و آداب اروپایی و تقبیح چادر و حجاب اسلامی استفاده می شد.

سروده های بسیار تندی از ناحیه برخی از خود باختگان بیمار داخلی، در این زمان علیه حجاب اسلامی، مخصوصا چادر انتشار می یافت که در اذهان نسل جوان هر چند بی دلیل و منطق بود ولی شیرین جلوه می نمود.

این اقدامات یکپارچه بر ضدّ حجاب و مخصوصا پوشش چادر و نقاب، در این دوره که بعدا به دوره «رفع حجاب» مشهور گشت، زمینه را برای اقدامات خشونت آمیز دوران پهلوی (دوران کشف حجاب) آماده کرد، و حتّی در کوتاه مدّت هم موجب اضلال برخی از مردم شد که عمدتا از توده مرفّه و دولتی بودند، بگونه ای که برخی از آنها براحتی با سر لخت و تنها با بلوز و دامن و یا با مدلهای رکیک غربی در جامعه نمایان می شدند.

امّا منقولات موجود حاکی از این هستند که علی رغم تأثیر این اقدامات در پوشش زنان ایرانی، باز بجز عدّه قلیلی از زنان فریب خورده که اغلب از طبقات مرفّه و یا درباری بودند، تأثیر چندانی در سطح عمومی حجاب و گستردگی چادر در میان زنان ایرانی دیده نمی شد و حتّی این عدّه قلیل از زنان بی حجاب هم، در میان مردم بی ارزش شمرده می شدند و زنان و مردان ایرانی با پوزخند و تمسخر همراه با دلسوزی به آنها می نگریستند.

تصویر(17): نمونه هایی از پوشش زنان ایرانی در دوره احمد شاه قاجار(1)

چادر زنان ایرانی در دوران پهلوی (دوره کشف حجاب)

چادر زنان ایرانی در دوران پهلوی (دوره کشف حجاب)

این دوره هنوز هم برای برخی از زنان و مردان کهن سال ایرانی

1- 1. اروپائی ها و لباس ایرانیان، ص229.

خاطراتی دارد.

رضاخان در این زمان با همان اندیشه گمراه شاهان سابق، و با وسوسه سودجویان خارجی و شهوترانان داخلی، نهایت قهر و خشونت را علیه حجاب اسلامی و مخصوصا چادر به کار گرفت.

چپاولگران خارجی بیش از دوره های سابق در این خصوص سرمایه گذاری کردند. آنها حتّی کارشناسان مخصوصی، جهت مطالعه اوضاع ایران و زمینه های حجاب گریزی، به این کشور و نیز به سایر کشورهای مسلمان روانه نمودند.

«مریت هاکس» از جمله کسانی است که در سال 1311 (قبل از اقدام اساسی کشف حجاب) به ایران سفر نمود و مطالعاتی در این زمینه انجام داد، وی در گوشه ای از گزارشهای خود به مقامات مافوقش چنین می نویسد:

«تقریبا تمام زنان ایرانی چادری سیاه به سر دارند که پوششی است بلند از ابریشم یا نخ... زنان اقشار مقید و مستمند، به علاوه چادر از روبند نیز استفاده می کنند.... هیچ یک از زنان عشایری چادر نمی پوشند... زنان بوشهر محافظه کارترند و روبند سیاه می پوشند و حتی چشمان خود را می پوشانند».(1)

«بلوشر» نیز قبل از اقدام کشف حجاب، از ایران دیدن کرده و در این خصوص چنین می نویسد:

«... زنان هنوز چادرهای خود را بر سر داشتند... چادر پوششی

1- 1. اروپائی ها و لباس ایرانیان، ص276.

است اغلب به رنگ سیاه که سراسر بدن و سرانجام قسمت اعظم صورت را نیز از نگاه مردان پوشیده می دارد... تنها و تنها یک زن بود که جرأت می کرد در ضیافتهای شام سفارت خانه ها، بدون چادر حاضر شود و آن هم فقط مشروط به اینکه اروپائی ها شرکت داشته باشند و از ایرانیان دعوتی به عمل نیاید، این زن خانم ناصر الملوک(بیوه نائب السلطنه پیشین کشور) بود.

... بسیاری از زنان آلمانی نیز که شوهر ایرانی داشتند در خیلی از موارد نمی توانستند از چادر چشم بپوشند...».(1)

تصاویر ذیل مربوط به زمان رضاخان، قبل از اقدام کشف حجاب هستند:(2)

تصویر(18-21): زنان ایرانی در دوران پهلوی(قبل از اقدام کشف حجاب)

1- 1. سفرنامه بلوشر، ص207.
2- 2. اروپائی ها و لباس ایرانیان، ص276، 277 و 281.

امّا سرانجام رضاخان پهلوی، در 17 دی سال 1314، با خباثت تمام، فرمان خشونت آمیز «کشف حجاب» را در سراسر ایران صادر کرد.

البتّه رضاخان و امثال فریب خورده وی، تنها مجری این برنامه بودند، و برنامه ریزان اصلی این توطئه که بطور همزمان در چند کشور مسلمان دیگر مثل ترکیه، الجزایر، پاکستان، افغانستان، مصر، عراق، سوریه و غیره، این طرح را اجرا می کردند استعمارگران طمّاع خارجی بودند، که علاوه بر اهداف دیگر، دو هدف اساسی زیر را در ایران و سایر کشورهای مسلمان دنبال می کردند:

1. زدودن غیرت دینی و مذهبی از کشورهای مسلمان و سوق دادن آنها به سمت فساد جنسی و کوری اندیشه و آنگاه استعمار همه فرصت های انسانی و فیزیکی این جوامع.

2. تبدیل الگوی مصرف در این کشورها به الگوهای غربی و در نتیجه افزایش تقاضای این جوامع برای محصولات و تولیدات غربی.

مهاجمین در این دوره با معرفی چادر بعنوان «کفن سیاه»، «زندان آهنین»، «نشانه ظاهری یاس و اندوه»، «دمل سیاه»، «مانع پیشرفت» و... از هر اقدامِ به ظاهر منطقی و عملی بر علیه آن کوتاهی نکردند.

«اشرف پهلوی» دختر رضاخان ملعون، در این خصوص در طیّ سخنرانی خود در سال 1356 چنین گفت:

«نخستین گام در جهت این دگرگونی، وقتی (بود که) پدرم رضاشاه، در سال 1935 چادر را برانداخت».(1)

1- 1. سخنان اشرف پهلوی، ص75.

رضاخان، نخست جلسه ای را متشکّل از زنان همه درباریان و مأمورین حکومتی اجبارا فراهم نمود، که در آن زنان حاضر، موظّف شدند چادر خود را به مأمورین شاه تحویل دهند و بعد از آن دیگر هرگز چادر و حتّی روسری سر نکنند.

گوشه هایی از سخنرانی آن ملعون که به همراه همسرش در جلسه بود این چنین است:

«حیف نیست که زن خود را قائم کند و از جامعه بگریزد... باید خیّاطها و کلاه دوزها را تشویق کرد تا مدلهای قشنگ و سنگین و ارزانی را به بازار بیاورند، امّا ما میله های زندان (منظور چادر) را شکستیم، حالا با خود زندانی آزادشده است که خانه قشنگی به جای قفس برای خودش بسازد». (1)

و آنگاه مشابه این جلسات در شهرها و مناطق مختلف کشور با حضور فرمانداریها و سران آنها تشکیل شدند.

«سیّد مرتضی شریعت پناهی»، فرماندار وقت تهران، نخستین اقدام رضاشاه را اینگونه توضیح می دهد:

«در اوّلین جلسه، اوّل رؤسای ادارات را دعوت کردند، و بعد کارمندان و زنانشان را به فرمانداری خواندند، ابتدا زنان آنها همگی با چادر رفتند و در همانجا فرماندار صحبت می کند که دستور رسیده که حجابها برداشته شود، و مأموران همه آماده بودند و یکی یکی چادرها را از سر زنان می گرفتند، و زنان هم

1- 1. اروپایی و لباس ایرانیان، ص294.

تا خانه می بایستی می رفتند و پوشش دیگری نداشتند.

... مأموران هم در کوچه ها زنانی را که با چادر عبور می کردند، چادرش را پاره و روبنده اش را می گرفتند و سپس او را رها می ساختند».(1)

وآنگاه رضاخان دستور داد در همه مدارس و مجامع عمومی حجاب چادر، روبند و روسری را قدغن کنند.

تصاویر ذیل برگهایی از پرونده شوم رضاخان در مبارزه با شعائر اسلامی محسوب می شوند:(2)

تصویر(22و23)

1- 1. تاریخ بیست ساله، ج 6، ص264.
2- 2. اروپائی ها و لباس ایرانیان، ص294 و 279.

در کتاب «اروپائی ها و لباس ایرانیان» آمده است:

«از 17 دی 1314 به بعد که چارقد و چادر ممنوع شد مانتوهای بلند و شال گردن مد شد، یک کلاه دوره دار هم سر می گذاشتند».(1)

«ارتشبد محمود جم» در خاطرات خود از آن زمان چنین می نویسد:

«شاه(رضاخان) رو در روی من ایستاد و گفت: این چادر و چاقچورها را چه طوری می شود از بین برد؟ دو سال است که این موضوع فکر مرا به خود مشغول داشته، از وقتی که به ترکیه رفتم و زنهای آنها را دیدم که پیچه و حجاب را دور انداخته و دوش به دوش مردها کار می کنند، دیگر از هر چه زن چادری بود بدم آمده است، اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقّی و پیشرفت مردم ما است، درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن نشتر زد و از بینش برد...».(2)

و استاندار وقت خراسان در سندی محرمانه، عملکرد خود را این چنین گزارش می دهد:

«... در نظر است پس از خاتمه جشنها، ورود به صحن و حرم مطهّر و بیوتات شریفه برای زنهای با چادر قدغن شود. البتّه زوّار خارجه که تذکره ارائه بدهند مستثنی خواهند بود. فعلاً دستور داه شده زنهای با چادر را در ادارات دولتی و محافل

1- 1. مأخذ پیشین، ص295.
2- 2. استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب، غلامرضا گلی زوّاره، مجلّه پیام زن، سال6، ش10.

رسمی نپذیرند. امیدواریم به زودی موضوع تجرّد نسوان در مشهد بکلّی عملی شود».(1)

از طرف رضاخان، برخی از زنان مأمورین دولتی موظّف شدند در ازای دریافت امتیازاتی، ساعاتی از روز را با پوشش غربی و بدون حجاب در خیابانهای شهر بگردند، تا زنان دیگر را ترغیب و تشویق به برداشتن حجاب نمایند.

در سندی محرمانه از آن زمان، خطاب به «اداره کلّ احصائیّه و ثبت احوال» چنین آمده است:

«با نهایت ادب و کمال احترام راپورت (= گزارش) دو ماهه مربوط به هیئت تفتیشیه ذیلاً به عرض عالی می رساند:

... کلیّه خانمهای مأمورین دولتی برای ترغیب اهالی، قسمتی از امور خانه داری خود فرو گذاشته و همه روزه عصر، با چهره بشّاش و خرّمی هر چه تمامتر، با فرق و اندام بی چادر در کوچه _ بازار _ و خیابان عبور می کنند. مع الوصف تأثیری بر اهالی نبخشیده...».(2)

و امّا می توان گفت: نقش نویسندگان روشنفکرمآب در این دوره در حمایت از اقدامات رضاخان چه از داخل کشور و چه از خارج، مخصوصاً در خفیف جلوه دادن چادر و نقاب، بیشترین تأثیر منفی را به همراه داشت.

نوشته هایی که حتّی در برخی از آنها به آیات و روایات هم

1- 1. واقعه کشف حجاب، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ص190.
2- 2. اروپائی ها و لباس ایرانیان، ص306.

استدلال شده بود، و با تفسیرهای نادرست، حجاب زن را زیر سؤال می بردند. و قطعا این گونه نوشته ها که به ظاهر اسلامی می آمدند اثرات بیشتری نسبت به نوشته های خارجی، همچون «زندانیان چادر» نوشته خانمی انگلیسی، در اذهان عمومی می گذاشتند.

«شیخ محمد خالصی زاده» در مقاله خود بنام «حقیقت حجاب در اسلام» علاوه بر اینکه عموم مردم ایران را در آن زمان به افراط و یا تفریط متّهم نموده و از همه علماء و وعّاظ و روضه خوانها و... بعنوان افرادی بی سواد و کهنه انگار و مفرط یاد می کند، در مذمّت چادر و چادرپوشان چنین می نویسد:

«متدیّنین، زن را در گور سیاه «چادر» متحرّک می گذارند و از دیدن فضا و تنفّس هوا محروم می سازند... در زیر چادر و از دنیا بی خبر و از لوازم و احتیاجات این عصر بی اطّلاع مانده اند... اسلام زن را در قید و اسارت چادر سیاه نگذاشته است...».(1)

«مینوی» در نوشته خود بنام «پوشیدن یا نپوشیدن روی» از حرکت کشف حجاب رضاخان دفاع نموده و در سراسر این نوشته خود، چادر را مورد مذمّت، تحقیر و تمسخر قرار داده است. در گوشه ای از آن می نویسد:

«یا مثلاً جمعی از متعصّبین خشک مغز به تحریک تجّاری می خواهند پارچه چادری وارد کرده و بفروشند و نفع هنگفت

1- 1. اروپائی ها و لباس ایرانیان، ص306.

ببرند،...»(1)

«علی دشتی» نوشته های مختلفی در دفاع از اقدامات رضاخان و مذمّت چادر نوشته است. وی بدون ذکر هیچ سندی ادّعا می کند که با توجّه به آیات و روایات اسلامی حجاب زن امری ضدّ اسلامی است و حتّی در گوشه ای از نوشته هایش اصل حجاب در اسلام را هم زیر سؤال می برد، و بعنوان مثال می نویسد:

«تتبّع در سیر و اخبار صدر اسلام، بر هر شخصی منصف، مدلّل می کند که در زمان پیغمبر اثری از حجاب نبوده است».(2)

«ایرج میرزا» هم، اغلب با زبان شعری خود به مذمّت چادر پرداخته است، و گاهی هم استنباط نموده به اینکه چون خدا زن را همچون گل زیبا آفریده، پس همه باید از زیبایی او بهره ببرند، فلذا زن حقّ ندارد خود را در چادر بپیچد.(3)

وسایر نویسندگان و شعرایی مثل: عارف قزوینی (1612 ش)، ایرج میرزا (1292 _ 1344)، مهرانگیز (شاعری بسیار بی شرم)، محمد کسمایی (شاعر گیلانی)، شاعری با تخلّص فانی، بروخی، غلامرضا روحانی (1276)، ساعی (مدیر جریده نسیم شمال، گردآورنده مجموعه ای از اشعار ضدحجاب تحت عنوان «نهضت بانوان»)، اورنگ (نماینده مجلس)، سلیم ایزدی (نماینده مجلس)، امیرالشعراء نادری، مرتضی شکسته (عضو انجمن ادبی ایران)، عبّاس

1- 1. رسائل حجابیّه، رسول جعفریان، ج2، ص1008.
2- 2. مأخذ پیشین، ج2، ص1263.
3- 3. رسائل حجابیّه، رسول جعفریان، ج2، ص1275.

فرات منشی، زندخت (1331، شاعر و روزنامه نگار)، لاهوتی (1336، کمونیست و ضدّ دین)، خلیل ایزدیار، جهانگیر خلیلی، حیدری (نماینده مجلس)، ابراهیم پورداود (محقّق و نویسنده)، و... بنحوی از این توطئه ننگین دفاع نمودند.

و امّا انکار این واقعیّت ناممکن است که علی رغم آن همه خشونتها، تهدیدها، مذمّتها و تمسّخرها علیه چادر و نقاب، از ناحیه دشمنان خارجی و داخلی، باز اکثریّت زنان مسلمان ایرانی در برابر همه تهاجمات دشمن ایستادگی کردند و چادر را از زندگی خود کنار ننهادند، بلکه در این کشمکش ها حتّی متوجّه ارزش و ماهیّت عمیق این پوشش هم شدند.

مؤلّف کتاب «فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی» در این خصوص می نویسد:

«رضاخان می خواست زنان را از کیسه سیاه چادر به در آورد و آنان را وارد دنیای پرنور و مترقّی جدید کند، ولی اکثریّت عظیم این مردم در برابر این پیشنهاد ساده و منطقی تا سر حدّ جان خود مقاومت کردند و حتّی حاضر شدند جان خود را فدا کنند و کفن بپوشند امّا لباس غربی نپوشند». (1)

و در جای دیگری از همان کتاب آمده است:

«چنان که نوشته اند: در شهر کوچک کاشمر، رئیس شهربانی وقت (که قاتل آیت اللّه مدرّس هم بود) روی تپّه مرتفعی در

1- 1. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، حدّاد عادل، ص47.

حاشیه این دیار می ایستاد و با دوربین نگاه می کرد و تا از دور زنی را با چادر در حرکت می دید به پاسبانها فرمان می داد با اسب بتازند و او را دستگیر نموده و چادرش را پاره کنند.

کم نبود زنانی که مأموران، چادر آنها را برداشتند و آنان از شدّت حزن و افسردگی ناشی از این حرکت دقّ کردند و دار فانی را وداع گفتند، و چه بسیار مادران که از هول اضطراب سقط جنین کردند ولی تن به این ننگ ندادند».(1)

و سرانجام بانوان ایرانی با نهایت شهامت و استقامت توانستند توطئه های دشمنان اسلام و حجاب را نقش بر آب کنند، و این حجاب مقدّس را که در حقیقت نشانه و آرمان حضرت زهرا علیهاالسلام در ایران بود حفظ کنند، و در دامان همان چادرهای نورانی و مقدّس خودشان بود که جوانانی رشید و متعهّد تربیت یافتند و توانستند بساط ظلم و ستم و شهوترانی را یکسره از خاک پاک این میهن اسلامی برچینند.

و چه بسیار بودند زنانی که با چادر شبِ خود، در صحنه های مختلف این انقلاب، از تظاهرات خیابانی گرفته تا جنگ تحمیلی، شربت شهادت نوشیدند، و چه بسیار آنهایی که داغ چندین فرزند شهید را در زیر چهره خود کتمان نموده ولی زینب وار دست از آرمان بلندشان نکشیدند، و آنهایی که همچون پرستاری مهربان در پشت جبهه های جنگ، رزمندگان اسلام را پشتیبانی نمودند و... تا جایی که برخی از دشمنان اسلام، این انقلاب شکوهمند را در ایران «انقلاب

1- 1. مأخذ پیشین، ص48.

چادر» نام نهادند.

تصویر(24): زنان ایرانی در تظاهرات سال 1357(1)

چادر در ایران، پس از انقلاب اسلامی

چادر در ایران، پس از انقلاب اسلامی

در بخشهای قبلی کتاب ثابت شد که علی رغم یک نگرش سطحی که ممکن است اغلب زنان دوران پهلوی را بدون حجاب و چادر ببیند، با اینکه در آن دوران، فساد و بی حجابی بسیار تندی از ناحیه درصدی از زنان که عمدتا درباری و قشر مرفّه و معمولاً در استانهای بسیار بزرگ بودند، دیده و یا شنیده می شد، ولی به قرینه شواهد و منقولات زیادی، قشر اعظیم زنان ایرانی در این دوره با چادر و با حجاب کامل بودند.

1- 1. تاریخ ایران، کتاب درسی سال دوّم دبیرستان، ص241.

در آستانه انقلاب اسلامی ایران، مشاهده می شود که عموم چادرها در این زمان، به رنگ مشکی بودند، مگر در روستاها و ایلات که چادرهای رنگی و یا احیانا زنان بدون چادر هم مشاهده می شدند.

در این دوره، زنان چادری اغلب از زیر چادر مقنعه ای سیاه رنگ، یا با رنگهای سنگین دیگری همچون: آبی، تیره، قهوه ای و... می پوشیدند و علاوه بر آن صورت خود را هم در شکلهای مختلف با چادر می گرفتند.

چادر تا انتهای قدمهای آنها به صورت رها شده می افتاد، و معمولاً از زیر چادر، مانتویی بلند می پوشیدند ، و اغلب شلوارهای زنانه در جامعه به رنگ سیاه و ساده بودند.

پس از انقلاب اسلامی ایران، زنان ایرانی و مسلمان در حقیقت ثابت کردند که این نوع از حجاب به هیچ وجه دست و پاگیر نبوده و منافاتی با کار و کوشش زن مسلمان در جامعه ندارد، بلکه زنان ایرانی، با حجاب کامل و چادر، در صحنه های مختلف اشتغال ظاهر شدند و کارایی خوبی هم داشتند.

امّا آنچه گفته شد، تقریبا مربوط به دهه اوّل پس از انقلاب در ایران بود، و در این برهه از انقلاب، حتّی گه گاه از میان کشورهای غیرمسلمان و خارجی هم در میان جراید گزارش می شد که زنان آنها با مشاهده این وضعیّت در ایران، به چادر و حجاب کامل اسلامی روی می آورند.

ولی تقریبا از آغاز دهه دوّم پس از انقلاب، نوعی حرکت منفی در این زمینه بر خلاف آرمانهای اصیل اسلامی و ایرانی، در این کشور

آغاز شد.

از لحاظ تعداد، روز به روز از تعداد زنان چادری کاسته شد، و در میان نسل جوان، مخصوصا قشر تحصیل کرده و دانشگاهی و اداری این حرکت بسیار تندتر بود.

در مرحله نخست، چادرها جای خود را به مانتوهای بلند، همراه با مقنعه و شلوار سیاه دادند، ولی پس از مدّتی مقنعه ها تبدیل به روسری های رنگارنگ و جذّاب، و شلوارهای سیاه تبدیل به انواع شلوارهای غربی تنگ و شهوت انگیز؛ و مانتوها روز به روز رنگارنگ تر، کوتاهتر، باریکتر، و پرچاکتر شدند؛ و در کلّ، حریم بین زن و مرد نامحرم در جامعه به تدریج غبار فراموشی به خود گرفت.

پوشش سر نیز در میان بانوان تسامح بیشتری پیدا نمود، و گاها تا یک سوّم موهای سر زن از جلو، و یک سوّم دیگر از عقب روسری و یا مقنعه نمود پیدا کرد، جورابها روز به روز نازکتر و شفّافتر، آرایشهای سر و صورت علنی تر شد، بگونه ای که تفاوت چندانی بین خارج از منزل با داخل آن به چشم نمی آمد؛ اختلاطهای بین زن و مرد بیشتر و بی شرمانه تر شد، بگونه ای که حتّی در محافل اداری و دولتی هم این اختلاطها معمول شده، رفاقت بین دختر و پسر و فساد رایج در دانشگاه ها و برخی از نهادهای دیگر محسوستر گشت و... ! این حرکت مخصوصا در سالهای اخیر، روند بسیار تندی به خود گرفته است، بگونه ای که حتّی شهرستانهای کوچک و یا روستاها هم از این قاعده مستثنی نیستند، و حتّی گاه در بین برخی از خانواده های متّقی و مذهبی هم تأثیرپذیری قابل توجّهی مشاهده می شود، و در مجموع،

به نظر می رسد آن اهدافی که دشمنان خارجی و داخلی زمانی در این کشور آنها را دنبال می کردند امروز هم بنحوی در این کشور با موفّقیّت روز افزون خواه ناخواه دنبال می شود.

و امّا عوامل شناخته شده و یا ناشناخته زیادی ممکن است در این حرکت منفی دخیل باشند، که ما در اینجا تنها به ذکر چند عامل بسیار مهمّ که دخالت آنها کاملاً در مسأله آشکار است، اکتفا می کنیم:

1. اِعمال برخی سیاستهای ناسنجیده در ساختار برخی از نهادهای مهمّ کشور همچون: دانشگاه ها، آموزشگاه ها، ادارات جذب، و برخی مراکز عمومی دیگر که در عمل، به افزایش روزافزون اختلاطهای منفی و کوتاه شدن فاصله ها یا حریم انجامیده است.

در آغاز انقلاب، به دلیل کمبود امکانات و وجود برخی محدودیّتها، شاید برخی اقدامات لازم، همچون جداسازی جنس مخالف در پیکره این نهادها جدّی گرفته نشد، و به حکم ضرورت همانگونه پذیرفته شدند، با اینکه این معضل در اذهان سران انقلاب، مدام از حسّاسیّت خاصّی برخوردار بوده است و این در بیانات برخی از این بزرگواران کاملاً مشهود است؛ ولی طولی نکشید که در بعضی از این مراکز، این مسأله نه تنها اهمیّت خاصّ خود را از دست داد، و بررسی و مطالعه روی این خطر جدّی متوقّف گشت، بلکه درست خلاف همه این ارزشها، به سرعت در انواع مجامع و ادارات حکومتی و غیر حکومتی به شدّت ترویج و یا تقویت شدند.

2. تعطیل بودن دو سیاست تشویق و تقبیح از ناحیه مسئولین فرهنگی کشور نسبت به حجاب و عفّت و پوشش چادر، و بلکه گاه

استفاده از این دو مهره، در خلاف جهات اسلامی و مطلوب.

3. ترویجات نامتناسب و متضادّ با آموزه های اصیل اسلامی در خصوص مسأله به ویژه چادر، مخصوصا در میان برنامه های صدا و سیما و سینماهای ما.

4. عدم تلاش و سرمایه گذاری کافی از ناحیه مسئولین و نهادهای فرهنگی دیگر در خصوص بحثهای بنیادین، و نظریه پردازی های مفید در این زمینه.

5. خالی شدن تقریبی منابر، مساجد و تریبونهای مذهبی دیگر از بیان مسائل مذکور و تشریح فضیلت این ارزشها پس از انقلاب، و مشغول شدن بیشتر آنها به مسائل سیاسی و اجتماعی جدید.

6. عدم مبارزه کافی از ناحیه مسئولین مربوطه کشور با تهاجمات و واردات فرهنگها، القائات، مارکها و عکسهای مبتذل و...

7. خالی بودن نظام آموزشی کشور از هرگونه تأثیر گذاری مثبت در این خصوص در مقاطع مختلف، از سطح ابتدایی گرفته تا سطوح عالی دانشگاهی.

8. و بالأخره، یکی از عوامل بسیار مهمّ که خصوصا در سالهای اخیر، تأثیر بسیار زیادی بر بی حجابی زنان و دختران ایرانی و مخصوصا در مسأله چادرگریزی داشته است، طرح برخی از شعارها و یا نطقهای مغالطه آمیز و یا روشنفکرمآبانه بیمار است که عمدا و یا سهوا از ناحیه برخی از مسئولین و گویندگان مطرح می شود. و به نظر حقیر، این مسأله یکی از مهمترین خطراتی است که امروزه نظام و جامعه ایران، و غالب کشورهای اسلامی را تهدید می کند.

و در کلّ، متأسّفانه، بحث از حجاب و عفّت و مخصوصا پوشش چادر، امروزه، تقریبا در ایران تعطیل است، و تهاجمات بر علیه آن، چه از داخل کشور و چه از خارج، روز به روز قوّت زیادتری به خود پیدا می کند.

و این تهدید را امروزه دشمنان ما خیلی بهتر از خود ما متوجّه اند؛ در این زمینه بد نیست در پایان، جمله ای را از زبان «ریون کرکت» صهیونیست و مسئول سابق شبکه جاسوسی سیاه در ایران بشنویم که گفته است:

«چادر نمادی است که وجود انقلاب را در سر هر چهارراه به نمایش می گذارد، با چادر می توان این احساس را پدید آورد که انقلاب اسلامی هنوز زنده و جاوید است».(1)

1- 1. هفته نامه فیضیّه، کشف حجاب به روش مدرن، 15 بهمن سال 1379، ص1.

فصل دوّم

اشاره

فصل دوّم

بررسی «چادر» در قرآن، تفاسیر، و کتب لغت

ص: 71

ص: 72

قرآن کریم هدایتگر جاویدان

بطور کلّی دو آیه شریفه در قرآن کریم وجود دارد که در این خصوص مورد بحث و نزاع صاحب نظران قرار گرفته است:

1. آیه 59 از سوره مبارکه أحزاب:

أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم: «یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِأَزْوَاجِکَ وَ بَنَاتِکَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِینَ یُدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلَا یُؤْذَیْنَ وَ کَانَ اللّهُ غَفُورا رَحِیما.»

ترجمه اجمالی آیه:

«ای پیغمبر، به همسران خود و دختران خود و به زنان مؤمنین بگو: یُدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلَا یُؤْذَیْنَ، و خداوند بخشاینده و مهربان است».

2. آیه 60 از سوره مبارکه نور:

«وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الّتِی لَایَرْجُونَ نِکَاحاً فَلَیْسَ عَلَیْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ یَضَعْنَ ثِیَابَهُنَّ غَیْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِینَهٍ وَ أَنْ یَسْتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَهُنَّ وَ

اللّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ»

ترجمه اجمالی آیه:

«زنان پیرسال و زنانی که دیگر امید به نکاح در آنها نیست می توانند جامه خود را کنار بگذارند، ولی اگر عفّت ورزند برایشان بهتر است، و خداوند شنوا و داناست».

و امّا سؤالات و بحثهای بسیار مهمّی پیرامون این دو آیه شریفه وجود دارد که در حقیقت هر یک حاوی نکات و پیغامهای بسیار مهمّی برای مؤمنین و مؤمنات است، و در این فصل از کتاب به فشرده ای از آنها خواهیم پرداخت.

بررسی آیه مبارکه احزاب

قبل از آنکه وارد ترجمه و تفسیر عبارات مهمّ این آیه شویم، لازم است بدانیم که بطور کلّی مفسّرین دو شأن نزول مختلف برای این آیه ذکر کرده اند:

1. در بسیاری از تفاسیر بسیار معتبر شیعه مثل تفسیر قمّی و تفسیر المیزان و برخی از تفاسیر اهل سنّت آمده است که:

«زنان مسلمان صدر اسلام، به وقت اذان، به مسجد می رفتند تا نماز را با امامت رسول اللّه صلی الله علیه و آله در پشت او اقامه کنند، وقت غروب که آنهابه طرف مسجد می رفتند جوانانی هرزه بر سر راه آنها می نشستند و با نگاه و متلک مزاحم آنها می شدند، وقتی زنان مسلمان از این مسأله به محضر رسول اللّه صلی الله علیه و آله شکایت

کردند این آیه نازل شد که: زنان چادرهای خود را بر خود بگیرند، تا مزاحمین، آنها را اهل تقوا و عصمت بشناسند و دست از آنها بردارند.»

2. این قول را برخی دیگر از تفاسیر که اغلب از اهل سنّت هستند پذیرفته اند، وآن اینکه:

«چون زنان صدر اسلام، اعمّ از زنان آزاد و کنیزان، همگی پوشش مشترکی داشتند، عدّه ای از جوانان هوسران در سر راه آنها نشسته و به آنها متلک می انداختند، و فکر می کردند که زنان آزاد هم جز کنیزکان هستند، فلذا خطاب آمد: ای پیغمبر به زنان و دختران خود و به زنان آزاد مؤمنان بگو تا چادرهای خود را به رو بگیرند تا از کنیزکان شناخته شوند و مورد اذیّت مزاحمین قرار نگیرند».

و همانگونه که مرحوم علّامه طباطبایی هم در تفسیر شریف خود «المیزان» بدان پرداخته اند، اشکالات بسیار مهمّ و اساسی بر شأن نزول دوّم (که مراد و مفهوم آیه را در یک شرایط و مصادیق بسیار خاصّی محدود می کند) وارد است، و ما بخاطر پرهیز از حجیم شدن کتاب خود، از ذکر این مباحث خودداری می کنیم.

با پذیرش شأن نزول اوّل، نگرش به آیه شریفه کلّاً عوض می شود و گویا مفهوم آیه رنگی واقعی تر و اجتماعی تر به خود می پذیرد، که در آتیه فصل بیشتر با آن آشنا خواهید شد.

و امّا در ادامه فصل، ما بیشتر به دنبال این خواهیم بود تا ببینیم

مراد از عبارت يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ که خداوند متعال رعایت آن را به همه زنان مسلمان امر می فرماید چیست؟!

بطور کلّی در این عبارت قرآنی دو واژه بسیار مهمّ وجود دارد که محور اصلی همه مباحث تفسیری و نزاعات موجود شده اند:اوّل:«یدنین» ودوّم: «الجلابیب».

مراد از «جلابیب» در آیه شریفه

مراد از «جلابیب» در آیه شریفه

بطور کلّی، مفسّرین و اهل لغت، در ترسیم معنا و مفهوم واژه «جلابیب» جمع «جلباب» در این آیه شریفه، صرف نظر از برخی اقوال بسیار بعید، به سه قول بسیار مهمّ و قابل بحث اشاره نموده اند که برخی از این اقوال طرفداران بسیار زیادی داشته و در مقابل برخی دیگر حامی کمتری دارند، این سه قول مذکور عبارتند از:

1. جلباب یعنی: ملحفه و یا چادر، و یا هر نوع لباس وسیع و سرتاسری دیگر که تمام اندام و لباسهای دیگر زن را (از سر تا قدمهایش) بپوشاند.

2. جلباب یعنی: پوششی وسیعتر از خمار (یعنی: روسری) و کوچکتر از رداء وعبا، که سر و سینه و قسمت هایی از بدن زن را تا میانه بدن او می پوشاند.

3. همان مقنعه و یا روسری، که سر و گردن زن را می پوشاند.

و امّا در میان این اقوال سه گانه آنکه از مدافعین بیشتر و معتبرتر چه از ناحیه لغویّون و چه مفسّرین و چه علما و نویسندگان برخوردار

است قول اوّل است، که ما در اینجا به خاطر رعایت حال همه خوانندگان این کتاب نمی توانیم به همه اقوال آنها بپردازیم به همین خاطر تنها به موارد مهمّی از اقوال مدافعین قول اوّل اکتفا خواهیم نمود:

1. در کتاب فرهنگ ألبسه مسلمانان، ص117 آمده است:«جلباب: چادر بزرگی است که در شرق زنان هنگام بیرون شدن از خانه سرتاپای خود را در آن می پوشانند».

2. و در الملابس العربیّه فی العصر العبّاسی: بنقل از المعجم دوزی، ص103 در تعریف جلباب آمده است: «ما تلتحف به النساء من الرأس إلی القدمین حین یردن الخروج من منازلهنّ».

یعنی: آنچه که زنان به هنگام خروج از منزل سر تا پاهای خود را با آن می پوشانند.

3. و در الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، در ذیل آیه 59 از سوره احزاب آمده است: «اسم جامد للملاءه التی تشتمل بها المرأه، قال المبرد: الجلباب ما یستر الکلّ مثل الملحفه».

یعنی: جلباب اسم جامدی است برای پارچه ای که همه اندام زن را شامل می شود، و مبرد گفته است: جلباب آن است که کلّ بدن را بپوشاند مثل چادر.

4. و خطیب عدنانی در الملابس و الزینه فی الإسلام گفته است: «کساء أسود تلبسه المرأه فوق ثیابها». یعنی: جلباب لباس سیاهی است که زن از

روی همه لباسهای دیگرش آن را می پوشد.

5. و در کتاب لغت مشهوری همچون التحقیق فی کلمات القرآن الکریم نگارنده پس از بررسی اقوال مختلف در مورد این واژه و ذکر مؤیّدات هر کدام از آنها می نویسد: «فظهر بهذه القرائن: أنّ الجلباب هو ما قیل: إنّه ما یغطّی الثیاب ویستر البدن والثیاب معا، والملاء التی یشتمل بها و الملحفه، والرداء الذی یستر تمام البدن و یلبس فوق الثیاب» یعنی: از همه قرائن آشکار می گردد که جلباب همانگونه که گفته شد پوششی است که همه بدن و لباسهای دیگر زن را یکجا می پوشاند، و پارچه ای است که شامل همه اندام زن می گردد، و یعنی چادر و یا هرگونه لباس دیگری که همه بدن و نیز همه لباسهای دیگر زن را بپوشاند.

5 - 17. و از میان مفسّرین مشهور قرآن کریم هه در مجمع البیان(طبرسی)، الکاشف(محمّد جواد مغنیه)، الجلالین(المحلّی و السیوطی)، أحکام القرآن(ابن عربی)، عون المعبود (عظیم آبادی)، نثر المرجان(محمّد غوث)، المقتینان الدرر(حاج میر سیّد علی حائری طهرانی) تفسیر أبو الفتوح رازی، غریب القرآن، مدارک التنزیل، لباب التنزیل، مفاتیح الغیب، کشف الأسرار و دعوه الأبرار(خواجه عبداللّٰه انصاری قریب به این مضمون مشترک را پذیرفته اند.

18 - 23. و زمخشری در الکشّاف و طبرسی در جوامع الجمع و مجمع البیان و آلوسی در روح المعانی به نقل از «ابن عبّاس» و «مجاهد» و طبری در جامع البیان (تقریباً) در معنای جلباب آورده اند:«الرداء الذی یستر من فوق إلی أسفل». یعنی: لباسی که از بالای اندام زن تا پایین ترین قسمت

بدنش را بپوشاند.

24. و قرطبی مفسّر مشهور در کتاب تفسیرش و در الجامع الأحکام القرآن آورده است: «والصحیح: أنّه الثوب الذی یستر جمیع البدن». یعنی: صحیح آن است که جلباب همه اندام زن را می پوشاند.

25 - 30. و سیوطی در الدرّ المنثور به نقل از «الذیابی» و «عبد بن حمید» و «ابن جریر» و «ابن المنذر» و «ابن أبی حاتم»، همگی به نقل از «محمّد بن سیرین» آورده اند:«چون از عبیده از معنای جلباب پرسیدم، ملحفه (چادری) را که در دسترس بود برداشت و به سر کشید...».

31. و مفسّر کبیر مرحوم علاّمه طباطبایی در تفسیرش المیزان در ذیل آیه شریفه می فرماید:«الجلابیب جمع جلباب، و هو ثوب تشتمل به المرأه فیغطّی جمیع بدنها». یعنی: جلابیب جمع جلباب، و آن لباسی است که زن با آن همه اندامش را (یکجا) می پوشاند.

32. و در لمفصّل فی أحکام المرأه و البیت المسلم فی الشریعه الإسلامیّه، ج 3، ص 3222 آمده است: «انّه الملاءه التی تشتمل بها المرأه فتلبسها فوق ثیابها وتغطّی بها جمیع بدنها من رأسها إلی قدمها، و الجلباب بهذا التعریف شبیه العباءه». یعنی: جلباب پارچه ای است که زن آن را از روی همه لباسهای دیگرش می پوشد و با آن همه بدنش را از سر تا قدمهایش می پوشاند، و جلباب طبق این تعریف شبیه به چادر است.

33. و در نوشته های اغلب شارحین و یا حاشیه نگاران بر کتاب نهج البلاغه، در ذیل واژه جلباب، علی الخصوص شارح شهیر این کتاب «ابن ابی الحدید» آمده است:«و هی الملحفه فی الأصل، و استعیر لغیرها من

الثیاب».(1) یعنی: جلباب در اصل به معنای چادر می باشد و گاهی برای لباسهای دیگر زن هم بعنوان استعاره به کار می رود.

34. و آیه اللّه سیّد عبداللّه بلادی بوشهری در کتاب سدول الجلباب فی وجوب النقاب مؤلّف ضمن ترجمه «جلباب» به چادر، به قید «من الفرق الی القدم» تأکید می کنند، یعنی جلباب پوششی است که از سر تا قدمهای زن را یکجا می پوشاند.(2)

35. و مرحوم میرمحمّد هاشم مجتهد مرندی در کتاب صواب الخطاب فی إتقان الحجاب آورده است: «جلباب، چادر...، این آیه اَصرح صریح است در وجوب اینکه باید زن با چادر شب بیرون شود، و بدون چادر بیرون رفتن از برای زن در شریعت اسلام جایز نیست».(3)

36. و مرحوم سیّد اسد اللّه خرقانی هم در رساله ردّ کشف حجاب قریب به همان را آورده است.(4)

37. و مرحوم شیخ یوسف نجفی گیلانی در وسیله العفائف می گوید: «جلباب: روپوش، یعنی چادر روی خمار که تعبیر به ثیاب ظاهره می شود و زن ها با آن سروبدن و بلکه تا قدم را بپوشانند».(5)

38 - 51. و غلامحسین اصفهانی حائری هم در فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب(6) و آقا موسی کاظمینی طبرسی ضیائی در ضیائیّه در

1- 1. شرح نهج البلاغه لابن ابن ابی الحدید، ج15، ص80.
2- 2. رسائل حجابیه، رسول جعفریان، ج1، ص81.
3- 3. مأخذ پیشین، ج1، ص231.
4- 4. مأخذ پیشین، ج1، ص132.
5- 5. رسائل حجابیه، رسول جعفریان، ج1، ص345.
6- 6. مأخذ پیشین، ج1، ص490.

موضوع حجاب (1) و شیخ جواهری در جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام(2) و ناصر خسرو در خوان الاخوان (3) و شیخ فیاض الدین زنجانی در رساله حجابیّه(4) و مرحوم الهی قمشه ای در ترجمه خود بر قرآن کریم و مرحوم شیخ عبّاسعلی اسلامی در رساله ای در اثبات وجوب حجاب(5) و مرحوم آیه اللّه علی اصغر لاری در حجاب و پرده داری(6) و سیّد محمّد علی مبارکه ای در سرادق دوشیزگان و سعادت ایرانیان(7) و دکتر صلاح الحسین العبیدی در الملابس العربیه الاسلامیه فی العصر العباسی، ص298 و شیخ محمّد الصالح بن عتیمین در رساله الحجاب، ص12 و الحطاب الرعینی در مواهب الجلیل، ج4، ص203 و دکتر سیّد جعفر شهیدی در حجاب در قرآن و زینب بیگم شیرازی در جوابیّه مقاله ضالّه طالبین رفع حجاب(8) شبیه آن را آورده اند.

52و53. و دانشمند مشهور عرب ناصرالدین ألبانی در حجاب المرأه المسلمه فی الکتاب و السنّه، ص 38 می نویسد:«والجلباب هو الملاءه التی تلتحف به المرأه فوق ثیابها علی أصحّ الأقوال... و قال ابن حزم (3/217): و

1- 1. مأخذ پیشین، ج1، ص419.
2- 2. جواهر الکلام، ج8، ص235.
3- 3. خوان الخوان، ص283.
4- 4. رسائل حجابیّه، رسول جعفریان، ج1، ص601.
5- 5. مأخذ پیشین، ج1، ص617.
6- 6. مأخذ پیشین، ج1، ص639.
7- 7. مأخذ پیشین، ج1، ص441.
8- 8. مأخذ پیشین، ج1، ص231.

الجلباب فی لغه العرب التی خاطبنا بها رسول اللّه صلی الله علیه و آله هو ما غطّی جمیع الجسم لا بعضه، و صحّحه القرطبی... قلت: و لعلّه العباءه التی تستعملها الیوم نساء نجد والعراق ونحوهما...» که عبارت به همان معانی مذکور می باشد.

و...

نکاتی چند در قوّت قول اوّل

نکاتی چند در قوّت قول اوّل

1. از استعمال کلمه «علیهنّ» در آیه شریفه، فهمیده می شود که جلباب نوعی پوشش است که قابلیّت تسلّط کامل و یا اشتمال بر همه اندام زن را دارا باشد، چرا که حرف «علی» دلالت بر اشتمال و تسلّط دارد، و همسویی کامل این نکته با قول اوّل بسیار بیشتر از سایر اقوال است.(1)

2. وجه دوّم، اشتقاق و معنای لغوی واژه «جلباب» است که برخی از محقّقین و اهل لغت بدان پرداخته اند. و آن اینکه: واژه جلباب از «جُلْب اللیل» یعنی تاریکی شب است، و آنگاه مثال آورده اند که: «جلب اللیل یطرده النهار»، یعنی تاریکی شب روز را پشت سر انداخت، با فرض پذیرفتن این اشتقاق و یا همدستگی، جلباب دلالت بر نوعی پوشش سرتاسری می کند که شامل همه سر و اندام زن باشد، چرا که

1- 1. و لازم به تذکّر است که تفاسیر زیادی (همچون: تفاسیر قرطبی، صافی، اصفی، مجمع البیان، نثر المرجان، عون المعبود، الجلالین، المیزان، راهنما، و کتبی همچون: مجمع البحرین، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، شرح کافی ملا صالح مازندرانی، سدول الجلباب فی وجوب الحجاب، صواب الخطاب فی اتقان الحجاب، حجاب المرأه المسلمه فی الکتاب و السنه، رساله حجابیه زنجانی، حجاب و پرداری و...) به این نکته اشاره نموده اند.

شب همچون پرده ای همه روز و روشنایی آن را می پوشاند و به عبارتی دیگر تسلّط کامل بر چهره روز دارد.

3. و مهمّترین دلیل قوّت این قول، که ما در اینجا مفصّلاً بدان خواهیم پرداخت موارد استعمال این واژه [یعنی جلباب] در متون روایی و دینی ماست، باید ببینیم آیا واژه جلباب در سایر روایات و یا اخبار دینی ما به چه معنایی بکار رفته است!؟

با تتبّعی مختصر در روایات و اخبار اسلامی، این نکته حاصل می شود که کلّاً واژه «جلباب» در منابع دینی ما، به دو معنای مجازی و حقیقی استعمال شده است.

در معنای مجازی از واژه جلباب، لباس و یا پوشش خاصّی قصد نشده، بلکه به صورت تشبیه و یا استعاره بکار رفته است. و معنای حقیقی آنجا که نوعی پوشش خاصّ از استعمال جلباب منظور باشد.

و ما به اختصار ثابت خواهیم نمود که هر دو نوع استعمال، قوّت قول نخست را تأیید می کنند:

امّا در استعمال نوع اوّل همانگونه که جناب آقای دکتر سیّد جعفر شهیدی هم در یکی از مقالات خود بنام «جلباب در قرآن» به بررسی آن پرداخته و به نتیجه رسیده است مراد از تشبیه رساندن نوعی احاطه و شمول کلّی می باشد. ایشان مطالعه خود را تنها در دامنه کتاب شریف نهج البلاغه انجام داده و ثابت نموده است که همه موارد استعمال شده از واژه جلباب در این کتاب را که در خطبه های 4، 66، 87، 153، 183 و نامه های 10، 19، 65 و کلمه قصار 112 به کار رفته مورد

بررسی قرار داده اند و در کلّ با توجّه به همه موارد مذکور ایشان به دو نتیجه کلّی اشاره می کند: نخست آنکه جلباب هر چه باشد پوششی است که بر روی همه پوشش های دیگر پوشیده می شود. و دوّم آنکه این پوشش سرتاسر اندام زن را می پوشاند.(1)

به عنوان مثال مولای موحّدین حضرت علی علیه السلام در فرازی از وصیّت نامه خود می فرماید: «البخل جلباب المسکنه»(2) یعنی: بخل پوسته و یا روپوش مسکنت و نداری است. باتوجّه به اینکه مسکنت و نداری حالتی است که همه اندام و چهره انسان را شامل می شود، و یا به عبارتی دیگر بر همه ابعاد جسمی و روحی و زندگی انسان سایه می اندازد، فلذا از تشبیه گستردگی این حالت به واژه «جلباب»، فهمیده می شود که جلباب باید پوششی باشد که تا حدّ امکان همه اندام زن را در تحت پوشش خود قرار دهد.

و یا در نقل دیگری از زبان حضرت سلمان علیه السلام آمده است:«فکأنّما ألسبنا جلباب المذلّه». یعنی: گویا ما جلباب ذلّت و خواری پوشیده ایم.(3) و...

و امّا مهمتر از اینها مواردی است که این واژه، بصورت حقیقی (یعنی به معنای پوششی مخصوص برای زنان) در لابلای روایات و متون ما استعمال شده است.

1- 1. از دیروز تا امروز، مجموعه مقالات دکتر شهیدی، ص37.
2- 2. الکافی، ج8، ص22.
3- 3. بحارالانوار، ج10، ص54.

با تتبّع در روایات و متون اسلامی، خوشبختانه به مواردی از این نوع استعمالات برخوردیم که در آنها جلباب با معنای اوّل بسیار سازگاری دارد. و البتّه در موارد نادری هم واژه جلباب می تواند با هر یک از اقوال چهارگانه مطابقت داشته باشد که آسیبی به استدلال ما نمی رساند.

و اینک به مواردی از این نوع استعمالات اشاره می کنیم:

* در ذیل آیه 11، از سوره مبارکه نور، اغلب مفسّرین، داستانی را بعنوان سبب نزول نقل می کنند که مربوط به عائشه زن پیغمبر صلی الله علیه و آله است، این آیه شریفه معروف به آیه «افک» است. مضمون داستان بدین نحو است که: عائشه که در یکی از مسافرتها همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود به هنگام بازگشت، از کجاوه خود پیاده می شود و به دنبال گردنبند گم شده خود می رود و به تدریج از کاروان سپاهیان رسول اللّه صلی الله علیه و آله دور می شود؛ وقتی کاروان حرکت می کند حاملان کجاوه وی فکر می کنند عائشه داخل کجاوه است. آنان کجاوه خالی را حمل می کنند و عائشه وقتی به سمت آنها برمی گردد دیگر کاروان را نمی بیند.

یکی از سپاهیان، به نام «صفوان» که او هم از کاروان بازمانده بود، عائشه را می بیند و او را می شناسد و با خود به شهر می رساند.

زنی در شهر بنام «امّ مسطح» وقتی او را می بیند که با صفوان می آید شایعه پراکنی می کند و تهمت ناروا به او می زند. و ادامه داستان طولانی است.

امّا خود عائشه وقتی این خبر را نقل می کند و ماجرای گم شدنش

را بیان می کند، در قسمتی از کلامش این واژه «جلباب» را استعمال می کند، آنجاکه می گوید:

«و کان رآنی (صفوان) قبل الحجاب، فاستیقظت باسترجاعه حین عرفنی فخمّرت وجهی بجلبابی.»(1)

یعنی: صفوان مرا از پشت حجاب دیده بود، پس وقتی مرا شناخت کلمات استرجاع (إنّا للّه وإنّا إلیه راجعون) را به زبان آورد، و من با صدای او بلند شدم و با جلبابم صورتم را پوشاندم.

از این نقل فهمیده می شود که جلباب باید پوششی باشد که بتوان با آن سر و صورت را هم پوشاند، و گرنه خمار ساختن و یا به عبارتی دیگر گرفتن صورت با غیر آن، که در اقوال دیگر گذشت، همچون رداء و پیراهن و... تکلّف در معنا ایجاد می کند.

* و در برخی از منابع شیعه و سنّی از عائشه نقل شده است که می گوید:

«ما در حال احرام(در ایّام حجّ) بودیم که مردانی از روبروی ما می گذشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله اجازه فرمود که جلبابهای خود را مقابل صورت خود آویزان کنیم...».(2)

1- 1. مجمع البیان، المیزان، جامع البیان، تفسیرابن کثیر، تفسیر الجلالین، الدرّ المنثور، مسند احمد، ج6، ص195، صحیح بخاری، ج5، ص56، صحیح مسلم، ج8، ص114، روض الجنان، ج7، ص227، بحارالانوار، ج20، ص311.
2- 2. منتهی المطلب، علامه حلّی، ج2، ص7911؛ مستند الشیعه، محقّق نراقی، ج12، ص39؛ جواهر الکلام، شیخ جواهری، ج8، ص263؛ فقه السنّه، ج1، ص674؛ سن أبی داود، ج1، ص412؛ سنن الکبری، ج5، ص48.

همانگونه که می دانید، زن مُحرم، در حال احرام نمی تواند چادر و یا نقابش را بر صورت خود بگیرد، ولی همانگونه که در این خبر هم آمده است، فقها و مراجع ما فرموده اند اگر نامحرمان چشم به صورت او دوخته باشند زن می تواند از قسمت بالای سر، چادرش را بالا کشیده و بگونه ای که چادر با صورتش تماسّ پیدا نکند آن را مقابل صورتش بگیرد.

از این خبر فهمیده می شود که جلباب باید نوعی پوشش سرتاسری باشد که سر را هم بپوشاند و الّا با رداء و عباء و روسری این کار تکلّف دارد.

* در ذیل آیه 60، از سوره مبارکه نور، برخی از مفسّرین، روایتی را از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند که:

«للزوج ما تحت الدرع، و للابن و الأخ ما فوق الدرع، و لغیر ذی محرم أربعه أثواب: درع، و خمار، و جلباب، و إزار».(1)

یعنی: آنچه که در زیر پیراهن است برای شوهر است، و فرزندان و برادران می توانند پس از پوشش یک پیراهن سرتاسری سایر جاهای بدن زن را ببینند، ولی در پیش نامحرمان برای زن چهار لباس ضروری است: پیراهن، خمار(روسری)، جلباب(سرتاسری یا چادر)، و شلوار.

این خبر نه تنها وجوب پوشش جلباب را در جامعه برای زن ثابت می کند، بلکه اقوال دوّم و سوّم را که در بیان معنای جلباب، گفته

1- 1. تفسیر نورالثقلین، تفسیر صافی و أصفی، تفسیر مجمع البیان، و کتاب زبده البیان محقّق اردبیلی، ص554.

شده اند کاملاً تضعیف می کند؛ چرا که با استعمال هر دو واژه خمار و جلباب در کنار هم معلوم می گردد که جلباب غیر از خمار است، و مخصوصاً این خبر قول نادری را که برخی گفته اند: جلباب خمار خارج از منزل زنان است بسیار سست می کند؛ چرا که حتّی آوردن جلباب بمعنای خمار بزرگ و یا خارجی در کنار واژه خمار، کاملاً ناهمگون است.

* در ذیل آیه 60 از سوره نور که قبلاً آورده شد، روایاتی صادر شده اند که باز در همگی آنها جلباب و خمار در کنار هم بعنوان دو لباس متفاوت ذکر شده است. بخصوص که در یکی از این روایات که گویا جمع بین دو دسته از اخبار در آن صورت گرفته آمده است:

«الجلباب، إلّا أن تکون أمه، فلیس علیها جناح أن تضع خمارها»

یعنی: زنان پیر (اگر آزاد باشند) تنها جلباب خود را می توانند کنار بگذارند، ولی زنان پیری که کنیز باشند، هم خمار(یعنی: روسری) و هم چادر خود را می توانند کنار بگذارند. و از این تفصیل، استفاده می شود که قطعا «جلباب» غیر از «خمار» است، و نیز حتما پوشش جلباب حجابی است پوشاننده تر از خمار.(1)

* و در روایتی آمده است که وقتی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام برای دفاع از حقّ غصب شده خود (یعنی فدک) به مجلس ابی بکر می رفت:

«لاثت [لاتت] خمارها علی رأسها، و اشتملت جلبابها»(2)

1- 1. التهذیب، ج7، ص480.
2- 2. الاحتجاج، ج1، ص97؛ الطرائف، ج1، ص263؛ بحارالانوار، ج29، ص220،218و235؛ شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید، ج16، ص249.

یعنی: حضرت خمارش را بر سر کشید، و جلبابش را پوشید...

این نقل، کاملاً نشان دهنده آن است که معنای «خمار» غیر از واژه «جلباب» است، و نکته دیگر اینکه خمار در این خبر با فعل «لاثت» یعنی برسرکشیدن آمده، ولی جلباب با فعل «اشتملت»؛ یعنی اینکه جلباب، برخلاف خمار، پوششی است که شامل همه بدن زن می شود.

* و باز در روایتی آمده است که حضرت زهرا علیهاالسلام وقتی خبر مریضی پدرش را از جناب ابوذر شنید و خواست راهی خانه پدرش شود:

«فتجلببت بجلبابها و تبرقعت ببرقعها و أرادت النبیّ صلی الله علیه و آله »(1)

یعنی: جلبابش را بر سر کرد، و رو بنده اش را پوشید و اراده منزل پیغمبر صلی الله علیه و آله نمود.

همانگونه که ملاحظه می کنید، در این خبر هم «فتجلببت» آمده که در لغت تقریبا به همان معنای «اشتملت» است، و به علاوه تفاوت «بُرقع» با «جلباب» در این خبر کاملاً مفهوم است، و آن اینکه، مخصوصاً برقع را پس از جلباب ذکر می کند که احتمالاً نشان دهنده آن است که حضرت زهرا علیهاالسلام در جامعه، علاوه بر اینکه چادر سر می نمودند، برقعی هم مثل نقاب بر روی چادر خود دوخته بودند و

1- 1. علل الشرایع، ج1، ص163.

صورت خود را با آن می پوشاندند.

مراد قرآن از «یُدنین» چیست؟

مراد قرآن از «یُدنین» چیست؟

بطور کلّی مفسّران و محقّقان به دو صورت زیر در معنای این کلمه سخن گفته اند:

1. برخی آن را به معنای نزدیک کردن و یا نزدیکی، از مادّه «دُنوّ» گرفته اند.

2. و برخی دیگر به معنای «اِرخاء» یعنی مطلق پوشیدن و یا سرکردن پوششی.

و برخی دیگر هم، هر دو معنا را با عطف به همدیگر آورده اند، و در واقع موضع مشخّصی در این مورد اتّخاذ نکرده اند.

امّا آنچه مسلّم است این است که بین این دو معنا تفاوتهای قابل توجّهی وجود دارد که نمی توان به راحتی از آن چشم پوشی کرد.

اگر قول اوّل را بپذیریم، یعنی «یدنین» را به معنای نزدیک کردن فرض کنیم، مفهوم این خواهد شد که دستور خداوند متعال در این آیه، متوجّه اصل پوشیدن جلباب نیست، بلکه در این آیه علاوه بر پوشیدن جلباب، امر به جمع نمودن گوشه های آن در قسمتی از صورت و یا بدن نیز شده است.

ولی با پذیرش قول دوّم، مسأله تنها روی پوشیدن و یا نپوشیدن جلباب دور می زند، و خداوند متعال در حقیقت تنها به پوشیدن جلباب امر می نماید.

فلسفه چادرپوشی در قرآن کریم

اغلب مفسّرین شیعه و بسیاری از مفسّرین اهل سنّت، در ذیل عبارت «ذلِکَ أَدْنی أَن یُعْرَفْنَ فَلایُؤْذَیْنَ» به نکته بسیار جالبی اشاره کرده اند که به نظر می رسد که این خود یکی از فلسفه های بسیار مهمّ توصیه به پوشش لباس سرتاسری و یا چادر برای زنان در قرآن محسوب شود.

در این آیه شریفه، پس از آنکه خداوند متعال، زنان مسلمان را در جامعه امر به پوشیدن جلباب و یا جمع نمودن گوشه های آن می کند، در ادامه می فرماید: «ذلِکَ أَدْنی أَن یُعْرَفْنَ فَلایُؤْذَیْنَ»؛ یعنی: «چون این کار(یعنی پوشش چادر و یا نزدیک کردن گوشه های آن در صورت) بهتر است برای خود زنان مسلمان، تا اینکه آنها در جامعه شناخته شوند و اذیّت نشوند».

حال در اینکه آیا منظور از «شناخته شدن» در این آیه شریفه چیست، بسیاری از مفسّرین مشهور، همچون مفسّر قمی و مرحوم علّامه طباطبایی و بسیاری از مفسّرین و محقّقین دیگر می گویند: «أی یُعرفن بالستر و العصمه» یا «بالتقوی و العفاف» و از این قبیل تعبیرات.

یعنی: چون در این صورت، زنان مسلمان، در جامعه اهل تقوا و عصمت شناخته می شوند و در نتیجه مزاحمان و نامحرمان هوسباز دیگر در آنها طمع نمی کنند و مزاحم آنها نمی شوند.

و این استفاده، با شأن نزول اوّلی که ذکر شد بسیار مطابقت دارد، و

سخن ساده و کم ثمره ای هم نیست؛ و با اندکی تأمّل در آن مشخّص می شود که چه حرف بلند و سرنوشت سازی در اصلاح جوامع مسلمین و امنیّت اجتماعی نوامیس آنها است.

چرا که معمولاً در جوامع مختلف دیده شده و حتّی کارشناسان غربی هم اذعان داشته اند که تا مزاحمان خیابانی و یا مردان هرزه و هوسباز آثار تمایل و خودنمایی از ناحیه زن نامحرم احساس نکنند، (اگر چه ممکن است در برخی شرایط خاصّ کسانی آنقدر مریض باشند که در این صورت هم به اجبار دست به فساد بزنند ولی) غالباً تمایلی به مزاحمت بیش از حدّ در مردان ایجاد نمی شود و در برخی از کشورها همچون کشور ما اصلاً مرد جرأت مزاحمت و طعنه زدن و یا متلک گفتن و یا فراتر از آن را پیدا نمی کند، فلذا این زن است که همیشه قدم اوّل را در ایجاد مفسده، با پوشش جذّاب و حرکات محرّک خود بر می دارد و مرد نامحرم را به سوی خود جلب می کند.

مثلاً در کشور ما، زنی که چادر به سرکرده و خوب صورت و لباسهای دیگرش را زیر چادر خود پوشانده است، واقعاً بعید است در داخل جامعه، در کوچه و خیابان، مزاحمین هوسران به او طعنه بزنند و یا متلک بگویند و یا مزاحمش شوند، مگر در شرایط بسیار خلوت و یا ناامن که محلّ بحث نیستند. فلذا می فرماید: برای ریشه کن نمودن فساد جنسی در جوامع، از تأثیر گذارترین مهره ای که می توان از آن استفاده نمود، و مخصوصا مسئولین تأثیرگذار ما باید از آن استفاده کنند، تشویق و ترویج فرهنگ واقعی حجاب و عفّت در میان زنان

جامعه است.

بررسی آیه مبارکه نور

بررسی آیه مبارکه نور

«وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الّتِی لَایَرْجُونَ نِکَاحاً فَلَیْسَ عَلَیْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ یَضَعْنَ ثِیَابَهُنَّ غَیْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِینَهٍ وَ أَنْ یَسْتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَهُنَّ وَ اللّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ»(1)

یعنی: زنان پیرسال که دیگر امید به نکاح در آنها نمی رود می توانند جامه خود را نپوشند ولی اگر آنها هم عفّت ورزند (واین لباس خاصّ را بپوشند) بهتر است، و خداوند شنوا و داناست.

اینکه مقصود از «ثیاب» و یا لباسی که زنان خیلی پیر می توانند آن را در بین نامحرمان کنار بگذارند چیست، بحثهای مفصّلی صورت گرفته است، ولی حرف آخر را در این خصوص روایات رسیده از امامان شیعه می زنند که در این خصوص 6 روایت معتبر از معصومین علیهم السلام در تفسیر این آیه، وارد شده است. در چهار مورد از آنها، یعنی: خبر محمّد بن مسلم (از امام صادق علیه السلام)، و کنانی (از امام صادق علیه السلام)، و محمّد بن سنان (از امام رضا علیه السلام)، و محمّد بن ابی حمزه (از امام صادق علیه السلام)، مراد از «ثیابهن» در این آیه، تنها «جلباب» اعلام شده است. و دو مورد دیگر، یعنی: خبر حلبی (از امام صادق علیه السلام)، و حریز (از امام صادق علیه السلام) مراد از آن «جلباب» و «خمار» توأما اعلام شده است.(2) و قبلاً عرض کردیم که روایت «کنانی» در این زمینه، این

1- 1. النور(24): 60.
2- 2. رجوع کنید به: الکافی، ج5، ص222؛ التهذیب، ج7، ص480؛ عیون الأخبار، ج1، ص104؛ علل الشرایع، ج2، ص565؛ وسائل الشیعه، ج2، ص194؛ بحار الانوار، ج6، ص101.

تعارض را حلّ کرده است، بدین نحو که اگر زن قاعده، کنیز باشد می تواند خمارش را هم کنار بگذارد، ولی زن قاعده آزاد، فقط می تواند چادرش را در میان نامحرمان کنار بگذارد.

و در تأیید این سخن، حتّی در میان منابع اهل سنّت هم، افرادی همچون: ابن مسعود، سعید بن جبیر، ابن عبّاس، ابن عمر، مجاهد، حسن، عمرو بن میمون، ضحاک، عبده، ابن ابی نجیح، ابی الشعثاء، ابراهیم النخعی، قتاده الزهری، الاوزاعی، ابوصالح و غیره، تنها جلباب را مراد از «ثیاب» در این شریفه عنوان نموده اند.

و همچنین است غالب مفسّرین، فقهاء و محقّقین شیعه، که در معنای «ثیابهنّ» در این آیه گفته اند:

«و المراد بالثیاب، ثیاب الظاهره، کالملحفه والجلباب الذی فوق الخمار».

یعنی: مراد از ثیاب در این آیه، لباس رویین است، مثل ملحفه و یا جلباب که روی خمار پوشیده می شوند.

آنچه مسلّم است اینکه از مفهوم آیه فهمیده می شود کنار نهادن جلباب (چادر) تنها برای این دسته بلا اشکال است و بر زنان غیر کهنسال اشکال دارد.

فصل سوّم

جایگاه عقلی پوشش «چادر»

یکی از مباحث بسیار مهمّ که در استنباط احکام شرعی کاربرد قابل توجّهی دارد بحث مفسده و یا مصلحت است. طبق این اصل، هر چند که ممکن است یک امری در زمان صدر اسلام واجب نشده باشد ولی اگر ترک آن در زمانی به مفسده و یا مفاسدی بینجامد ومخصوصاً اگر به فساد جوامع اسلامی و یا انحراف آنان از سایر ارزشهای اسلامی ختم گردد آن امر مهمّ بر مسلمانان واجب خواهد شد؛ و یا بر عکس، اگر چه ممکن است یک عملی فی نفسه حرام نباشد ولی اگر ارتکاب آن و یا ترویج آن در جامعه اسلامی موجب مفسده و یا مفاسدی شود آن امر مورد اشکال خواهد بود.

و امّا آنچه مسلّم است و احدی را یارای انکار آن نیست این است که در جامعه اسلامی ما ایران درست پس از آنکه برخی از روشنکفرمآبان بیمار چهره این حجاب کامل اسلامی را در بین بانوان ایرانی در هم شکستند و با انواع مغالطات و شبهه ها این سنّت تقریباً واحد و ملّی و شرعی را تضعیف نمودند انحراف از سایر ارزشهای حجاب و عفّت اسلامی هم که اغلب مُهر وجوب خورده اند به دنبال آن در جامعه تضعیف و بلکه برخی از آنها بکلّی تعطیل شدند و گویا این پوشش مقدّس بمنزله محور و شاخص بسیار مهمّ در حجاب و عفّت اسلامی بود که عدول از آن موجب افزایش روز افزون بی

حجابی و بی عفّتی و یا بدحجابی در ایران و حتّی بسیاری از کشورهای مسلمان دیگر گشت.

این حقیقت همانگونه که گفته شد با اندک نظاره ای بر تاریخ معاصر ایران و برخی دیگر از کشورهای همداستان، بر هیچ عاقل منصفی قابل انکار نخواهد بود.

ابتدا در جامعه اسلامی ما چادر از آن جایگاهی که داشت فرود آمد، با آنکه اکثریّت مردم ایران آن را برای زنان مسلمان واجب می دانستند و حتّی با آن همه زور و قدرتی که رضاشاه بر علیه آن به کار بست بانوان اکثراً از این حجاب دست برنداشتند، ولی متأسّفانه آنها پس از مدّتی فریب یک عدّه افکار وسیاستهای بیمار را خورده و از این آرمان بلند فاطمی روز به روز فاصله گرفتند. ابتدا چادها کنار گذاشته شد و سپس مانتوهای جایگزین شده روز به روز تنگتر و کوتاهتر شدند تا اینکه امروز دیگر نمی توان بر آنها اسم مانتو نهاد، بلکه بلوز و شلوار و یا کت و شلواری بیش نیستند، و یا روز به روز روسریها رنگارنگتر و نازکتر شده و موهای سر را از جلو و عقب بیشتر نشان دادند، و یا شلوارها روز به روز غربی تر، جذّاب تر و تنگتر شدند، و همچنین سایر انحرافات که همگی با از بین رفتن جایگاه چادر در ایران روز به روز سرعت زیادتری به خود گرفتند.

و حتّی امروزه متأسّفانه در برخی از شهرهای بزرگ ایران برخی از دختران و زنان ایرانی شروع به کوتاه نمودن شلوارهای خود نموده اند و روز به روز شلوارها از ساق پا بالاتر رفته و کوتاه می شوند و معلوم

نیست تا چند سال دیگر چه سرنوشتی در انتظار بانوان ایرانی و به دنبال آن جامعه اسلامی ایران باشد. فلذا آنچه مهمّ است اینکه علاوه بر مصالح گفته شده در خصوص پوشش چادر، مفسده های ناشی از ترک چادر و یا تضعیف آن از ناحیه برخی از نهادها، بر احدی پوشیده نیست، و به همین دلیل التزام به این نوع از پوشش و ترویج آن به عنوان یکی از سیاستهای مهمّ جوامع اسلامی بر مردم و دولتهای اسلامی واجب است.

ص: 97

فصل چهارم

اشاره

فصل چهارم

فتاوا و تعبیرات بزرگان در خصوص کیفیّت حجاب اسلامی و چادر

1. چادر در مواعظ و تعبیرات برخی از بزرگان
2. فتاوا و استفتائات کلّی در خصوص کیفیّت حجاب زنان
3. فتاوا و استفتائات در خصوص پوشش چادر
4. سؤالات تکمیلی و جانبی

ص: 98

ص: 99

1. چادر در مواعظ و تعبیرات برخی از بزرگان

اشاره

(1)

چادر در مواعظ و تعبیرات برخی از بزرگان

لازم به تذکّر است که برخی از محقّقین، در تحقیقات خود، با استناد به برخی از فتاوای مراجع عظام، چنین نتیجه گرفته اند که در اسلام تنها مطلق ستر و پوشش مراد است و فرقی نمی کند که زن با چه نوع پوششی خود را بپوشاند، و بطور کلّی هیچ نوع قید و خصوصیّتی برای پوشش زن قائل نشده اند.

ما در این فصل می خواهیم بگوییم، این نوع برداشت از نظرات مراجع دینی در خصوص حجاب و عفّت، بسیار سطحی و غیر منطقی است، و دلیل آن هم این است که اینها تنها روی یک یا چند مورد از فتاوای مراجع دینی متمرکز شده اند، در صورتی که باید همه اقوال و فتاوای آنها را در مورد حجاب و عفّت، یکجا ملاحظه نمایند.

به عنوان مثال، در برخی از فتاوا و استفتائات امام خمینی (ره) دیده می شود که ایشان گفته اند در اسلام تنها مطلق ستر مراد است، ولی ما در همین فصل از کتاب به موارد زیادی از فتاوای ایشان خواهیم

پرداخت که همگی قیودی را در مورد کیفیّت حجاب در پیش پای مکلّف می گذارند، ولی وقتی همه این فتاوا را در جمع می بینیم، مشخّص می گردد که منظور از این عبارت، این است که اسلام نوع خاصّی از پوشش سرتاسری را که در یک کشوری رسم باشد همچون چادر ایرانی، برای زنان لازم نمی داند، و گرنه اگر از نظر ایشان، تنها مطلق پوشاندن بدن مراد باشد، پس در این صورت هیچ فرقی نباید بین پوشش بلوز و شلواری با پوشش چادر و مانتو و غیره موجود باشد، و آنوقت مثلاً بیرون آمدن زن، تنها با بلوز و شلوار و روسری که تنها بدن و موی زن پوشیده شود بلااشکال باشد، در صورتیکه همه این موارد در بسیاری از فتاوا و استفتائات ایشان ممنوع اعلام شده اند.

فلذا، باید همه فتاوا و یا استفتائات یک مرجع دینی، با هم جمع شوند و آنگاه نتیجه گیری شود و نمی توان تنها یک فتوا و یا استفتا را ملاک قرار داد و بقیّه را نادیده گرفت.

ما در این خصوص، نظرات سیزده تن از مراجع تقریبا معاصر و خیلی مشهور شیعه را مورد بررسی قرار داده ایم و نتایج تحقیق خود را در کتاب دیگری به نام «احکام حجاب و عفّت، در گلستان مرجعیّت» چاپ نموده ایم و در اینجا تنها، یک بخش از آن کتاب را که مربوط به کیفیّت حجاب اسلامی است، تقدیم خوانندگان گرامی می کنیم و امیدواریم که در کلّ چند نتیجه زیر برای خواننده گرامی حاصل گردد:

1. علی رغم تصوّر سطحی برخی از محقّقین و نویسندگان و گویندگان که فکر می کنند مراجع عظام، هیچ نوع قید و خصوصیّتی برای کیفیّت

حجاب زن در جامعه قائل نشده اند، قریب به اتّفاق همه مراجع دینی ما، قیود و شرایط بسیار مهمّی در خصوص کیفیّت حجاب زن عنوان نموده اند، که در یک قالب بندی کلّی می توان به موارد زیر اشاره نمود:

پرهیز از هر گونه پوشش مهیّج و جذّاب.

پرهیز از هرگونه پوشش تنگ، که حجم بدن و مفاتن زن در آن نمایان باشد.

پرهیز از مدلهای غربی و یا اروپایی(و یا تشبّه به کفّار).

پرهیز از لباسهایی که شبیه به لباسهای مردانه باشند.

پرهیز از هر گونه لباس شهرت، که انگشت نمای جامعه باشد.

پرهیز از پوشش لباسهای نازک و بدن نما.

2. اغلب این شرایط مطرح شده تنها در پرتو چادر و یا پوشش سرتاسری(آن هم در رنگهای متین و غیر جذّاب) به طور کامل می توانند محقّق گردند؛ اگر چه ممکن است برخی از زنان با عدم رعایت سایر ضوابط حجاب و عفّت با وجود داشتن چادر بی حجاب و یا بی عفّت تلقّی شوند.

3. درست است که مراجع عظام، پوشش چادر را برای زن واجب ندانسته اند، ولی به اتّفاق همه آنها، پوشش چادر کاملترین نوع پوششها برای یک زن مسلمان و ایرانی است، و غیر آن حجاب ناقصی است و به حدّ کمال خود نرسیده است. و حتّی برخی از مراجع عظام آن را جزء شعائر دین برشمرده اند و یا عدول از آن را در صورت به دنبال داشتن مفسده حرام می دانند.

پیام مرحوم آیه اللّه گلپایگانی به کنگره سراسری حجاب:

پیام مرحوم آیه اللّه گلپایگانی به کنگره سراسری حجاب:

«حجاب بانوان در اسلام یکی از اموری است که از وقتی استعمارگران، چشم طمع به کشورهای اسلامی و غصب معادن و منابع طبیعی آنها دوختند، مورد حمله آنها قرار گرفت؛ زیرا چادر و حجاب زنان مسلمان را یکی از عوامل بزرگ برای بقای استقلال شخصیّت اسلامی کلّ جامعه مسلمانان و حفظ هویّت اسلامی آن دیدند و آن را مانع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود شناختند».(1)

از بیانات مرحوم آیه اللّه گلپایگانی در خصوص چادر در نماز و غیر نماز:

از بیانات مرحوم آیه اللّه گلپایگانی در خصوص چادر در نماز و غیر نماز:

«سزاوار است که چادر در نماز ترک نشود، و همچنین در غیرنماز، چون در ایران و بعض بلاد اسلامی چادر جز شعائر است».(2)

پرسش از محضر مرحوم آیت اللّه گلپایگانی در خصوص فلسفه چادر

پرسش از محضر مرحوم آیت اللّه گلپایگانی در خصوص فلسفه چادر

سؤال: هل انّ لبس «الچادر» إلزامیّ، أم یجوز للمرأه الستر بواسطه الألبسه الأُخری ک_«روپوش»؟

ترجمه: آیا پوشش چادر الزامی است، یا اینکه زن می تواند از پوششهای دیگری همچون مانتو و روپوش استفاده کند؟

1- 1. مجمع المسائل، حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی، ج1، ص159.
2- 2. مجمع المسائل، حضرت آیه اللّه گلپایگانی، ج1، ص159.

جواب: «الچادر یمنع عن ظهور مفاتن البدن و إثاره الفتنه والتهییج، و غیر الچادر إن کان یمنع عن ذلک فلا بأس به، و مع ذلک فالألیق بالمرأه المسلمه و حشمتها هو الچادر أو العباءه».(1)

ترجمه: چادر خصوصیّتش این است که جاهای حسّاس و تهییج کننده و بلندی و پستی بدن زن را می پوشاند و مخفی می کند، غیر چادر اگر پوششی پیدا شد که همین خصوصیّت را داشت اشکالی ندارد، اگر چه با فرض پیدا شدن چنین لباسی، باز هم برای یک زن مسلمان شایسته است که از چادر یا عباءه استفاده کند.

دقّت نظر حضرت امام خمینی(ره) در خصوص پوشش چادر

دقّت نظر حضرت امام خمینی(ره) در خصوص پوشش چادر

خانم مرضیّه حدیده چی (دبّاغ) نقل می کند:

«من وقتی همراه امام از فرانسه آمدم، مانتو و شلوار تنم بود. در مهران پایم صدمه خورده بود و هنوز عصایی زیر دستم بود. با آن مانتو شلوار، خدمتشان رسیدم تا گزارش بدهم. فرمودند: «شما چادر ندارید؟ بگویم احمد برایتان یک چادر بخرد؟»

گفتم: نه حاج آقا، چادر دارم، امّا چون به کوه می رفتم و اسلحه روی دوشم و فشنگ به کمرم و قمقمه به پهلویم آویزان بود و گاهی هم سه پایه تیر بار را روی دوشم می گرفتم و از کوه بالا می رفتم، این بود که اگر چادر هم

1- 1. مأخذ پیشین، ش91.

به سر می کردم، دیگر خیلی مشکل بود.

فرمودند: «چادر برای زن بهتر است». من هم از همان جا آمدم و چادر را سرم کردم و دیگر برنداشتم».(1)

اهمیّت کیفیّت حجاب از دیدگاه مرحوم شهید مطهّری(ره)

اهمیّت کیفیّت حجاب از دیدگاه مرحوم شهید مطهّری(ره)

ایشان در قسمتی از کتاب «حجاب» خود اینگونه نوشته اند:

«می گویند: زن را توی کیسه سیاه نپیچید! ما نمی گوییم زن خود را در کیسه سیاه بپیچید؛ ولی آیا باید طوری لباس بپوشد و در اجتماع عمومی ظاهر شود که برجستگی پستانهایش را هم به مردان شهوتران و چشم چران نشان بدهد؟ و از آن طور که هست، بهتر و جذّابتر برای آنها جلوه دهد؟... آیا لباسهایی که نازک کاریها و برجستگیهای بدن را نشان می دهد جز برای تهییج مردان و برای صیّادی است؟...».

اهمیّت حفظ حریم، از دیدگاه شهید مطهّری(ره)

اهمیّت حفظ حریم، از دیدگاه شهید مطهّری(ره)

در کتاب «سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مطهّری» چنین آمده است:

«ولی استاد شهید، بر یک مورد تأکید فراوان داشت و آن

1- 1. مجلّه حدیث زندگی، سیّد محمّد دلال موسوی، ص61؛ به نقل از مهر و قهر، محمّد رضا سبحانی نیا و سعید رضا علی عسکری، ص164.

اینکه فعالیّت اجتماعی بانوان ملازم با اختلاط با مردان نیست، و باید حریم میان زن و مرد حفظ شود.

متأسّفانه، هنوز این مسأله در جامعه ما و خصوصا در ادارات و دانشگاهها درست حلّ نشده و این خطر بزرگی است که توجّه زیادی هم به آن نمی شود. بعضی فکر می کنند که رعایت حجاب کافی است در صورتی که رعایت حجاب منهای حفظ حریم باز فتنه انگیز است».

و ایشان در قسمتی از کتاب «مسأله حجاب» چنین می نویسند:

«من شنیده ام در پاکستان معمول بوده است _ نمی دانم الان هم معمول هست یا نه _ که در کلاسهای دانشگاه، بخش پسران و دختران به وسیله پرده ای از یکدیگر جدا باشد و فقط استادی که پشت تریبون قرار می گیرد مشرف بر هر دو باشد، آیا بدین طریق درس خواندن چه اشکالی دارد؟...».

اهمیّت پوشش سرتاسری، از دیدگاه مقام رهبری

اهمیّت پوشش سرتاسری، از دیدگاه مقام رهبری

«آیا جنایتی از این بزرگتر نسبت به زن هست که زن را با آرایش، مد و جلوه گری زیور آلات سرگرم کنند و از او به عنوان یک ابزار و وسیله استفاده کنند؟ امروز سر و سینه را از زیور آلات پر کردن و آرایش و مد و لباس را

بت قرار دادن، برای زن انقلابی مسلمان ننگ است، چادر بهترین نوع حجاب و نشانه ملّی ماست».(1)

(2)

فتاوا و استفتائات، در خصوص پوشش چادر

فتاوا و استفتائات، در خصوص پوشش چادر

امام خمینی(ره):

ص: 112

1- 1. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، سیّد محسن محمودی.

برترین پوشش و حجاب برای زن مسلمان چادر است.(1)

مرحوم آیت اللّه گلپایگانی(ره):

1. پوشش چادر برای زن بهترین پوشش است.

2. سزاوار است که چادر در نماز ترک نشود، و همچنین در غیرنماز، چون در ایران و بعض بلاد اسلامی چادر جز شعائر است.

3. چادر خصوصیّتش این است که جاهای حسّاس و تهییج کننده و بلندی و پستی بدن زن را می پوشاند و مخفی می کند، غیر چادر اگر پوششی پیدا شد که همین خصوصیّت را داشت اشکالی ندارد، اگر چه با فرض پیدا شدن چنین لباسی، باز هم برای یک زن مسلمان شایسته است که از چادر استفاده کند.

4. اگر کنار گذاشتن چادر موجب جلب نظر نامحرمان شود جایز نیست.(2)

مرحوم آیت اللّه اراکی(ره):

چادر بهترین نوع پوشش و حجاب است.(3)

آیت اللّه خامنه ای:

1. چادر بهترین نوع حجاب و نشانه ملّی ماست.

2. بهترین حجاب پوشش چادر است، و چادر سیاه هم بی اشکال است و کراهت ندارد.(4)

1- 1. احکام ازدواج، ص194.
2- 2. مجمع المسائل، ج1، ص159؛ و مسأله91؛ أحکام علاقات الرجل مع المرأه، ص83و84.
3- 3. أحکام علاقات الرجل مع المرأه، ص83و84.
4- 4. أحکام علاقات الرجل مع المرأه، ص83و84؛ حجاب شناسی، ص162.

آیت اللّه بهجت:

چادر حجاب پسندیده است.(1)

آیت اللّه تبریزی:

1. زن باید بدن خود را در غیر وجه و کفّین، از نامحرم بپوشاند، و نیز باید زینت خود را بپوشاند، و با چادر بهتر می تواند بدن و زینت را بپوشاند و چادر سیاه هم، مثل عبای سیاه کراهت ندارد.

2. بهترین نوع پوشش واجب، همان چادر مشکی است که زنهای مؤمنه خود را با آن می پوشانند.(2)

آیت اللّه صافی:

1. چادر بهترین پوشش برای خانمها است، چون تمامی مفاتن بدن را می پوشاند، خانمهای مسلمان باید آداب و سنن اسلامی را در لباس پوشیدن مراعات کنند و از تجدّدگرایی مضرّ پرهیز کنند.

2. چادر و پوشش اسلامی داشتن، جهاد است.(3)

آیت اللّه سیستانی:

چادر حجاب بهتر است، و سزاوار نیست زنهای مؤمنه بدون چادر خارج شوند.(4)

آیت اللّه مکارم:

1- 1. حجاب شناسی، ص165.
2- 2. حجاب شناسی، ص163و165.
3- 3. حجاب شناسی، ص165؛ با جوانان، ص94.
4- 4. حجاب شناسی، ص165.

بی شکّ، چادر حجاب برتر است.(1)

آیت اللّه صانعی:

چادر بهترین وسیله پوشش برای بانوان است.(2)

آیت اللّه فاضل لنکرانی:

1. چادر مشکی بهترین نوع حجاب است، و پوشیدن لباسهایی که جلب توجّه کند حرام است.

2. سزاوار است خانمها از چادر استفاده کنند، چون چادر در کشور اسلامی ایران از مظاهر و شعائر اسلام می باشد.

3. به طور کلّی دختران و زنان نباید در مقابل مردان نامحرم، به نحوی لباس بپوشند و راه بروند و صحبت کنند که موجب توجّه و نگاه سوء و تهییج مردان شوند و اگر کردند گناه بزرگ است.(3)

(4)

1- 1. حجاب شناسی، ص165.
2- 2. مجمع المسائل، سؤال 351.
3- 3. حجاب شناسی، ص163و164.

فتاوا و استفتائات کلّی در خصوص کیفیّت حجاب زنان

امام خمینی(ره):

1. از لباسهایی که توجّه نامحرم را جلب میکند باید اجتناب شود.

2. بنابر احتیاط واجب، باید انسان از پوشیدن لباس شهرت که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می خواهد آن رابپوشد معمول نیست خودداری کند.

3.احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه نپوشد.

ص: 107

4. از پوشیدن هر گونه لباس مهیّج باید خود داری نماید.(1)

مرحوم آیت اللّه گلپایگانی(ره):

1. پوشیدن هر نوع لباسی که از نظر عرف تهییج کننده شهوات باشد و موجب جلب توجّه نامحرمان شود برای زن حرام است.

2. هر گونه لباسی که موجب فساد در جامعه گردد بر زن حرام است.

3. پوشیدن لباسهایی که معمولاً کفّار و دشمنان اسلام آنها را می پوشند برای مسلمان حرام است.

4. احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه نپوشد.(2)

مرحوم آیت اللّه اراکی(ره):

1. احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه نپوشد.

2. پوشیدن لباس شهرت که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می خواهد آن رابپوشد معمول نیست حرام است.

3. هر نوع لباسی که از لحاظ عرفی موجب تهییج شهوات مردان و جلب توجّه آنها باشد، حرام است.

1- 1. رجوع کنید به: احکام ازدواج، ص194؛ توضیح المسائل، مسأله 845و846؛ احکام بانوان، وحیدی.
2- 2. رجوع کنید به: توضیح المسائل، مسأله 854؛ أحکام علاقات المرأه مع الرجل، ص87و107و110.

4. پوشیدن لباسی که معمولاً کفّار از آنها استفاده می کنند و یا تولید می کنند حرام است.(1)

مرحوم آیت اللّه خویی(ره):

1. پوشیدن لباس شهرت که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می خواهد آن رابپوشد معمول نیست، مثل آنکه اهل علم لباس نظامی بپوشد، در صورتی که موجب هتک حرمت باشد حرام است.

2. اگر مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه بپوشد، در صورتی که زیّ خود قرار دهد بنا بر احتیاط حرام است.(2)

آیت اللّه خامنه ای:

1. زن باید از پوشیدن هر نوع لباسی که از جهت رنگ یا شکل، موجب جلب توجّه نامحرمان می شود اجتناب نماید.

2. پوشیدن چیزی که از جهت رنگ یا شکل و یا نحوه پوشیدن باعث جلب توجّه اجنبی شود و موجب فساد و ارتکاب حرام گردد جایز نیست.

3. بنابر احتیاط واجب، پوشیدن لباس شهرت برای زن و مرد از هر جهت که باشد حرام است.

4. پوشیدن هر نوع لباسی که عرفاً تحریک کننده باشد و موجب جلب توجّه جنس مخالف به نامحرم گردد، حرام است.(3)

1- 1. رجوع کنید به: توضیح المسائل، مسأله 854و840؛ أحکام علاقات المرأه مع الرجل، ص107و108و110.
2- 2. رجوع کنید به: توضیح المسائل، مسأله 853و854.
3- 3. رجوع کنید به: استفتائات، سؤال 1367؛ أحکام علاقات المرأه مع الرجل، ص87و100و107.

آیت اللّه بهجت:

1. پوشیدن لباس مخصوص زنان برای مرد، و همچنین پوشیدن لباس مخصوص مردان برای زن حرام است، اگرچه حرام بودن، تا موقعی که داخل در لباس شهرت نباشد مورد تأمّل است، و نیز تزیین هر یک از مرد و زن به زینت دیگری حرام است، و لباس شهرت عبارت از لباسی است که از جهت جنس یا رنگ یا نحوه برش و دوخت آن، خلاف شأن و زیّ پوشنده باشد.(1)

آیت اللّه تبریزی:

1. پوشیدن لباس شهرت که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می خواهد آن رابپوشد معمول نیست، مثل آنکه اهل علم لباس نظامی بپوشد، در صورتی که موجب هتک حرمت باشد حرام است.

2. برای مؤمن سزاوار نیست لباسی بپوشد که او را از زیّ مؤمنین خارج کند.(2)

آیت اللّه صافی:

1. پوشیدن لباس مخصوص به مردها بر زنها و لباس مخصوص به زنها بر مردها حرام است.

2. پوشیدن لباسی که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می خواهد آن رابپوشد معمول نیست و موجب توهین یا شهرت او

1- 1. توضیح المسائل، مسأله 711.
2- 2. توضیح المسائل، مسأله 853؛ حجاب شناسی، ص167.

می شود حرام است.(1)

آیت اللّه سیستانی:

تقریباً مطابق با نظرات مرحوم آیت اللّه خویی.(2)

آیت اللّه اردبیلی:

1. بنا بر احتیاط، پوشش زنها به شکلی باید باشد که برجستگیهای بدن آنان نیز نمایان نباشد.

2. پوشیدن لباس نازک و لباسی که در صورت تابش نور، بدن از زیر آن نمایان می شود، در جایی که نامحرم باشد اشکال دارد، همچنین پوشیدن لباس رنگین و چشمگیر، در صورتی که برای زن زینت حساب شود و نامحرم او را ببیند محلّ اشکال است.

3. استفاده زنها از کلاه کیسهای معمول مانعی ندارد، امّا از نامحرم باید پوشانده شود، زیرا کلاه کیس معمولاً برای زنها نوعی زینت حساب می شود و زینت زن باید از نامحرم پوشیده باشد.

4. پوشیدن لباس شهرت حرام است، و مقصود از آن لباسی است که عرفاً زننده است و از جهت زنندگی، انسان انگشت نما می شود.(3)

آیت اللّه مکارم:

پوشیدن لباسهای تنگ و چسبان و همچنین لباسهای زینتی اشکال دارد.(4)

1- 1. توضیح المسائل، مسأله 2916و853.
2- 2. توضیح المسائل، مسأله 853و854.
3- 3. توضیح المسائل، مسأله 3019و3020و 3026و3028.
4- 4. توضیح المسائل، مسأله 2090.

(3)

سؤالات تکمیلی و جانبی

سؤال (1): آیا پوشیدن لباسی که برای تزیین، قسمتهایی از آن توردوزی شده برای زنها جایز است؟

جواب مرحوم آیت اللّه گلپایگانی:

اگر زینت محسوب شود جایز نیست.(1)

سؤال (2): آیا ازدواج با زن مسلمان بی چادر حرام است، منظور اینکه در صورتی که این امر انجام شد مرد فعل حرام کرده است یا نه؟

جواب مرحوم آیت اللّه گلپایگانی:

با احتمال اینکه بواسطه ازدواج با او ممکن است او را ارشاد و از معصیت بازداشت مانعی ندارد.(2)

سؤال (3): آیا برای زنان پوشیدن مدلهای خارجی مینی ژوب و ماکسی ژوب و غیره، که اکنون در ایران معمول شده در زیر چادر می پوشند، و یا شلوارهای تقریباً مردانه که از زیر چادر بیرون می آید اشکال دارد یا نه؟

جواب مرحوم آیت اللّه گلپایگانی:

اطوار و کردار و رفتار زنان مسلمان که امروز به متابعت کفّار تماماً محرّک شهوات جوانان و موجب انحراف آنان از حیاء و حجاب و عصمت و عفّت است، و طرز لباس و زینت کردن که حتّی باعث تجاوز محارم به محارم می شود ضربه بزرگی است که دانسته یا

1- 1. مجمع المسائل، سؤال 438.
2- 2. مجمع المسائل، ج1، ص159.

ندانسته به اسلام وارد شده، فإنّا للّه و إنّا إلیه راجعون. در این زمان اگر کسی بتواند متعلّقین و منسوبین خود را به مواعظ و نصایح، وادار به حجاب و عصمت و عفّت و رفتار موافق با دستورات شرع و عمل به واجبات و مستحبّات و ترک محرّمات و مکروهات بنماید، فی الحقیقه، حکم جهاد فی سبیل اللّه است...(1)

سؤال (4): آیا پوشیدن لباسهای تنگ که حجم و برآمدگیهای بدن زن را مشخّص می کند، و یا لباسهای محرّک در عروسیها و غیره، چه حکمی دارند؟

جواب آیت اللّه خامنه ای:

اگر زن از نگاه مردان نامحرم بدور باشد و مفسده ای بر آن مترتّب نشود اشکالی ندارد و الّا جایز نیست.(2)

سؤال (5): در حال حاضر برای مقابله با تهاجمات فرهنگی دشمنان بر علیه مملکت اسلامی چه کاری بر زن واجب است؟

جواب آیت اللّه خامنه ای:

مهمترین واجبات زن حفظ حجاب اسلامی و دوری از لباسهایی است که تقلید از غرب محسوب می شود و دشمنان آنها را برای هجوم به فرهنگ می خواهند.(3)

سؤال (6): آیا دختران می توانند لباسی که رنگ آن مایل به آبی

1- 1. مجمع المسائل، ج2، ص660.
2- 2. استفتائات، ج1، ص34و285.
3- 3. استفتائات، ج1، ص34و303.

پررنگ است بپوشند؟

جواب آیت اللّه خامنه ای:

فی نفسه اشکال ندارد به شرطی که منجر به جلب توجّه دیگران وترتّب مفسده نشود.(1)

سؤال (7): آیا پوشیدن چیزی که مخصوص زنان است توسّط مردان و بر عکس در خانه بدون قصد تشبّه به جنس مخالف جایز است؟

جواب آیت اللّه خامنه ای:

تا زمانی که آن را به عنوان لباس برای خود انتخاب نکرده باشد، اشکال ندارد.(2)

سؤال (8): نظر جنابعالی در مورد پوشیدن لباسهایی که عکس یا علامت مربوط به کشورهای غربی روی آن نقش بسته است چیست؟

جواب آیت اللّه خامنه ای: استفاده از این گونه لباسها که ترویج فرهنگ غیر مسلمین مهاجم بر مسلمین است اشکال دارد.(3)

آیت اللّه تبریزی: برای مؤمن سزاوار نیست لباسی بپوشد که او را از زیّ مؤمنین خارج کند.

آیت اللّه صافی: مسلمین از این گونه لباسها استفاده نکنند.

آیت اللّه مکارم: هرگاه سبب ترویج فرهنگ بیگانگان گردد اشکال دارد.

1- 1. استفتائات، س1363.
2- 2. استفتائات، س1368.
3- 3. حجاب شناسی، ص166.

آیت اللّه فاضل لنکرانی: بهتر است از این نوع لباسها استفاده نکنند.(1)

سؤال (9): آرایش زنان در خیابانها و بیرون گذاشتن مقداری از موها و پوشیدن جوراب بدن نما و لباسهای محرّک چه صورتی دارد؟

آیت اللّه صافی: حرام است.

آیت اللّه مکارم: بدون شکّ جایز نیست.

آیت اللّه فاضل لنکرانی: حرام است.

آیت اللّه اردبیلی: اگر بدن نما باشد و نامحرم ببیند حرام است.(2)

سؤال (10): عدّه ای همراه با تبلیغات فرهنگی دشمن، در روزنامه ها و سخنرانی هایشان می گویند: چادر مشکی برای بانوان مکروه است، و باید پوشش جدید، مانند مانتو و کت و دامن با رنگهای متنوّع، جایگزین چادر مشکی شود، آیا چنین حرف و اقدامی صحیح است یا نه؟

جواب آیت اللّه خامنه ای: این صحبت صحیح نیست، و بهترین حجاب، پوشش چادر است و چادر سیاه هم بی اشکال است و کراهت ندارد.(3)

آیت اللّه بهجت: این اقدام باطل است، چادر حجاب پسندیده است.(4)

1- 1. چهار مورد اخیر: حجاب شناسی، ص167.
2- 2. سه مورد اخیر: استفتائات، س103.
3- 3. حجاب شناسی، ص162.
4- 4. حجاب شناسی، ص162.

آیت اللّه تبریزی: زن باید بدن خود را در غیر وجه و کفّین، از نامحرم بپوشاند، و نیز باید زینت خود را بپوشاند، و با چادر بهتر می تواند بدن و زینت را بپوشاند و چادر سیاه هم، مثل عبای سیاه کراهت ندارد.(1)

آیت اللّه صافی: نظریّه مذکور صحیح نیست و مفاسد بسیار دارد. متأسّفانه در این زمان عدّه ای اصرار بر آشکار شدن مفاتن زن و خروج او از ستر و عفاف، که حافظ شخصیّت و ارزش و متانت اوست دارند، و مع الأسف می خواهند این امر را اسلامی جلوه دهند، در حالیکه بر خلاف اسلام است.(2)

آیت اللّه سیستانی: چادر حجاب بهتر است، و سزاوار نیست زنهای مؤمنه بدون چادر خارج شوند.(3)

سؤال (11): پوشیدن لباسهای جذّاب و تحریک کننده، در عروسیهایی که نامحرم می بیند چه حکمی دارد؟

آیت اللّه اردبیلی:

استفاده و پوشیدن لباس مهیّج در منظر نامحرم حرام است، چه در عروس باشد و داماد، یا غیر عروس و داماد.(4)

1- 1. حجاب شناسی، ص162.
2- 2. حجاب شناسی، ص162.
3- 3. حجاب شناسی، ص165.
4- 4. استفتائات، س102.

اشاره

فصل پنجم

چند مورد از حکایات، کرامات، و داستانهای مربوط به چادر

ص: 121

طایفه ای از یهودیان با مشاهده نوری از چادر حضرت زهرا علیهاالسلام همگی مسلمان شدند

(1)

روزهای بسیار سختی برای حضرت علی علیه السلام بود، هیچ درهم و دیناری در دست نداشت، و از طرفی هم قُوت و آذوقه منزلش تمام شده بود.

حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام ، بانوی با وفای مولای موحّدان علی علیه السلام هیچ گاه کمبودی را در خانه به رخ همسر خود نمی کشید، تا مبادا شوهرش در شرمندگی به سر برد.

او یک امام معصوم بود، و می توانست با اشاره ای خاک همه عالم را یکجا به طلا تبدیل کند، بلکه معجزاتی بالاتر از این در زندگیش مشاهده شده بود، امّا معمولاً از این قدرت معنوی و اعجاز، برای آسایش خودش هرگز استفاده نمی کرد، و برای او قدمی از طریق رضایت حقّ بیرون نهادن محال بود.

فلذا او تصمیم گرفت مقداری جو، برای پخت نان فعلاً از کسی قرض بگیرد، و اینگونه بود که قضای مقدّر سرانجام، پای مبارکش را

به مغازه فردی یهودی، بنام «زید» کشاند.

زید با آنکه یهودی مذهب بود ولی کبوتر قلبش بخاطر آوازه ای که از خاندان آل طهارت علیهم السلام شنیده بود بگونه ای برای مولای متّقیان علیه السلام رام بود.

امّا در آن زمان رسم بود که اگر کسی چیزی از دیگری قرض می کرد در مقابل باید کالای ارزشمندی را در پیش او به گرو می گذاشت تا اگر قرض گیرنده، سر مهلت معیّن، ادا نکند، آن کالا جبران قرض کند، و اگر هم قرضش را می پرداخت کالا را پس می گرفت.

منزل حضرت از لحاظ وسائل و اثاثیّه، همچون زندگی امثال ما نبود که بتوان در آن حتّی یک کالای تجمّلاتی و غیرضروری پیدا کرد، هر چه حضرت در خانه داشت در پائین ترین سطح ممکن هر کدام جزء ضروری ترین وسیله زندگی او بودند، فلذا تنها آنچه وی برای رهن گذاشتن در نزد آن یهودی مناسب دید چادری بود از چادرهای همسر باوفایش حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام که چون از جنس پشم بود و مخصوص زمستان، حضرت فعلاً از آن استفاده نمی فرمود.

یهودی آن چادر را از حضرت بعنوان گرو پذیرفت، و در ازای آن مقداری جو به حضرت قرض داد.

شب که شد، زید آن چادر را با خود به منزل برد، و در یکی از اتاقهای منزلش در گوشه ای قرار داد، و آنگاه به همراه خانواده اش در اتاقی دیگر مشغول صرف غذا شدند. پس از لحظاتی همسر زید بخاطر کاری وارد همان اتاقی شد که چادر فاطمه علیهاالسلام در آنجا بود،

چون خواست در را بگشاید با کمال تعجّب نور عظیمی را دید که از داخل آن اتاق ساطع شده و سرتاسر آن را منوّر کرده است و از لابلای در اتاق بیرون می زند.

سراسیمه به طرف شوهرش دوید و ماجرا را برای او نقل کرد. زید، چون فراموش کرده بود که چادر چه کسی را در اتاق خود گذاشته است با شگفتی تمام به طرف آن اتاق دوید و با چشمان خود مشاهده کرد که چگونه شعاع چادر آن خورشید عصمت و طهارت فضای اتاق را سراسر منوّر کرده است.

سپس، آن دو شگفت زده به سمت خویشان و همسایگان یهودی خود دویدند و ماجرا را برای آنها شرح دادند. طولی نکشید که یهودیان زیادی از زن و مرد به منزل زید آمدند و این معجزه عظیم را از نزدیک مشاهده نمودند. و بالأخره، به برکت چادر آن حضرت، هشتاد و اندی از آن یهودیان در همان جا مسلمان شدند.(1)

حضرت عبّاس علیه السلام پلیسی را که در تبریز، چادر زنی را از سرش برداشت به هلاکت واصل نمود

(2)

حضرت عبّاس علیه السلام پلیسی را که در تبریز، چادر زنی را از سرش برداشت به هلاکت واصل نمود

آن روز بسیار مردّد بود که از خانه بیرون برود یا نه، از طرفی کار بسیار مهمّی هم برایش پیش آمده بود.

1- 1. اقتباس از: أمالی طوسی، ص702؛ الخرائج، ج3، ص982؛ بحارالانوار، ج43، ص30؛ ترجمه منتهی الآمال، ج1، ص206.

مأموران شاه، هر کجا زنی را می دیدند که با چادر و یا روسری بیرون آمده به زور از وی می گرفتند و در بسیاری از موارد او را مورد ضرب و شتم و تمسخر قرار می دادند.

امّا در نهایت، تصمیم خودش را گرفت؛ آری، از خانه بیرون می روم هر چه بادا باد، مگر مولایم فاطمه زهرا علیهاالسلام را به خاطر عمل به حقیقت، بین در و دیوار نگذاشتند؟ مگر پهلوی او را نشکستند؟ مگر جان ما با ارزش تر از جان اوست؟ اگر ما زنها خودمان مقاومت نکنیم پس چه کسی به اینها بفهماند که ما به چادر عشق و علاقه داریم؟

او حجابش را تکمیل نمود، مقنعه اش را بست، مانتواش را پوشید، چادر سیاهش را مثل همیشه سر نمود و با صورت گرفته از منزل بیرون آمد.

خیلی اضطراب داشت، و در حالیکه لرزه سراسر وجودش را احاطه کرده بود، از کوچه های فرعی عبور می کرد، و هر قدمی که به سمت کوچه اصلی نزدیک می شد ترس و لرزه اش شدیدتر می گشت.

به نزدیکی های پل سنگی معروف تبریز که رسید، ناگهان چشمانش به چهره تمسخرآمیز پلیسی افتاد که از آن طرف پل به همراه چند مأمور دیگر با غرور و پوزخند تمام جلو می آمدند، با دیدن این صحنه لرزش بدنش به اوج خود رسید، و رنگش زرد شد؛ خدایا آلان چه کنم؟ یعنی چه اتّفاقی قرار است بیفتد؟ ای خدا، ای کریم!...

رفته رفته قدمهایش سست تر می گشت، نه تاب جلو رفتن داشت و نه توان فرار، مدام اسامی خداوند متعال را با تپش قلب می شمرد و

توسّل می جست.

رئیس پلیس جلوتر آمد، و با نگاهی غرورآمیز به همراه پوزخند و شهوت، به روی او نگاه می کرد و کلماتی را از روی شرارت و خباثت بر زبان می آورد.

او با دیدن آن ملعون، صورتش را بیشتر از پیش پوشاند، و به همین خاطر هم خباثت آن ملعون اضافه شد و دست برد و چادر او را از سرش کشید.

فریاد همراه با گریه و استغاثه زن، در خیابانها پیچید و جماعت زیادی آنها را حلقه زدند.

آن ملعون چادر را در یک دست خود نگهداشته بود و با یک حالت خاصیّ به اسلحه خود چانه زده بود، و با تمسخر و پوزخند به آن زن نگاه می کرد.

زن برای حفظ نهایت حجاب و عفّتش خود را در مانتواش می پیچید. و مردم با خشم تمام، به این صحنه نگاه می کردند، ولی جرأت یاری هم نداشتند.

زن، آن خبیث را به فرد فرد امامان و مقدّسات، قسم می داد، ولی هیچ یک از اینها نه تنها ترحّمی در دل آن ملعون ایجاد نمی کرد، بلکه همه آنها را به باد تمسخر می گرفت.

ناگهان گویا الهامی به دل آن زن افتاد تا آن ملعون را به حضرت عبّاس علیه السلام برادر امام حسین علیه السلام سوگند داد...

آن بی حیا خباثت خود را به اوج خود رسانید و با کمال گستاخی

در جواب گفت:

حضرت عبّاس؟ به حضرت عبّاس بگو، اگر می تواند بیاید و چادرت را از من پس بگیرد؟

هنوز کلمات جسورانه آن بد فطرت تمام نشده بود که ناگهان به طرز مرموزی پای او به ماشه اسلحه اش برخورد کرد و تیری به زیر چانه اش خالی شد، و در همانجا به درک واصل شد.

صدای تکبیر مردم بلند شد، و آن زن چادرش را برداشت و به راه خود ادامه داد.(1)

(3)

پوشش سرتاسری در سیره حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام

عمران بن حصین الخزاعی، یکی از یاران خاصّ پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله چنین می گوید:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به من فرمود: ای عمران، تو در نزد ما جایگاه و منزلت ویژه ای داری، آیا دوست نداری فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله را ملاقات کنی؟ همانا دخترم فاطمه علیهاالسلام خیلی وقت است که تو را ندیده است، و همانا او از این مسأله شکایت می کرد.

عرض کردم: پدر و مادرم فدایت گردند ای رسول خدا، چرا دوست ندارم!

1- 1. اقتباس از: چهره درخشان، ج1، ص595؛ آثار و برکات امام حسین، ص106 - به نقل از آقای حاج شیخ محمّد وحدت، از وعّاظ مشهور آذربایجانی.

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از جای خود برخاست و به سمت خانه فاطمه علیهاالسلام به راه افتاد، و من هم به دنبال او به راه افتادم تا اینکه به در خانه حضرت زهرا علیهاالسلام رسیدیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در را کوبید، و صدا زد:

سلام بر تو ای فاطمه، آیا اجازه هست داخل شویم؟

حضرت فاطمه علیهاالسلام جواب داد: آری، فدایت شوم ای رسول خدا، بفرمائید!

فرمود: آنکه همراه من است هم می تواند داخل شود؟

جواب داد: چه کسی همراه توست ای رسول خدا، قسم به آنکه تو را به پیغمبری مبعوث کرد من چادری در دسترس ندارم!

رسول خدا صلی الله علیه و آله ملافه ای را برداشته و به او داد، و به او گفت که چگونه از آن مثل یک چادر استفاده کند و خود را با آن بپوشاند، و فاطمه هم همان کار را کرد.

آنگاه به ما اجازه ورود داد، و هر دوی ما وارد منزل حضرت فاطمه علیهاالسلام شدیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهی به چهره دخترش نموده و فرمودند: سلام بر تو ای دخترم، حالت چطور است؟ چرا رنگت این چنین زرد شده است؟

جواب دادند: علیک السلام ای پدر، به خدا گرسنگی بر من غلبه کرده است و چیزی برای خوردن نداریم.

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با شنیدن این سخن گریه نموده و خطاب به

وی فرمود: غصّه مخور ای دخترم، به خدا، من هم سه روز است که چیزی نخورده ام، در حالیکه در نزد خدا از تو گرامی تر هستم، و اگر دست به دعا بردارم خدا طعام مرا خودش تهیّه خواهد فرمود، ولی خودم آخرت را بر دنیا ترجیح می دهم، امّا در عوض ای دخترم، مژده باد تو را که تو سرور همه زنان اهل بهشت هستی!

عرض کرد: ای پدر، پس آسیه بنت مزاحم دختر فرعون، و مریم دختر عمران چطور، مگر آنها سرور زنان بهشتی نیستند؟!

فرمود: دخترم، همانا آسیه تنها سرور زنان عصر خودش بود، و مریم و خدیجه هم همینطور، ولی تو سرور همه زنان بهشت هستی، در بهشت در قصرها جای خواهی داشت و دیگر آنجا نه اذیّتی است و نه زحمتی.

سپس فرمود: دخترم، به همین وضع پسرعمویت علی علیه السلام قانع باش، به خدا قسم، شوهر تو علی، پس از من سرور همه انسانهای عالم در دنیا و آخرت است.(1)

پلیسی که در زمان رضاشاه با اهانت به چادر، به ذلّت و گرفتاری دچار شد

(4)

پلیسی که در زمان رضاشاه با اهانت به چادر، به ذلّت و گرفتاری دچار شد

زمانی که فرمان کشف حجاب در دوران رضا شاه ملعون، به همه شهرها و روستاها اعلام شد، مأمورین دولتی هر کجا زنی را با چادر و روسری می دیدند چادر و یا روسری اش را می گرفتند.

1- 1. اقتباس از، العدد القویّه، ص225؛ کشف الیقین، ص456، بحارالانوار، ج37، ص68.

نقل می کنند: در شهرستان خوی، زن پیری جرأت نمود و از خانه خودش با چادر بیرون آمد.

در انتهای کوچه پلیسی ایستاده بود، وقتی پیره زن را دید که با چادر می آید، صبر نمود تا نزدیک شود.

چون پیره زن به انتهای کوچه فرعی رسید، آن پلیس با نهایت گستاخی جلو آمد و چادر و چارقد آن زن را از سرش کشید و راه افتاد.

زن پیر هر چه التماس کرد فایده ای نبخشید، سپس در حالی که یک دستش را بر سرش گذاشته بود دست دیگرش را به طرف خدا گرفت و چنین نفرین نمود:

الهی که به گلوله ناغافل دچار شوی، تا به حال فرزندان خودم هم مرا با سر باز ندیده بودند، تو سرا مرا در وسط خیابان باز کردی... !

در این نقل آمده است: آن پلیس را همه مردم در شهر خوی می شناختند که به قساوت و خباثت مشهور بود.

طولی نکشید که بر اثر یک سری اختلافات و نزاعات در شهربانی، او را از شهربانی اخراج کردند، در حالی که یک گلوله هم، به پایش زده بودند، و پایش می لنگید.

پس از مدّتی، آنچنان اوضاع و احوال آن پلیس رو به عقب رفت که به شغل پینه دوزی روی آورد، و با گرفتاری و ذلّت تمام در شهر راه می افتاد و پینه دوزی می کرد.(1)

1- 1. کرامات و حکایات پندآموز، حسن بصیری، ص369.

(6)

هلاکت پلیسی دیگر، در اثر گستاخی به زنان با چادر در حرم حضرت معصومه علیهاالسلام

در کتاب «حضرت معصومه علیهاالسلام چشمه جوشان کوثر» چنین می خوانیم:

در عصر سلطنت رضاخان در سالهای 1314 ش به بعد، ماجرای پلید کشف حجاب رخ داد، به طوری که کشف حجاب اجباری شده بود، مأموران دژخیم او چادرها و روسریها را از سر بانوان می کشیدند و آنها را کتک می زدند.

روزی مرحوم آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی در حرم حضرت معصومه علیهاالسلام بود، ناگاه دید رئیس شهربانی قم که مردی بد زبان و گستاخ بود، وارد حرم شد و با خشونت به بانوان حمله کرد، و می خواست چادرها را از سر آنها بگیرد.

در این هنگام آه و ناله بانوان بلند شد.

آیت اللّه مرعشی نزد او رفت تا از باب نهی از منکر از او جلوگیری کند، ولی گستاخی او ادامه یافت، آنگاه، آیت اللّه ناراحت شد و سیلی محکمی به صورت او زد.

رئیس شهربانی از این سیلی، سخت یکّه خورد و ایشان را تهدید به قتل کرد...

ماجرا آن روز به پایان رسید، روز بعد رئیس شهربانی در بازار قم از زیر ساختمانی عبور می کرد، از قضا دست غیبی به حرکت درآمد، و

ناگهان آن ساختمان بر سر او فرو ریخت و او همان دم به هلاکت رسید. (1)

دختر دیوانه، پس از شفا یافتن در حرم حضرت عبّاس علیه السلام ، اوّل چیزی که خواست چادرش بود

(7)

دختر دیوانه، پس از شفا یافتن در حرم حضرت عبّاس علیه السلام ، اوّل چیزی که خواست چادرش بود

این قضیّه در برخی از کتابها از زبان حضرت آیه الله حاج سیّد علی شاهرودی بیان شده است، ایشان می گوید:

یکی از کراماتی که این جانب حاج سیّد علی شاهرودی به چشم خودم شاهد آن بوده ام، یکی دو هفته قبل از خروجمان از عراق رخ داد. تقریبا هر هفته، شبهای جمعه من و همسرم دو نفری برای زیارت حضرت سیّد الشهداء علیه السلام به کربلا می رفتیم.

ایّامی بود که جوانها را می گرفتند و لذا ما تنها می رفتیم. بعد از پیاده شدن از اتوبوس نیز احتیاطا کرایه برگشتن را به همسرم می پرداختم که احیانا اگر مرا گرفتند، او خودش به ایستگاه واقع در فلکه حضرت ابوالفضل علیه السلام برود و سوار ماشین شود و عازم نجف اشرف گردد، چون برای ایرانی ها به هیچ وجه امنیّتی وجود نداشت.

در همین ایّام، یک شب جمعه، در حرم حضرت ابوالفضل العبّاس علیه السلام مشغول دعا و زیارت بودیم که ناگهان دیدیم حرم شلوغ شد!

1- 1. حضرت معصومه علیهاالسلام چشمه جوشان کوثر، آیت اللّه محمّدی اشتهاردی، ص128.

دختری را آورده بودند که تقریبا هیجده یا نوزده ساله بود. پدر و مادر و عموها و داییها و عمّه ها و خاله ها، همه دور او را گرفته و به حرم مطهّر حضرت ابوالفضل العبّاس علیه السلام آورده بودند و دخیل بسته بودند و شفایش را از آقا می خواستند.

به طوری حرم شلوغ و پر سر و صدا شد که همه از زیارت کردن باز ماندند و دست به دامن حضرت شدند تا شفای دختر را از ایشان بگیرند، چون او سخت دیوانه می نمود و حالش بسیار رقّت انگیز بود.

حقیر نیز دست از دعا کشیده و عرض کردم: آقا جان، یا اباالفضل علیه السلام ، مدّتی است که از شما کرامتی ندیده ایم. امشب عوض زیارت، این دختر را شفا بده تا ما ببینیم و بفهمیم و برایمان آشکار باشد.

ناگهان همراهان وی، صلوات فرستادند و هلهله کردند و دختر ساکت شد. مادر دختر آمد و نگاهی به چشمهای او انداخت و گفت: هنوز خوب نشده است! رسم بود که خدّام شال سبزی به گردن مریض می انداختند و آن را به عنوان دخیل به ضریح مقدّس می بستند. چون مادر گفت: نه، هنوز خوب نشده! همه ما دو مرتبه به آقا ابوالفضل علیه السلام متوسّل شدیم. چندی نگذشت که مجدّدا هلهله مردم بلند شد. باز مادر آمد، تأمّلی کرد و گفت: نه، هنوز خوب نشده است!

سپس برای سوّمین باز هلهله بلند شد و این دفعه که مادر آمد، گفت: آری به خدا این مرتبه درست است! این وقت بود که دخترک

صدا زد: پوشیه ام کو؟ عبایم(چادرم) کو؟ اینجا کجاست؟ «العبّاس شافانی»! یعنی حضرت عبّاس علیه السلام مرا شفا داد!...(1)

حضرت زهرا علیهاالسلام سفره ای را که یک زن بی حجاب، به نیّت حضرت رقیّه علیهاالسلام پهن نموده بود قبول نفرمود

(7)

حضرت زهرا علیهاالسلام سفره ای را که یک زن بی حجاب، به نیّت حضرت رقیّه علیهاالسلام پهن نموده بود قبول نفرمود

اینجانب، نویسنده حقیر، در محرّم سال 1381 طبق معمول، جهت ادای وظیفه تبلیغی خود به شهرستان جلفا از توابع تبریز حرکت نمودم، و در برخی از مساجد و منابر و روضه جات شهری و روستایی، به بیان احکام و معارف اسلامی مشغول بودم.

در دهه آخر ماه صفر، از یکی از روستاهای اطراف بنام «لیوارجان» به مدّت ده روز به یک روضه خانگی که ساعت 4 عصر تشکیل می شد دعوت شدم.

طبق ضرورتی که ما در این کتاب هم بدان مفصّل پرداخته ایم، حقیر معمولاً سعی بر آن دارم که در هر جلسه و یا منبری، مخصوصا در مجالس زنانه، حتما به بیان بخشی از مسائل حجاب و عفّت از لسان قرآن و اخبار و فتاوای مراجع عظام بپردازم.

در این جلسه هم طبق همیشه، پس از بیان اجمالی از اهمیّت دستگاه امام حسین علیه السلام و وقایع مربوط به آن، پس از گذشت چند جلسه، به بیان مسأله حجاب و عفّت زنان و احکام آن، به صورت

1- 1. آثار و برکات امام حسین علیه السلام ، ص470، به نقل از کتاب چهره درخشان، ج1، ص455.

مفصّل پرداختم.

در یکی از جلسات که قبل از آن، در یک جلسه خانگی دیگری در شهر، شاهد بی حجابی فجیعی بودم، اندکی از کوره در رفتم و با لحنی تند مسائل مربوطه را ادامه می دادم.

در این جلسه که مستمعین زیادی هم حاضر بودند، پذیرش بسیار خوبی از این مسائل در فضای مجلس محسوس بود.

ناگهان، در لابلای عرایض بنده، زنی صدایش را بلند نمود و خطاب به حقیر گفت:

حاج آقا، معذرت می خواهم که کلامتان را قطع می کنم، نتوانستم جلوی خودم را بگیرم، به خدا ما این حرفها را از غیر شما نمی شنویم، و به تدریج برایمان باور می شود که این حرفها دیگر کهنه هستند و به درد امروز نمی خورند، ولی اجازه بدهید من این ماجرا را بگویم تا همه بدانند که همه حرفهای شما درست است!

آنگاه شروع کرد به نقل این ماجرا:

حاج آقا، دختر من چند سالی است که ازدواج نموده است، با توجّه به اینکه خود ما در منزلمان همیشه با روضه و سفره و قرآن و نماز و حجاب مأنوس بوده ایم، او هم در سالهای اوّل زندگیش طبق نذری که کرده بود هر ساله روضه و سفره حضرت رقیّه علیهاالسلام در منزلش بر پا می نمود.

دو سه سالی از ازدواج دخترم نگذشته بود که وضعیّت مالی آنها، یک دفعه از این رو به آن رو شد، و بسیار ثروتمند شدند، گذشته از

مسائل دیگر، ایشان دیگر چادر خود را کنار گذاشت و با مانتو و روسری در جامعه ظاهر می شد و به تدریج به مسائل حجاب و عفّت کلّاً بی اعتنا می گشت و من از این مسأله بسیار رنج می بردم.

امسال که طبق معمول، سفره حضرت رقیّه علیهاالسلام را در منزلش پهن نمود، شب همان روز من حضرت زهرا علیهاالسلام را با چادر و نقاب نورانی در خواب دیدم، به من فرمود: به دخترت بگو ما سفره کسی را که حجاب و عفّتش را کنار بگذارد از او نمی پذیریم. وقتی ماجرا را برای دخترم گفتم، گریه نمود و تحت تأثیر قرار گرفت.

گفت و گو با یک خانم کره ای تازه مسلمان که از چادر استفاده می کند

(8)

گفت و گو با یک خانم کره ای تازه مسلمان که از چادر استفاده می کند

یکی از اعجازهای مهمّی که از این حجاب کامل، یعنی چادر در طول تاریخ مشاهده شده است این است که زنان زیادی حتّی از کشورهای غربی و اروپایی، که حتّی گاها هیچ دینی را هم نپذیرفته اند به این حجاب روی آورده اند.

متأسّفانه، ما در ظرفیّت این کتاب ندیدیم که مطالعه ای دقیق در این خصوص داشته باشیم و به موارد زیادی از این رویکرد بپردازیم، ولی به جهت حسن خاتمه ترجیح دادیم تنها به یکی از تازه ترین موارد در این خصوص، که در مجلّه «پیام زن» منعکس شده بود اشاره کنیم:

اسم این خانم کره ای که تازه مسلمان شده است و هم اکنون در

ایران به سر می برد «ماریا ویرجینیاوی» است.

از این بانوی مسلمان سؤال شده است: شما از چه زمانی به ایران آمدید و پس از ورودتان چه نوع حجابی را انتخاب کردید؟

در جواب گفته است: من در سال 1358، یعنی پس از انقلاب، که شوهرم برای تعطیلات به ایران آمده بود با او آمدم. او ایران را برای من توضیح داده بود.

من تا سال 1359 با مانتو و روسری بودم، امّا بعدا دیدم که چادر کاملترین حجاب است، و از سال 59 به بعد چادر را انتخاب کردم. من باطن این حجاب را درک کردم و بعد آن را انتخاب کردم.(1)

1- 1. مجلّه پیام زن، سال7، ش11، ص40.

فصل ششم

اشاره

فصل ششم

ص: 139

(1) دفع برخی از شبهاتِ مربوط به حجاب زنان و مخصوصاً چادر

(2) چند توصیه و پیشنهاد به ...

ص: 140

(1)

«شبهه اوّل»

برخی ها می گویند: تقیّد زیاد به امر حجاب، و پوشیدن چادر، موجب

ص: 141

انزوای زن در اجتماع و هدر رفتن انرژی و استعدادهای درونی او می شود و در کلّ، با ترقّی و پیشرفت جامعه منافات دارد...

جواب شبهه اوّل:

اوّلاً: زن در شریعت مقدسه اسلام، سه وظیفه مهمّ و بسیار خطیر در اندرون خانه دارد که شاید موفّقیت در این سه وظیفه مهمّ، چندین برابر فکر و نیروی یک مرد را لازم داشته باشد، و این سه وظیفه خطیر عبارتند از:

1. خانه داری و تدبیر امور داخل منزل، که موفّقیت در آن، موجب تسکین اندیشه شوهرش شده و نهایتا در کارهای اجتماعی او هم اثر می گذارد.

2. شوهرداری و ارضای نیازهای عاطفی و جنسی همسرش، که علاوه بر تأثیر مثبت در وظیفه اجتماعی شوهرش، موجب کاهش زمینه های فساد و ناهنجاری در جامعه هم خواهد شد.

3. بچّه داری و تربیت نسلی سالم، متدّین، منظّم، مسئولیت پذیر، وظیفه شناس و با تدبیر، که آینده فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع را رقم خواهند زد.

پس این چنین نیست که زنی اگر غیر از این سه وظیفه مهم، که در روایات اسلامی از آنان به «جهاد زن» تعبیر شده، شغلی بیرون از خانه نداشته باشد بیکار تلقّی شود و یا انرژی اش در خانه هدر رود.

و اصولاً یک زن مسلمان آن چنانکه از آیات و روایات فهمیده می شود تنها در صورت حصول برخی از شرایط بسیار مهمّ، می تواند

در بیرون از خانه مشغول کار شود و آن شرایط عبارتند از:

1. نوعی ضرورت و یا فایده عقلانی نسبت به حضور وی در شغلهای اجتماعی وجود داشته باشد.

2. انتخاب شغل در خارج از منزل، مانع از موفّقیت وی در سه وظیفه اصلی او یعنی: شوهرداری، خانه داری، و بچّه داری نگردد.

3. محیط جامعه و محیط اشتغال، برای حضور یک زن مسلمان، باید کاملاً مطمئن، مطلوب و قابل اعتماد باشد.

4. تمامی مرزها و محدودیّت های شرعی، اعمّ از حجاب و عفّت را مراعات کند.

ثانیا: برخی از اندیشمندان مسلمان، مخصوصا برخی از اقتصاددانان داخلی و خارجی که با چشمان بسته از این شبهه حمایت می کنند، شاید خود بهتر بدانند که امروزه حتّی اندیشمندان و اقتصادانان غربی هم خود به این نتیجه رسیده اند که تنها آن سیاستی می تواند در فرایند رشد و توسعه یک جامعه کاراتر و موفّقتر از همه باشد که بتواند همه ابعاد یک اجتماع اعمّ از فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، و غیره را مدّ نظر داشته باشد. و اگر احیانا سیاستی اتّخاذ شد که تنها به بعد اقتصادی جوامع، صرف نظر از سایر ابعاد التفات داشت، چنین سیاستی نه تنها به نفع جامعه نخواهد بود، بلکه در بلند مدّت حتّی بعد اقتصادی توسعه را هم دچار مشکل خواهد کرد، و این همان ناهمگونی موجود در جهان غرب و اروپاست که امروزه خود آنان را نیز مضطرب ساخته است، بگونه ای که گاهی خودشان

هم بدین مسأله اعتراف می کنند، و معتقدند که باید برای رهایی از این وضعیّت ناهمگون، توجّه جامعه را به سوی یک حقیقتی معنوی و دادگاهی درونی سوق دهند و...

یعنی اشتغال زنان در جامعه، بدون هماهنگی با ارزش های اسلامی و سنّت های دینی، اگرچه ممکن است در کوتاه مدّت تأثیر مثبتی در رشد تولیدات و سایر متغیّرهای اقتصادی داشته باشد، ولیکن اندک زمانی نخواهد گذشت که به ضرر همان اقتصاد جامعه هم خواهد انجامید، آنگاه که تبعاتی همچون: فساد فرهنگی، سستی کانونهای خانواده، ضعف عاطفه ها در فرزندان، و غیره و غیره نمود بیشتری در جوامع پیدا کنند، و در نهایت انگیزه و اراده کار و فعالیّت را بالکلّ از مردم جامعه و علی الخصوص از نیروهای جوان آن بستاند و...

و ثالثا: بسیاری از زنان مسلمان و محجّبه، مخصوصا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در عمل نشان داده اند که این نوع از حجاب، هیچ گونه منافاتی با طیّ مراحل رشد و ترقّی و تحصیل و غیره ندارد، بلکه حتّی نوعی امنیّت هم برای آنها در مراکز تحصیلی و یا اشتغال ایجاد می کند، به شرطی که آن شرایط مذکور در محیط اشتغال زن موجود باشد و خود آن شغل هم متناسب با شرایط روحی و جسمی زن باشد.

«شبهه دوّم»

«شبهه دوّم»

ص: 144

عدّه ای می گویند: تجربه نشان داده است، طبیعت بشر بگونه ای است که اگر چیزی را از او کتمان کنی و بپوشانی، حرص و علاقه اش نسبت به آن چیز شدیدتر می شود، و امّا اگر کاملاً آن را در اختیار انسان بگذاری، علاقه اش نسبت به آن کم می گردد و کمتر به دنبال آن می رود، پس در جامعه هم، اگر زنان آن جامعه، بدون هیچ قید و محدودیّتی ظاهر گردند، کمتر کسی به آنها نگاه می کند و یا مزاحمشان می شود و...

طرح کنندگان این شبهه معمولاً کشورهای غربی را بعنوان شاهد مثال ذکر کرده، می گویند: با وجود نهایت بی حجابی و عریان مسلکی در این کشورها، مردانشان کمتر از انسانهای متدیّن و مسلمان به زنان نامحرم نگاه کرده و یا چشم چرانی می کنند و...!

جواب شبهه دوّم:

اوّلاً: حقیر می گویم چرا این فکر مبارک، به ذهن خداوند علیم و حکیم خطور نکرد تا از همان ابتدای خلقت، حضرت آدم علیه السلام را از آن درخت مخصوص نهی نکند و بالأخره حضرت آدم هم نسبت به آن آنقدر حریصتر نگردد و کار دست خودش ندهد! و یا اصلاً خداوند متعال برخی چیزها را حرام نمی کرد تا حرص من و شما نسبت به آن امور فزونتر نگشته و بیشتر از سابق به دنبال آنها نرویم!

بلکه حقیقت این است که خداوند متعال این منهیّات را گذاشت تا بر اساس سنّت «ابتلای» خویش، من و شما را مورد آزمایش قرار دهد و به خودمان بفهماند که کدامیک از ماها با نهایت حرص و علاقه مان، از آن منهیّات و یا حرامها اعراض می کنیم و کدامیک نه! پس اینکه در

شرع مقدّس نیز، از یک طرف دستور به حجاب و عفّت زنان و از طرف دیگر نهی مردان از نگاه و چشم چرانی و شهوترانی صادر شده، علاقه و حرص مردان را به آنها قویتر می کند، حکمت دارد، و نوعی از ابتلائات الهی است که فلسفه آفرینش نیز خود بر این سنّت الهی پایه ریزی شده است.

ثانیا: این قاعده ای که شما در اثر تجربه به آن رسیده اید درست است، و ما هم قبول داریم، و لیکن به نظر ما اندکی ناقص است.

ما هم قبول داریم، انسان بگونه ای خلق شده که تا چیزی در دسترس او نباشد، حرص زیادی نسبت به آن می ورزد، و امّا وقتی که به آن رسید از حرصش کاسته می گردد و...، امّا این بدین معنا نیست که چون دسترسی به آن پیدا کرد دیگر به درجه اشباع می رسد و بکلّی از آن سیر می شود، خیر، بلکه دوباره به یک پلّه بالاتر از آن حریصتر می گردد، و این سلسله مراتب همچنان ادامه دارد تا عزرائیل درِ خانه اش را بزند؛ مگر اینکه انسان کلّاً با همان ریشه، که «حرص» است در وجود خودش مبارزه کند.

یعنی اکنون حریص است به اینکه قسمتی از بدن نامحرمی را ببیند، ولیکن چون این محدودیّت برداشته شد، این چنین نیست که دیگر شهوتش و حرصش بکلّی تعطیل گردد، بلکه پس از آن نیز حریص تر می گردد به اینکه با آن زن _ معاذ اللّه _ هم بستر شود، و پس از آن نیز دوست دارد با زنی دیگر، و این تنوّع طلبی در انسان، همچنان ادامه خواهد داشت و به تعبیر یکی از حکما، اگر انسان با

تمامی زنان دنیا هم بستر شود مگر با یک تن از آنها، که زشت ترین آنها هم است، باز هم نفسش حریص است به اینکه با او نیز چنین بکند، مگر اینکه انسان با ریشه «حرص» در وجود خودش بجنگد و آن را ریشه کن کند.

و در واقع بسیاری از نویسندگان داخلی هم که از این شبهه حمایت می کنند نمی دانند که در کشورهای غربی که من و شما به ظاهر، آثار کمی از چشم چرانی در آنها می بینیم، دیگر نیازی به چشم چرانی ندارند، چرا که راحت می توانند زنا بکنند، و کسی که روزی چندین بار با زنان متفاوت می تواند عمل زنا را انجام دهد دیگر چه نیازی به چشم چرانی دارد؟! و در نهایت سؤال من این است: شما که اینقدر غرب و غربیان را به رخ ما می کشید، و معتقدید که مردان غربی با این که دین و ایمانی ندارند کمتر از مسلمانان چشم چرانی می کنند، آیا تا بحال آمار فساد و زنا و غیره را نیز در این کشورها مطالعه کرده اید؟ و آیا می دانید که طبق اعتراف خودشان، 50 درصد بانوان آنها معمولاً بدون ازدواج در این کشورها حامله می شوند؟ و یا 10 درصد دخترانشان قبل از ازدواج در خانه، توسّط پدر و یا سایر محارم خودشان حامله می گردند؟ و آیا می دانید که امروزه دانشمندان این کشورها، خود معتقدند که باید هر چه سریعتر به راهکارهایی مناسب برای دفع فساد و قتل و ناهنجاری در این کشورها دست یافت؟!

«شبهه سوّم»

«شبهه سوّم»

همانگونه که در فصل اوّل از همین کتاب هم اشاره شد، برخی از شاعران گمراه و یا احیانا معاند، برای کوبیدن مسأله حجاب ظاهری، در لابلای اشعارشان، از مسأله دیگری به نام عفّت دفاع نموده اند، و بگونه ای مطلب را منعکس کرده اند که آنچه برای یک زن مسلمان واجب است تنها عفاف است نه حجاب ظاهری؟ و برخی از آنها احیانا به این نکته هم پرداخته اند که: یک زن اگر عفیف باشد در هر لباسی که باشد دنبال فساد نخواهد رفت، ولی اگر زن عفیف نباشد حتّی اگر با چادر باشد دست به فساد خواهد زد و...؟ !

جواب شبهه سوّم:

این سخن تقریبا شبیه به حرف برخی از عوام الناس است که سعی می کنند ترک واجبات دینی خود مثل نماز و روزه و غیره را بگونه ای توجیه کنند، و مثلاً می گویند: «ای بابا، نماز ظاهر است، دل آدم صاف باشد، مهمّ دل است، چه بسا انسانهایی که نماز نمی خوانند ولی رفتار و کردارشان بهتر از نماز خوانهاست و...» !

ولی قطعاً این استدلال باطل است، چرا که درست است، درصد کمی از نمازخوانها رفتار و کردار خودشان را اصلاح نکرده اند، ولی همه که اینگونه نیستند چه بسیار نمازخوانهایی که از لحاظ رفتار و کردار از عالیترین انسانها هستند.

و از طرفی دیگر، شریعت مقدسه اسلام، هم به ظاهر این اعمال و هم به باطن، اهمیّت جداگانه ای قائل شده است، و یک انسان کامل، موظّف است هم ظواهر دینی را رعایت کند و هم دل و رفتار و

کردارش را اصلاح کند؛ و همان گونه که به قول شما کسی نمی تواند با زیاد نمازخواندن و یا زیاد مسجد رفتن، سایر اعمال نامناسب خودش را توجیه کند، کسی هم نمی تواند با اصلاح اعمال و رفتار خویش، نماز و ظواهر دینی خودش را ترک کند، و اصلاً اگر کسی دلش آن گونه که باید پاک و صاف باشد، خود به خود در رعایت مسائل دینی و ظواهرش هم محتاط خواهد بود و...

خلاصه کلام این که دو مسأله حجاب و عفّت هم همین طور هستند، و اسلام هر دوی آنها را برای یک زن مسلمان واجب نموده است، و زن مسلمان موظّف است هم پوشش ظاهری خودش را تکمیل کند و هم آن معیارهای عفّت را که مربوط به قلب و اعضا و جوارح اوست مراعات نماید. و این دو وظیفه، از هم جدا هستند، و ترک هر کدام از آنها، کیفر مخصوص به خود را خواهد داشت.

و به نظر ما، اصلاً اگر کسی واقعا از لحاظ قلبی عفیف باشد و با اسلام و مسائل اسلامی هم در این خصوص آشنا باشد، خود به خود به حجاب اسلامی هم رو خواهد آورد، و اگر کسی ادّعا می کند که دلم پاک است و عفیف هستم، ولی بی حجاب است، باید در ادّعای او شکّ نمود، مگر آنکه اصلاً این احکام و اوامر اسلامی به گوش او نخورده باشد.

(شبهه چهارم)

(شبهه چهارم)

برخی ادّعا نموده اند: چادر سیاه، برای زنان، بیماریهای استخوانی

می آورد، و یا آنها را افسرده می سازد؟

جواب شبهه چهارم:

اوّلاً: گویندگان این شبهه، تقریبا هیچ گونه مدرک علمی و قابل دفاع برای ادّعای خودشان بیان نکرده اند، و در این گونه از امور، تا مدرک علمی قابل توجّهی ارائه نشود، ادّعا باطل پنداشته خواهد شد.

ثانیا: برعکس، امروزه برخی از کارشناسان معروف، خطّ بطلانی بر روی این ادّعاها کشیده اند، و گفته اند که استفاده از چادر و مقنعه اصلاً بیماری استخوانی برای زنان ایجاد نمی کند.

دکتر طباطبایی از جمله کسانی است که در روزنامه ایران، شماره 28 شهریور ماه 1379، این ادّعا را ردّ نموده است.

و یا در خصوص مسأله افسردگی دکتر برهانی، متخصّص اعصاب و روان، در هفته نامه 19 دی، ش 155/28/5/81 چنین آورده است:

«این حرف که پوشش تیره بانوان یا آقایان در جامعه، دلیل افسردگی است، کلّاً سخن غلطی است و هیچ پایه علمی ندارد».

ثالثا: به اعتقاد صاحب نظران، آفات و خطرات روحی و روانی ناشی از خود بی حجابی زنان و شکستن حریمها _ چه در روحیّه زنان و چه مردان جامعه، و مخصوصا جوانان آن جامعه _ امری قطعی بوده، بسیار فراتر از این احتمالات است.

(شبهه پنجم)

برخی گفته اند: پوشیدن چادر و مخصوصا روگرفتن با آن، نوعی حیله از طرف زنان است تا عیوب خودشان را در زیر آن بپوشانند، و مردان را فریب دهند، جوان از دور دختری را می بیند، چون در زیر چادر است عیوب او را نمی بیند و با او ازدواج می کند، ولی سپس در منزل عیبهای او را می بیند، و طبیعتاً دل سرد می شود، و آنگاه هزاران مشکل دیگر درست می شود.

جواب شبهه پنجم:

قسمت اعظم این شبهه، تقریبا طعنه ای است که به دختران با حجاب زده می شود، و با جا انداختن این مطلب، سعی می شود همه زنان و دختران با حجاب بگونه ای در جامعه در زیر نگاههای مشکوک و یا در معرض تهمت اطرافیان واقع شوند، تا بالأخره کلّاً از حجاب و عفّت خود دست بکشند.

امّا در جواب می گوئیم:

اوّلاً: این شبهه شما، تنها می تواند شامل صورت زن و زیبایی و عدم زیبایی آن باشد، چرا که سایر عیوب احتمالی را هر لباس دیگری هم که باشد خواهد پوشاند، مگر آنکه زنان و دختران در جامعه کاملاً لخت بگردند!

ثانیا: در کشورهایی که زنان در آنها از چادر استفاده می کنند، این پوشش تنها اختصاص به زنان معیوب ندارد، بلکه همه اقشار جامعه از این پوشش استفاده می کنند، خصوصا که بسیار دیده شده است در

این کشورها، حتّی اغلب دخترانی که قبل از ازدواج بی حجاب بوده اند پس از ازدواج هم، به حجاب و چادر روی آورده اند؛ در حالی که پس از ازدواج دیگر نیازی به حیله نیست، پس فهمیده می شود که چادر ریشه در اعتقادات و ارزشهای این جوامع دارد، و ناشی از جنبه های موهومی که به ذهن شما حیله گران غربی و اروپایی می رسد نیست.

ثالثا: در این کشورها، اینگونه نیست که دختر و پسر، تنها در خیابان با یک بار دیدن با هم ازدواج کنند؛ اوّلاً آنها پس از تمایل به ازدواج با همدیگر، از برکت مراسم رسمی ازدواج، که در اسلام و علی الخصوص در عرف ایران رایج است، زمان لازم را برای شناخت همه جانبه طرفین پیدا می کنند، و علاوه بر آن، غالبا اغلب اطّلاعات دیگر توسّط خانواده های طرفین برای آنها تکمیل می گردد، و یا حتّی عکسهایی را هم می توانند با روی باز از همدیگر داشته باشند، و یا فراتر از همه اینها، قبل از آنکه صیغه عقد برای آنها جاری گردد آنها می توانند همدیگر را حتّی بدون حجاب کامل در اتاقی خلوت ببینند و باهم صحبت کنند و پس از آن تصمیم بگیرند و...

(شبهه ششّم)

(شبهه ششّم)

این شبهه را البتّه اگر بتوان اسمش را شبهه گذاشت، معمولاً برخی از عوام الناس برای توجیه بی حجابی خود و دخترانشان، و علی الخصوص در توجیه کنار گذاشتن چادر خود بر زبان می آورند، آنها می گویند: الآن دیگر

زمانه عوض شده است، زمان پیشرفت نموده، و اگر مثل قدیم بگردی متّهم می شوی و مردم می گویند خُل است، یا عقب مانده است، و یا دهاتی است و... و یا می گویند: اگر دخترت مطابق پوشش روز نپوشد دیگر کسی خواستگارش نمی شود و...

جواب شبهه ششّم:

اوّلاً: تأثیر پذیری حرام و حلال دین، از زمان و مکان، امروزه تقریبا بهانه ای است که بر سر بسیاری از زبانها می چرخد، در حالیکه در روایات معتبر ما، قریب به این مضمون وارد شده است که: حرام آل محمّد صلی الله علیه و آله تا روز قیامت حرام است و حلال این شریعت تا روز قیامت حلال، مگر در برخی شرایط بسیار خاصّ که دیگر مسأله فرق می کند و تشخیص آن هم تنها به عهده فقها و مراجع دینی ماست.

ثانیا: اگر انسان بخواهد در همه وظایف دینی خودش دنبال حرف مردم باشد که در این صورت اصلاً نباید دینداری کند، این مسأله که تنها اختصاص به حجاب و عفّت ندارد، حتّی پیغمبران و امامان ما هم، از این قاعده مستثنی نبودند، بلکه بیشتر از هر کس دیگری در بیان حقیقت و عمل به آن، حرف ها، حدیث ها، تهمت ها و اذیّت هایی متحمّل شدند، و اصلاً، همین تحمّل اذیّت ها و حرف هاست که عمل صالح را ارزشی فوق العاده می بخشد!

و امّا در مورد مسأله ازدواج، و اینکه کسی فکر کند اگر دخترش با حجاب باشد خواستگار او کم می شود، باید گفت: آن گونه که از عموم آیات و روایات اسلامی استنباط می شود، مسأله ازدواج، مسأله ای

است درست شبیه اجل و مرگ، که در دست تقدیر و سرنوشت الهی است، و نباید کسی نگران باشد که اگر دخترش مینی ژوب نپوشد کسی از او خواستگاری نمی کند؛ بلکه خداوند متعال هر موجودی را در این عالم هستی زوج آفریده و بالأخره هر کسی زوج خودش را خواهد یافت؛ و حتّی ممکن است دامن زدن به بی حجابی و بی عفّتی تقدیرات خوب یک دختر را در امر ازدواج عوض کند و مثلاً ازدواج او را به تأخیر بیندازد و یا زندگی طیّبه ای که برای او مقدّر شده بود به حیات خبیثه و ضنک تبدیل کند، و...

و در عالم تجربه هم، ما چه بسیار دخترانی را می بینیم که مادر و پدرشان از همان سنّ کودکی او را در انواع مدها می آرایند، تا به اصطلاح خودشان خواستگار خوب به دام بیندازند، ولی پس از مدّتی یا بیشتر از هر پدر و مادر دیگری از داماد خودشان پشیمان هستند، و یا اصلاً دخترانشان با داشتن سنین بسیار بالا، با آنکه از زیبایی خاصیّ هم برخوردارند بی شوهر نشسته اند؛ و در مقابل دخترانی که شاید تا وقت ازدواجشان کسی حتّی روی آنها را ندیده بود، و اصلاً در فکر تبلیغ خودشان هم نبوده اند، ولی در مناسبترین سنّ ها، و در بهترین شرایط، صاحب بهترین زندگی ها و شوهرها شده اند.

توصیه ما به همه پدران و مادران

پدران و مادران در هر خانواده ای معمولاً، بیشترین نقش را قبل از هر کس دیگری می توانند در تربیت و تأدیب فرزندان خود داشته باشند، و در واقع بخش عمده سرنوشت فرزندان به دست آنها رقم زده می شود.

فرزندان دختر، در هر خانواده ای قبل از آنکه برای خود دوستی برگزینند و یا رویّه ای را از جامعه بپذیرند، از یک نگاه، همچون نوار کاستی خالی، در اختیار والدین خودشان هستند که از رفتار و کردار و گفتار آنها به تدریج پر می شوند.

پدران و مادران مسلمان، قبل از هر چیزی باید این نکته را بدانند

که یکی از وظایف مهمّ آنها در قبال فرزندانشان همانگونه که در فصل فتاوا هم گذشت تأدیب نیکوی فرزندان خودشان است، یعنی پدر و مادر در مرحله اوّل باید وظایف و مهمّات و مسائل دینی فرزندان خود را از همان آغاز بچّگی به آنها القا نموده و یا آموزش دهند، و آنها را در قالب روش های متفاوتی همچون: داستان و گفتار و توصیه و تشویق و... با سنّتها و سفارشات اسلامی آشنا کنند.

مخصوصا مادران بیشترین تأثیر را در روش زندگی دختران خود می توانند داشته باشند؛ مادران مسلمان می توانند با روشهای متفاوت از همان دوران بچّگی؛ دختر خود را با حجاب و عفّت اسلامی و مخصوصا چادر آشنا کنند.

و پس از دوران کودکی هم، هر گاه او را در امر حجاب و عفّت و چادرش سست و ضعیف دیدند، به فکر چاره باشند و سعی کنند علّت آن را ریشه یابی کرده و رفع نمایند. مثلاً اگر شبهه ای به ذهن دخترشان در این خصوص رسوخ نموده جواب او را بدهند، و یا در صورت نیاز از سیاستهای تشویق و تهدید استفاده کنند، و یا مهمّتر از همه، او را در امر دوست یابی نظارت و راهنمایی کنند، و نگذارند با هر دوست بی حجاب و بی عفّتی رفیق شود؛ چرا که رفتار دوستش به تدریج در پوشش او هم اثر خواهد گذاشت.

و این نکته را والدین یک دختر، باید مسلّم بدانند که فرزند دختر، به منزله امانتی است از ناحیه خداوند متعال در دستان آنها، که باید او را هم چنان که صاحب امانت می پسندد تربیتش کنند والاّ خیانت در

امانت نموده اند.

و همچنین باید بدانند، همانگونه که ما در تعالیم اسلامی گناهی به نام عاقّ والدین داریم، و فرزندان اگر حقوق والدین خود را رعایت نکنند عاقّ می گردند و بالأخره در روز قیامت حساب پس خواهند داد، همچنین است در اسلام، که ما گناهی هم به نام عاقّ ولد داریم؛ یعنی والدین هم اگر به حقوق فرزندان خود بی اعتنا باشند عاقّ خواهند بود، و در حقیقت به آنها ظلم نموده اند؛ اگرچه ممکن است در این دنیا حتّی فرزندان آنها از این سستی و قصور آنها در امر تربیت، خوشحال و راضی باشند، ولی فردای قیامت همین فرزندان، یقه پدر و مادر خودشان را خواهند گرفت که چرا در تربیت ما کوتاهی نمودید؟

و گویا به این شبیه است که کسی از شما آدرسی را می پرسد و شما عمدا آدرس اشتباه به او می دهید، ساعتها طرف بیراهه می رود و آخرش می فهمد که آدرس را اشتباه به او داده ای، در این صورت، آیا به او ظلم نکرده اید؟ فرزندان انسان هم، در حقیقت تا زمان رسیدن به سنّ تکلیف ، آدرس هدایت و راه صواب را از والدین خودشان می آموزند، حال اگر پدر و مادری خلاف طریق سعادت و هدایت را در ذهن او جا بیندازند، آیا به او ظلم نکرده اند و آیا مؤاخذه نخواهند شد؟...

آری، این دختری که امروز، در اثر کوتاهیهای والدین خود در امر تربیتش، چادرش را کنار گذاشته و با بی حجابی و بی عفّتی تمام، هر

قدمش در جامعه به فسادی می انجامد، ممکن است امروز هیچ گله ای از پدر و مادر خود نداشته باشد، ولی فردای قیامت قطعاً شکایت خواهد کرد، و یقه پدر و مادرش را خواهد گرفت که: ای پدر جان، مادر جان! چرا مرا از بچّگی حجاب نیاموختید، چرا اشتباهم را به من نگفتید، چرا فلان عکس مبتذل، فلان نوار مبتذل، فلان سی دی مبتذل را به خانه آوردید تا من از آنها الگو بگیرم!؟ و مخصوصا شما مادرم، چرا خودت چادر به سر نکردی تا من هم از تو یاد بگیرم، و چرا از کودکی مرا با چادر انس ندادی و..!؟

و نکته قابل توجّه دیگری که در اینجا می تواند تأثیر گذار باشد این است که پدر و مادر در معاشرت خود با دیگران، اوّلاً با خانواده هایی که اصلاً به مسائل حجاب و عفّت و چادر ارزشی قائل نیستند و یا تسامح زیادی نسبت به آن قائل هستند، فاصله بگیرند و زیاد رفت و آمد نکنند؛ نه به این معنا که کلّاً از آنها قطع نموده و یا قهر کنند، نه، بلکه رفت و آمد خودشان را با آنها کمتر و پر فاصله تر کنند، و تنها در حدّی که قطع رحم نشود (البتّه آن هم در صورتی که فامیل باشند).

علاوه بر همه اینها، پدر و مادر یک دختر، می توانند در سنین مختلف دخترشان، متناسب با سنّ آنها، یک سری کتاب، مجلّه آموزشی، فیلم، کارتن، سی دی و یا از این قبیل اسباب آموزشی دیگر که در آنها مسأله حجاب و عفّت و چادر ترویج و یا تبلیغ می شوند تهیّه نموده و در اختیار آنها بگذارند، البتّه اگر موجود باشند.

و حتّی ما پیشنهاد می کنیم پدران و مادران، سعی در معرفی ارزش

این مسائل برای پسران خودشان هم، مخصوصا آنها که در آستانه ازدواج هستند، داشته باشند؛ چرا که در این صورت، هم در انتخاب همسر مناسب به آنها کمک نموده اند، و هم مانع از این شده اند که خدای نکرده اگر عروسی بی حجاب به منزل آنها راه یابد، که ممکن است حجاب و عفّت دختران آن خانواده را هم کلّاً تحت تأثیر قرار بدهد، و یا حتّی در اثر چشم هم چشمی، کلّ خانواده مسیر زندگی خود را تغییر دهند، و در کلّ نسبت به این شعائر و واجبات اسلامی سست گردند.

توصیه ما به عموم مردان مسلمان

پدران و عموم مردان مسلمان و نیک اندیش جامعه ما باید بدانند که یکی از مهمترین سلاحهایی که امروزه غرب برای شکستن کمر اسلام و مسلمین بدان تمسّک جسته، همان گونه که ما از زبان خود آنها هم، در فصل اوّل از همین کتاب، مطالبی را آورده ایم، مسأله تهاجم فرهنگی و شکستن ارزش مقدسّات دینی در کشورهای مسلمان است. آنها می خواهند ابتدا کشورهای مسلمان را با فرهنگ اسلامی روز به روز بیگانه تر کنند، و همه شعائر اسلامی را در ذهن آنها، مطالبی کهنه، ضدّ ترقّی و یا قابل تسامح جلوه دهند، و آنگاه ضربه اصلی خود را بر پیکره اسلام و کشورهای مسلمان وارد سازند.

و همانگونه که خود آنها هم اذعان نموده اند، یکی از مهمترین تصمیمات محوری آنها در این توطئه، کمرنگ نمودن حجاب و عفّت

زنان مسلمان در این کشورها و کشاندن آنها به سمت فساد جنسی می باشد، تا در نهایت، همه نیروهای مدافع و مولّد آنان، یعنی مردان و جوانان را به مهره هایی هوسران و بی اراده تبدیل کرده و سر آنان را به عشق و عاشقی گرم کنند و آنگاه به راحتی بتوانند ثروت ها و فرصت های این جوامع را چپاول کنند.

آنها برای پیشبرد این هدف خودشان (یعنی ترویج بی حجابی و بی عفّتی و فساد جنسی) تلاش های زیادی به خرج داده اند ولی چون با شکست های زیادی هم مواجه شده اند، در نهایت به این نتیجه رسیده اند که باید برای موفّقیت در این امر، ابتدا در سلب غیرت مردانگی مردان در این کشورها سرمایه گذاری نموده و موفّق شوند.

چرا که در اغلب موارد، ابتدا دختران و زنان، مخصوصا قشر جوان، در مقابل مغالطات و القائات آنها در عقیده خود سست شده و خود را می بازند، ولی در عمل از ناحیه مردان و پدران و برادران خود با محدودیّت هایی مواجه می شوند.

آری، غیرت مردان و پدران ایرانی، از دیرباز شهره جهانیان بوده و هست، فلذا آنها سعی می کنند با ترویج افکار روشن فکرمآبانه و القائات بیمار خودشان، روز به روز این خصلت مقدّس را در وجود مردان مسلمان در هم شکنند؛ بگونه ای که نه تنها آنها بی حجابی زنان و دختران و خواهران خود را ننگ و عار و گناه نپندارند، بلکه آن را به حساب ترقّی و پیشرفت زمانه گذاشته و یا وسیله فخر و مباهات خود قرار دهند؛ و مردان جامعه، نه تنها از نگاه شهوت آمیز دیگران به

زنهای خودشان اذیّت نشوند، بلکه دوست هم داشته باشند، و بگونه ای آنها را بزک کنند که بیشترین چشمهای نامحرمان به سمت آنها جلب شوند و... !

ادّعای حقیر این است که متأسّفانه آنها در این خصوص در کشور ما مخصوصا در دهه های اخیر انقلاب، تا حدودی موفّق شده اند، و حتّی برخی از قلم به دستان و گویندگان و مروّجان داخلی هم در این حرکت، آنان را کمک شایانی نموده و می کنند، و ما امروزه تبعات منفی آن را، در کوچه و بازار و خیابان و یا حتّی رسانه ها و نهادهای اجتماعی کشورمان به صورت آشکار می بینیم. مردان مسلمان، در هر کجای دنیا که هستند باید اندکی به خود بیایند، و این خصوصیّت مقدّس را که ریشه در آیات و روایات اسلامی دارد بدین راحتی از دست ندهند.

شریعت مقدسه اسلامی مردانی را که غیرت ناموسی در نهاد خود نداشته باشند بسیار مورد ذمّ و تنفّر قرار داده است، و در برخی از موارد عواقب دنیوی و عذابهای اخروی شدیدی برای آنها برشمرده است؛ به عنوان مثال در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده است که: اگر مرد، در خصوص برخی از مسائل حجاب و عفّت، غیرتی از خود نسبت به نوامیسش نشان ندهد:«أکبّهُ اللّهُ علی وجهه النار».

یعنی خداوند آن مرد را با سر و صورت، وارد جهنّم خواهد نمود،(1) و یا در روایتی دیگر می فرماید: این افراد حتّی بوی بهشت را

1- 1. الخصال، ج1، ص315.

از مسیر پانصد سالگی قیامت استشمام نخواهند کرد،(1) و یا...

البتّه درست است که در برخی از روایات، از غیرت افراطی مردان هم نهی شده است، ولی این نمی تواند بهانه ای برای دیاثت و بی غیرتی مردان باشد. غیرت افراطی یعنی غیرتی که واقعا جایی ندارد، مثلاً مرد زنش را مجبور کند که در بین محارم نَسَبی خودش هم چادر سر کند.

ولی متأسّفانه، به تدریج در اذهان جامعه ما برخی از روشنکفرمآبان بیمار بگونه ای جا انداخته اند که اصلاً هر گونه غیرت و اعتراض مقدّس مرد علیه بی حجابی و بی عفّتی نوامیس خود نوعی سیاهیِ قلب و یا افراط و تندروی تلقّی شود.

توصیه ما به همه مردم ایران

توصیه ما به همه مردم ایران

بحمد اللّه، همه ما مردم ایران شاهدیم که از برکت عمر شریف حضرت امام خمینی و یاران و همراهانش رحمهم الله ، و همچنین از برکت خون همه شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدّس و رشادتهای مردم آن عصر، امروز در این کشور، همه مسئولین و سیاستگذاران حکومتی، توسّط مردم و من و شما انتخاب می شوند؛ توصیه ما به مردم ایران این است که در انتخاب افراد و مسئولین و سیاست گذاران کشور، کمال دقّت را داشته باشند، و در رأس همه امتیازات دیگر

1- 1. الخصال، ج1، ص42.

افراد، تعهّد و تدیّن آنها را مدّ نظر داشته باشند؛ چرا که مخصوصا در این سالهای اخیر اوضاع بگونه ای شده که هر کسی می خواهد در صحنه ای از انتخابات کاندید شود، معمولاً دو مهره اصلی را در این کشور، محور شعارهای خود قرار می دهد: یکی زنان و دیگری جوانان؛ و در این میان برخی بلکه تعداد قابل توجّهی از این افراد، برای اینکه حدّأکثر رأی مردم را جلب کنند، از احساسات این دو طایفه، که بیشترین درصد جمعیّت کشور را هم معمولاً اینها تشکیل می دهند، سوء استفاده می کنند، و به بیان برخی از شعارهای بظاهر جذّاب، ولی شبهه ناک و دو پهلو، مخصوصا در مورد زنان می پردازند، و معمولاً پس از رأی آوردن هم، چون وعده هایی را بر مبنای همین شعارها به مردم داده بودند، عملکردهای متناسب با همان شعارها در بخش های مختلف نظام از خود نشان می دهند.

پس باید دانست که امروزه هر کسی در این نظام، با هر رأی خود، در انواع انتخابات امتحانی در برابر خداوند پس می دهد و در حقیقت یا کمکی به اسلام و ارزشهای اسلامی نموده و یا برعکس، با رأی دادن به یک کاندیدای بی تقوا و کم ایمان ظلمی به اسلام و ارزشهای اسلامی روا داشته است.

توصیه ما به عموم زنان مسلمان

توصیه ما به عموم زنان مسلمان

در اینجا ما مخاطب سخن خود را زنانی فرض می کنیم که واقعا مسلمان هستند و مخصوصا ادّعا می کنند که شیعه و پیرو حضرت

زهرا علیهاالسلام هستند.

این بانوان باید بدانند که پیشوای آنها حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام ، حتّی از شخص کور هم خودش را می پوشاند، و چادر، یا پوشش سرتاسری، سیره همیشگی آن حضرت بود، و حتّی از چادر مقدّس آن حضرت معجزه ها هم دیده شد. و همین طور است سایر زنان برگزیده اسلام، همچون: حضرت زینب، حضرت سکینه و... علیهم السلام .

پس مبادا بانوان مسلمان از پیروی آن حضرات دست بکشند، و فریب یک سری القائات پوچ و بی اساس را خورده، در این مسلّمات دینی و سنن اسلامی شکّ و تردید به خود راه دهند.

متأسّفانه، در این سالهای اخیر گاه انسان حتّی برخی از خانواده های مذهبی و مسجدی و نماز خوان را هم می بیند که زن و یا دختر خانواده، به حجاب اسلامی و مخصوصا به چادر بی اعتنا شده است، و یا از شلوارهای خارجی، مانتوهای کوتاه، جوراب نازک و... استفاده می کند، و یا در پوشش کامل سر و یا سایر ویژگی های حجاب و عفّت اسلامی، تسامح به خرج می دهد.

همه زنان مسلمان و مخصوصا شیعیان جهان باید بدانند که مسلّماً یکی از نگرانی های اصلی امام زمان علیه السلام ، امروزه همین مسأله حجاب و عفّت زنان است؛ زیرا در دعاهای همیشگی خود، وقتی می خواهند زنان امّت خود را دعا کنند تنها انگشت روی همین مسأله می گذارند و می فرمایند: «و عَلی النساء بِالحیاء و العفّه»، یعنی: پروردگارا به زنان امّت من حیا و عفّت ارزانی دار!

پس، مادر و خواهر عزیزم، مبادا دل امام زمانتان را به درد آورید؛ بدانید که با حفظ هر چادری و یا حجابی، گویا سنگی را از سر راه امام زمان خود بر می دارید، و بر عکس، با برداشتن هر چادری از سرتان، دشمنان آن حضرت را یاری می کنید!

امام زمان علیه السلام که دین تازه ای برای ما نمی آورد، بلکه برای برقراری همین حرام و حلال خدا، که جدّش رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان پیش از وی علیهم السلام همگی عمر خود را در راه ترویج آنها صرف نموده اند تشریف خواهد آورد، پس او را در این اصلاح همه جانبه، تا می توانید یاری کنید!

چند توصیه به مسئولین و نهادهای تأثیرگذار ایران، در حجاب و عفّت زنان

چند توصیه به مسئولین و نهادهای تأثیرگذار ایران، در حجاب و عفّت زنان

1. توصیه می شود جهت جلوگیری از سوء استفاده های برخی از اشخاص و یا مسئولین و نهادها از احساسات و عواطف و حسن اعتماد مردم، و طرح برخی شبهات و شعارهای دو پهلو و مشتبه از ناحیه آنان، در همه محافل قانونگذاری کشور، برخی از ابعاد کلّی این مسأله و رفتارهای متناسب با آن را بعنوان قانون، اجباری کنند و در صورت تخطّی از آن، برخوردهای جدّی به عمل آورند؛ به عنوان مثال، در مارکهای اجناس، فیلم های سینمایی، سی دی های تولید شده، پلاکاردهای تبلیغاتی، محافل نطق و سخنرانی و... این قوانین مورد کنترل قرار گیرند.

2. نهادهای ترویجی کشور، مثل صدا و سیما، سینما، مطبوعات،

انتشارات و...، بیشترین تأثیر را می توانند هم در ترویج حجاب و عفّت اسلامی و هم در جهت عکس آن، در اذهان مردم و مخصوصا زنان و دختران ایرانی داشته باشند، و در این میان، سیمای رسمی کشور و شبکه های مختلف در تلویزیون، که بطور مستقیم و شبانه روزی خود را آموزگار مردم در ترویج فرهنگ قرار داده اند از نقش فوق العاده ای برخوردارند.

پس باید صحنه ها و برنامه های مختلف این نهادها، از هر گونه ترویجی که بر علیه حجاب و عفّت اسلامی و مخصوصا چادر باشد زدوده شوند، و در مقابل آرمان های اصیل اسلامی، در قالب برنامه های مختلف ترویج شوند.

متأسّفانه به نظر می رسد، امروزه تشویق به امر حجاب و عفّت زنان، در انواع سیاست های نهادهای مهمّی در ایران همچون: صدا، سیما، و مخصوصا سینماهای ما، نزدیک به صفر می باشد، بلکه گاه در برخی از این برنامه ها، القاء نوعی تضادّ و تعارض بین حجاب اسلامی، با ترقّی و پیشرفت علم و هنر، کاملاً محسوس است.

در صدا و سیمایی که وظیفه آن ترویج فرهنگ اسلامی است، نباید فیلم ها و یا برنامه هایی ساخته شوند که دختر ایرانی با دیدن آنها فکر کند که چادر بیشتر مخصوص زنان روستایی و یا پیر و خل و چرکین است و لا غیر.

حقیر نمی خواهم در اینجا از عملکرد سینماهای کشور ایران مخصوصا در دهه اخیر انقلاب سخن بگویم، ولی واقعا با مشاهده

برخی از تولیدات آنها، آدم گاهی شکّ می کند که آیا اینها مسلمانند یا نه؟ ! در اغلب این برنامه ها متأسّفانه دیده می شود، مسأله بی حجابی و بی عفّتی و غربگرایی زنان در بسیاری از فیلم های سینمایی ما ترویج می شود، و از مهر و امضای وزارت ارشاد هم برخوردارند !

تصوّر نشود که حقیر اغراق در مطلب و یا افراط در بیان آن می کنم، شما اگر تنها چند مورد از فیلم های سینمایی رایج در کشور و یا حتّی برخی از فیلم ها و سریال های سیمای رسمی ما را کنترل کنید، متوجّه می شوید که بنده سخن به گزاف نگفته ام.

تسامح در بیرون ماندن موی زن، تکدیر چهره چادر و یا مقنعه، ترویج مانتوهای تنگ و کوتاه و چاک دار، ترویج شلوارهای غربی و رنگارنگ و جذّاب، آرایش های بسیار تند و غلیظ، تسامح در حفظ عفّت دهان و بیان و نگاه، و مخصوصاً ترویجات منفی در مسأله حریم و فاصله بین زن و مرد مسلمان، ترویج اختلاط زنان با مردان و شوخی و قهقهه و خنده با آنها، و ده ها مسأله منفی دیگر، امروزه مستقیما، چه از ناحیه برخی از برنامه های سیمای رسمی کشور ما و چه از طریق فیلم های سینمایی در اذهان و اندیشه های زنان و بانوان ایرانی و مخصوصا نسل جوان جاسازی می شوند !

3. ضروری است همه مسئولین کشور ما در اجرای سیاست های خود، و مخصوصا در امور مرتبط با نشر و ترویج فرهنگی، قبل از دست زدن به هر ابداعی، آن را با مراجع تقلید و صاحبان دین در میان بگذارند، و سپس همه جوانب و عواقب آن را خوب بررسی نموده و

آنگاه عمل کنند.

به عنوان مثال، اگر سازمان فرهنگ و ارشاد می خواهد برای یک فیلم سینمایی که در آن یک دختر ایرانی موتور سواری می کند، و یا در سیمای رسمی ما تصاویر ورزشی بانوان ورزشکار را در حین بازی هایی همچون: فوتبال و تکواندو و... نشان دهد، و یا برای آنها مجوّز صادر کند، ابتدا باید اصل این امور، از لحاظ فقهی با مراجع عظام در میان گذاشته شود، و علاوه بر آن تأثیر و تأثّرهای آن سیاست در سطوح مختلف جامعه بررسی شود، و حتّی اگر مثلاً تنها کراهت در ترویج این مسأله مسلّم شد، نباید مسئولین مربوطه به آن کار دامن بزنند، بلکه باید جانب احتیاط را پیشه کنند؛ چرا که گاهی اوقات یک شعار، یک فیلم، یک القاء، می تواند فضای عمومی حجاب و عفّت را دگرگون سازد، همانگونه که ما امروزه در عمل شاهد آن هستیم.

به نظر ما در جامعه اسلامی ایران باید این نکته مسلّم فرض شود که وظیفه وزارت ارشاد و فرهنگ و یا رسانه های گروهی دیگر، استنباط و اجتهاد فقهی پیرامون مسائل مرتبط با شرع نیست، بلکه نباید اجازه چنین اختیاری، را هم به آنها داد؛ این نهادها تنها باید در قالب اصول کلّی اسلامی که توسّط فقها و مراجع دینی استنباط می شود سیاستهای خود را پیش ببرند، و در عین حال که از آزادی عمل برخوردارند، نباید مخالف با احکام صادره از ناحیه صاحبان دین، سیاستی را اجرا کنند.

4. مسئولین فرهنگی ما پس از آنکه حدود حجاب و عفّت اسلامی

و کیفیّات مطلوب آن را از نظر علما و مراجع دینی مشخّص نمودند، اوّلین گامی که از ناحیه آنها می تواند در جهت سیر به این سمت، آنها را یاری کند، اجرای دو سیاست تشویق و پاداش است. تشویق آنها به ابعاد مختلف حجاب و عفّت اسلامی، در قالب سیاست های مختلف می تواند با صرف کمترین هزینه و زمان، مسیر شدّت بی حجابی و بی عفّتی در ایران را هر چه بیشتر مسدود کند.

5. پیشنهاد می شود در جشن های تکلیفی که بحمد اللّه از همّت برخی از مسئولین، هر ساله در ایران انجام می شود، علاوه بر اینکه یک چادر نماز به دختران تازه مکلّف اعطا می شود، چادر سیاهی هم برای بیرون از خانه به آن ها هدیه شود، و در تصویر برداری ها هم اگر در غیر نماز نشان داده می شوند با چادر سیاه باشند؛ تا در اذهان آنها چنین القا نشود که چادر تنها مخصوص نماز است، همانگونه که عملکرد برخی از بانوان بزرگسال هم امروزه چنین شده است؛ و سزاوار است در قسمتی از تصویر برداری های تلویزیونی از این جشن ها، از فواید چادر، حجاب و حدود و کیفیّات آن هم سخن گفته شود.

6. توصیه ای که به مراکز آموزشی کشور و مسئولین آنها از آموزش و پرورش گرفته تا آموزش های عالی داریم این است که:

اوّلاً: جای هزاران حیف و افسوس که در این عمر بیست و اند ساله انقلاب، همه کتب و متون و برنامه های آموزشی ما از سطوح ابتدایی گرفته تا فوق دکترا، در همه رشته ها، کلّاً خالی از این مسأله بسیار مهمّ

بوده و هستند.

دختران مسلمان باید از همان سطوح ابتدایی در مدرسه، درس هایی را از حجاب و عفّت و جایگاه چادر، در قالب داستان ها، اشعار، درس های قرآنی و دینی و غیره فرا بگیرند.

در سطوح ابتدایی می توان یکی دو درس، در خصوص حجاب و عفّت و چادر، در قالب داستان و شعر، در کتب فارسی و دینی دختران گنجاند، و در عوض برای پسران هم درس هایی متناسب با خودشان؛ و همینطور برای سطوح راهنمایی و دبیرستان در کتب دینی و قرآن آنها از درسهای تحلیلی و آیات حجاب و روایات و غیره.

و به نظر می رسد، یکی از موضوعات تحلیلی رشته های معارف دانشگاهی هم باید همین مسأله عنوان شود، تا دانشجویان ما تشویق به پایان نامه و نوشته هایی در این خصوص شوند و در آنها حدود و کیفیّات این مسأله و مطالب آسیب شناسی آن، و همچنین راهکارهای عملی جهت پیاده نمودن هر چه مناسب تر این فرهنگ، خوب بررسی شوند.

7. به مبلّغان و واعظانی که از طرف حوزه های علمیّه و یا سازمان تبلیغات برای تبلیغ فرهنگ اسلامی به نقاط مختلف کشور رهسپار می شوند - و در حقیقت اینها مسئولان اصلی نشر و ترویج فرهنگ اصیل اسلامی و شعائر و مسائل دینی در جامعه هستند - توصیه می شود با بیان این مسأله بسیار مهمّ، مردم را خوب روشن کنند، و تا می توانند در هیچ نوبت تبلیغی خود، مناسب با توان علمی خودشان،

و قدرت استماع مخاطبان، از بیان این مسائل غفلت نکنند و با بیان فتاوا و استفائات مراجع گرفته تا آیات و روایات و بحثهای تحلیلی دیگر، و یا حتّی بیان قصّه ها و داستان های مربوط به حجاب و عفّت و چادر، از این شعار اسلامی تا حدّ امکان دفاع نمایند؛ چرا که به اعتقاد حقیر، متأسّفانه یکی از عوامل بسیار مهمّ حرکت سریع زنان ایرانی به سمت بی حجابی و بی عفّتی، مخصوصا پس از انقلاب اسلامی ایران، قصور و کوتاهی مبلّغین و واعظین ما، در بیان این مسائل بوده و هست، بگونه ای که گویا بیان مسائل مربوط به حجاب و عفّت، کلّاً در ایران تعطیل شده است!

8. امروزه بافت جمعیّتی و ارتباطی جامعه ایران به گونه ای شده که زنان، همچون زمانهای قدیم، نمی توانند از منابر و تریبون های دینی، مسائل مربوط به حجاب و عفّت اسلامی را بطور کامل فرا گیرند، و در مقابل تجربه نشان داده است که وجود نیروهای مبلّغه زن می تواند در انتقال این معارف به بانوان و دختران نقش خوبی را ایفا کند. ما به مؤسسه های مربوط به این امر، همچون: حوزه علمیه خواهران و سازمان تبلیغات زنان توصیه می کنیم، در تربیت زنانی که بتوانند در این خصوص، همچون سایر ابعاد دیگر، موفّق باشند نهایت تلاش خود را صرف کنند، و همچنین در اعزام آنها به مناطق مختلف و فراهم نمودن زمینه های تبلیغ آنها، کوشش جدّی تری به عمل آورند، و در این میان، به بیان احکام و مسائل مربوط به حجاب و عفّت زنان بیش از هر مسأله دیگری عنایت داشته باشند.

کتابشناسی اختصاصی تحقیق

(به ترتیب حروف الفباء)

أجوبه الاستفتائات (آیه اللّه خامنه ای)، استفتائات (آیه اللّه موسوی اردبیلی)، آسیب شناسی حجاب (مهدی مهریزی)، آنچه باید یک دوشیزه بداند (حسن مصطفوی)، آنچه باید یک زن بداند (اسد اللّه محمّدی نیا)، آیا حجاب ضرورت دارد؟ (شهریار روحانی)، آیه جلباب (محمّد تقی صدیقین)، أحسن الحکایات فی حجاب السافرات (ابوالفضل بن محمّد خراسانی)، احکام بانوان (محمّد وحیدی)، احکام حجاب در قرآن (شیخ امین احسن اصلاحی)، احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان (سیّد مسعود معصومی)، أحکام علاقات المرأه مع الرجل (سیّد مسعود معصومی)، احکام حجاب و عفّت در گلستان مرجعیّت (نویسنده)، ادیان و حجاب (جعفر خندق آبادی)، ارشاد السائل (آیه اللّه گلپایگانی)، اروپایی ها و لباس ایرانیان (حسام الدین شریعت پناهی)، از دیروز تا امروز (مجموعه مقالات دکترسیّد جعفر شهیدی)، إسداء الرغاب فی مسأله الحجاب (سیّد محمّد باقر لکهنوی کشمیری)، استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب (مجلّه پیام زن، غلامرضا گلی زواره)، اصالت حجاب در اسلام (حسن قاضی طباطبایی)، انسان، پوشش و ریشه های تاریخی (مجلّه پیام زن، ش 18 به بعد، سیّد مهدی قانع)، اهداف حاصله از پوشش (مجموعه مقالات پوشش و عفاف، مرضیّه مرادی)، ایران و ایرانیان (بنجامین)، پاسخ به پرسش های دینی پیرامون مسأله

حجاب (موسوی همدانی)، پاسخ های استاد به نقدهایی بر کتاب مسأله حجاب (مرتضی مطهّری)، پاسداران حجاب (محمّد مهدی تاج لنگرودی)، پوشاک اقوام مختلف (براون واشنایدر)، پوشاک زنان ایران (جلیل ضیاء پور)، پوشش در اسلام (اشتهاردی)، پوشش زن در اسلام (سیّد عبداللّه شیرازی)، پوشش زن در گستره تاریخ (طیّبه پارسا)، پوشیدن روی یا نپوشیدن روی (مجتبی مینوی)، پیام حجاب زن مسلمان (زهرا رهنورد)، تاریخ تمدّن (ویل دورانت)، تاریخ تمدّن اسلام (جرجی زیدان)، تاریخ طبری (طبری)، تاریخچه پوشش سر در ایران (سهیلا شهشهانی)، تحریر الوسیله (امام خمینی)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (حسن مصطفوی)، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران (دکتر علی اصغر احمدی)، تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر (محمّد رضا اکبری)،تربیه المرأه و الحجاب (محمّد طلعت حرب)، ترجمه فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب (غلامحسین اصفهانی حائری)، تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد (مرکز اسناد تاریخی وزارت اطّلاعات)، الجزایر و مساله حجاب (فرانتس فانون)، جوابیّه مقاله ضالّه طالبین رفع حجاب (زینب بیگم شیرازی)، جوان از نظر عقل و احساسات (محمّد تقی فلسفی)، جوان و نیروی چهارم زندگی (محمّد رضا شرفی)، چهره های درخشان مبارزان ایران (مریم فیروز)، چهره عریان زن عرب (نوال سعداوی)، چهل حدیث حجاب و عفّت (نویسنده)، الحجاب (أبو الأعلی المودودی)، حجاب (مؤسّسه در راه حقّ)، حجاب (مهدی مهریزی)، حجاب، ارزش یا روش (سیّد علی سادات فخر)، حجاب، ارزش یک زن (نهضت زنان مسلمان)، حجاب از دیدگاه قرآن و سنّت (فتحیّه فتّاح زاده)، الحجاب الاسلامی (مؤسّسه البلاغ)، حجاب در ادیان الهی (علی محمّد آشنایی)، حجاب بیانگر شخصیّت زن (محمّد محمّدی اشتهاردی)، حجاب در بی حجابی (حسین حبیب اللّهی)، حجاب زن در اندیشه اسلامی (علی قائمی)،

الحجاب الدرع الواقی (محمّد حسینی شیرازی)، حجاب در قرآن و سنّت (حسن یوسفی)، حجاب شناسی (حسین مهدی زاده)، حجاب مایه زحمت یا آیه رحمت (علی رضا حلم زاده)، حجاب المرأه المسلمه فی الکتاب و السنّه (ناصرالدین البانی)، الحجاب فی الاسلام (ابوالقاسم اشتهاردی)، الحجاب فی الاسلام (محمّد قوام الوشنوی القمّی)، الحجاب فی الکتاب و السنّه (عبد القادر بن حبیب اللّه السندی)، حجاب و آزادی (مجموعه مقالات کنفرانس زن در تهران)، حجاب سنگر زن مسلمان (غلامرضا سلطانی)، حجاب مقدّس ترین وسیله استحکام حصار عفاف (سیّد محمّد حشمت الواعظین)، حجاب و انقلاب (نهضت زنان مسلمان)، الحجاب و الاسلام (سیّد محمود علوی تبریزی)، حجاب میوه شناخت (مسعود پور سیّد آقایی)، حجاب و بانوان (محمّد اسماعیل شکوهی)، حجاب و پرده داری (آیه اللّه علی اصغر لاری)، حجاب و جامعه (زهرا حسینی)، حجاب و عفاف زن ایرانی (سعید مهرآبادی _ مجلّه پیام زن، سال2، ش6)، حجاب و کشف حجاب در ایران (فاطمه استاد ملک)، حجاب یا پرده دوشیزگان (محمّد حسن مازندرانی حائری)، حجابیّه (ملّا عبد الرسول مدنی کاشانی)، حجابیّه (آیه اللّه السیّد الفاضل)، حجابیّه (شیخ فیّاض زنجانی)، حریم عفاف _ حجاب و نگاه (روح اللّه حسینیان)، حقیقت حجاب در اسلام (شیخ محمّد خالصی)، حقیقه الحجاب و حجیّه الحدیث (محمّد سعید انصاری)، حکمه الحجاب و أدلّه النقاب (ابوالفضل خراسانی)، حکایت کشف حجاب (مؤسّسه فرهنگی قدر ولایت)، خاطرات همفر (حسن مؤیّدی)، خشونت و فرهنگ (اسناد محرمانه کشف حجاب)، خواهرم حجاب سعادت است (محمّد ابراهیم الموحّد القزوینی)، داستانها و پندها (محمّدی اشتهاردی)، داستانهای حجاب (مرتضی عطایی)، دردهای اجتماع، بدحجابی و بی حجابی (محمّد باقر افتخاری)، در حریم حجاب (محمّد مقدّسی)، درس حجاب از قرآن و حضرت زهرا علیهاالسلام

(مصطفی شریف موسوی)، رائحه نجابت (زهرا زوّاریان)، رساله الحجاب (شیخ محمّد الصالح بن عتیمین)، رساله ضیائیّه در موضوع حجاب (سیّد موسی کاظمینی ضیائی)، رساله حجابیّه (فیّاض زنجانی)، رساله در حجاب (سیّد ابوالحسن تنکابنی)، رساله در اثبات وجوب حجاب در دین مبین اسلام (شیخ عبّاسعلی اسلامی)، رساله ردّ کشف حجاب و وجوب حجاب به... (خرقانی موسوی)، رسائل حجابیّه (رسول جعفریان)، رساله وجوب نقاب و حرمت شراب (فخر الإسلام)، زن امروز (ترجمه المرأه الجدیده _ احمد مهذّب)، زنان ایران در جنبش مشروطه (؟)، زنان و حجاب (محمّد حسن رجبی)، زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی (میترا مهرآبادی)، زن جوان و پوشش اسلامی (عفّت نوّابی نژاد)، زن در آیینه جمال و جلال (جوادی آملی)، زنان در الجزایر (محبوبه پلنگی، مجلّه پیام زن، ش 59)، زن در اندیشه امام خمینی (مؤسّسه نشر آثار امام)، زن در قرآن (علی دوانی)، زن و آزادی (ترجمه تحریر المرأه _ احمد مهذّب)، زیور عفاف (ستّار هدایت خواه)، سخنان اشرف پهلوی، الستر و النظر (محمّد مهدی شمس الدین)، سدول الجلباب فی وجوب الحجاب (عبد اللّه بلادی بوشهری)، سرادق دوشیزگان و سعادت ایرانیان در وجوب حجاب و لزوم نقاب (میرمحمّد علی اصفهانی)، سفرنامه دکتر ویلز، سفرنامه آدام اولئاریوس، سفرنامه تاورنیه، سفرنامه دروویل، سفرنامه اوژن فلاندن، سفرنامه یوشیدا ماساهارو، سفرنامه کنت دوگوبینو، سفرنامه پولاک، سلام بر حجاب (میرابوالفتح دعوتی)، سؤالات درباره حجاب، تعدّد زوجات... (محمّد جواد معرفت)، سیرتاریخی برقع از باستان تا به امروز (عبّاس انجم افروز)، شجره طوبی (حائری)، شخصیّت و حجاب زن از دیدگاه اسلام (خداداد عرفانی)، شراب و حجاب در ادیان (رهنما کرمانشاهی)، صد سال تاریخ لباس بانوان (دوّمین نمایشگاه تشخّص و منزلت زن در نظام اسلامی)، صراط النجاه (آیه اللّه تبریزی)، صواب الخطاب فی إتقان

الحجاب (میر هاشم آقا مجتهد مرندی)، عاشورا، حفظ کرامت و حجاب (احمد عابدینی _ مجلّه پیام زن، ش69)، العفاف بین السلب و الایجاب (محمّد امین زین الدین)، عفّت بر کشتارگاه تبرّج (سیّد علی علوی)، علما و رژیم رضاشاه (حمید بصیرت منش)، عوامل فساد و بدحجابی و شیوه های مقابله با آن (احمد رزّاقی)، الفتاوی المیسّره (آیه اللّه سیستانی)، فرهنگ البسه مسلمانان (دزی)، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی (غلامعلی حدّاد عادل)، فصل الخطاب فی المرأه و الحجاب (محمّد طلعت حرب)، فلسفه حجاب (ابو عبد اللّه زنجانی)، فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب (حائری اصفهانی)، فلسفه حجاب و زیانهای فساد (علی محمّدی)، درآمدی بر تاریخ بی حجابی در ایران (سینا واحد)، قساوت بیماری مهلک بشر (سیّد محمّد ضیاء آبادی)، کرامات و حکایات پندآموز (حسن بصیری)، کشف حجاب (فاطمه حیدریان)، کشف حجاب در آیینه اسناد (حسام الدین آشنا)، کشف حجاب و واکنشهای رجال حکومت رضاخان (محمّد حسن رجبی)، کشف الغرور أو مفساد المسفر (ذبیح اللّه محلّاتی)، کنکاشی بر چگونگی پوشش اسلامی بانوان شهر تهران (استانداری تهران)، لبّ اللباب فی فلسفه الحجاب (رضوی قمّی)، المأثور من الدین فی تخدیر نساء المؤمنین (آیت اللّه بلادی بوشهری)، المتبرّجات (زهرا فاطمه بنت عبد اللّه)، مجموعه ای نو و جامع در احکام بانوان (احمد دانایی)، مدینه الإسلام روح التمدّن (شیخ احمد شاهرودی)، المرأه بین الحجاب و السفور (ابو رضوان زغلول)، مروارید عفاف (محمّد اکبری)، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید (سیّد محسن محمودی)، مسأله حجاب (شهید مطهّری)، مسأله حجاب و راه حلّ های عملی آن (علی شریعتی)، المفصل فی أحکام المرأه و البیت المسلم فی الشریعه الاسلامیّه (عبدالکریم زیدان)، مفاسد بی حجابی (سیّد صادق شیرازی)، الملابس و الزینه فی الاسلام (خطیب العدنانی)، الملابس العربیّه الإسلامیّه فی

العصر العبّاسی (دکتور صلاح الحسین العبیدی)، نداء المرأه المسلمه (زهرا رهنورد)، نکاتی پیرامون حجاب (سیّد محمّد شیرازی)، نگاه تا نگاه (جواد محدّثی)، نگاهی کوتاه به حجاب در جمهوری اسلامی (سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)، نهضت بانوان (ساعی)، واقعه کشف حجاب (سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی)، وجوب حجاب (شیخ محمّد رضا تهرانی)، وجوب البرهان فی تحجّب النسوان (سیّد عبد اللّه بلادی شیرازی)، وسیله العفائف (شیخ یوسف نجفی جیلانی)، هفدهم دی، مناظره جوان دانشجو و دهقان پیر (سیّد جلال کاشانی).

فهرست مطالب

پیشگفتار ⋯ 5

حجاب و عفّت دو موضوع متمایز و در عین حال متأثّر از هم ⋯ 7

منظور از «چادر» در این پژوهش ⋯ 8

فصل اوّل

ریشه های تاریخی چادر در ادیان و جوامع مختلف

(1) مروری بر پوشش چادر در ادیان مختلف ⋯ 13

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در آیین یهود ⋯ 13

«چادر» در آیین ابراهیم خلیل و اسحاق کلیم علیهماالسلام ⋯ 15

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در آیین حضرت مسیح علیه السلام ⋯ 15

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در آیین زردشت علیه السلام ⋯ 16

«چادر، یا پوشش سرتاسری» در میان ارامنه ⋯ 17

ص: 177

(2) خلاصه ای از تاریخچه چادر در جوامع مختلف⋯ 19
پوشش چادر در میان رومانیان قدیم⋯ 20
پوشش چادر در میان اقوام هندی⋯ 20
پوشش چادر در میان اعراب و کشورهای عربی⋯ 22
«چادر» در کشور ترکیه⋯ 26
اعجاز «چادر» در کشور الجزایر⋯ 27
«چادر» در کشور اسپانیا⋯ 29
حجاب و «چادر» در ترکستان⋯ 30
(3) سیر تاریخی چادر در کشور ایران⋯ 32
«چادر» در دوران صفویّه⋯ 35
«چادر» در زمان فتحعلی شاه قاجار⋯ 38
دوران محمّد شاه قاجار و آغاز تهاجم فرهنگی انگلیس⋯ 40
ناصرالدین شاه و شدّت تهاجمات غرب و اروپا علیه «چادر»⋯ 42
چادر در زمان مظفّرالدین و محمّد علی شاه(دوره مشروطیّت)⋯ 48
احمدشاه قاجار و آغاز اقدامات عملی علیه چادر⋯ 51
چادر زنان ایرانی در دوران پهلوی (دوره کشف حجاب)⋯ 53
چادر در ایران، پس از انقلاب اسلامی⋯ 65
فصل دوّم
بررسی «چادر» در قرآن، تفاسیر، و کتب لغت

ص: 178

(1) قرآن کریم هدایتگر جاویدان ... 73
بررسی آیه مبارکه احزاب ... 74
مراد از «جلابیب» در آیه شریفه ... 76
نکاتی چند در قوّت قول اوّل ... 81
مراد قرآن از «یُدنین» چیست؟ ... 89
فلسفه چادرپوشی در قرآن کریم ... 90
بررسی آیه مبارکه نور ... 92
فصل سوّم
(1) جایگاه عقلی پوشش «چادر» ... 94
فصل چهارم
فتاوا و تعبیرات بزرگان در خصوص کیفیّت حجاب اسلامی و چادر
(1) چادر در مواعظ و تعبیرات برخی از بزرگان ... 99
پیام مرحوم آیه اللّه گلپایگانی به کنگره سراسری حجاب: ... 101
از بیانات مرحوم آیه اللّه گلپایگانی در خصوص چادر: ... 102
پرسش از مرحوم آیت اللّه گلپایگانی از فلسفه چادر ... 102
دقّت نظر حضرت امام خمینی در خصوص پوشش چادر ... 103
اهمیّت کیفیّت حجاب از دیدگاه مرحوم شهید مطهّری ... 103
اهمیّت حفظ حریم، از دیدگاه شهید مطهّری(ره) ... 104
اهمیّت پوشش سرتاسری، از دیدگاه مقام رهبری ... 105

(2) فتاوا و استفتائات کلّی در خصوص کیفیّت حجاب زنان··· 106
(3) فتاوا و استفتائات، در خصوص پوشش چادر··· 111
ص: 179

(4) سؤالات تکمیلی و جانبی ... 114

فصل پنجم

چند مورد از حکایات، کرامات، و داستانهای مربوط به چادر

(1) طایفه ای از یهودیان با مشاهده نوری از چادر حضرت زهرا علیهاالسلام همگی مسلمان شدند ... 121

(2) حضرت عبّاس علیه السلام پلیسی را که در تبریز، چادر زنی را از سرش برداشت به هلاکت واصل نمود ... 123

(3) پوشش سرتاسری در سیره حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام ... 126

(4) پلیسی که در زمان رضاشاه با اهانت به چادر، به ذلّت و گرفتاری دچار شد ... 128

(5) هلاکت پلیسی دیگر، در اثر گستاخی به زنان با چادر در حرم حضرت معصومه علیهاالسلام ... 139

(6) دختر دیوانه، پس از شفا یافتن در حرم حضرت عبّاس علیه السلام ، اوّل چیزی که خواست چادرش بود ... 130

(7) حضرت زهرا علیهاالسلام سفره ای را که یک زن بی حجاب، به نیّت حضرت رقیّه علیهاالسلام پهن نموده بود قبول نفرمود ... 132

(8) گفت و گو با یک خانم کره ای تازه مسلمان که از چادر استفاده می کند ... 134

فصل پنجم

دفع برخی از شبهاتِ مربوط به حجاب زنان و مخصوصاً چادر ... 139

فصل ششم

ص: 180

چند توصیه و پیشنهاد به ... ⋯ 152

(1) توصیه ما به همه پدران و مادران ⋯ 152

(2) توصیه ما به عموم مردان مسلمان ⋯ 155

(3) توصیه ما به همه مردم ایران ⋯ 158

(4) توصیه ما به عموم زنان مسلمان ⋯ 160

(5) چند توصیه به مسئولین و نهادهای تأثیرگذار ایران، در حجاب و عفّت زنان ⋯ 161

کتابشناسی اختصاصی تحقیق ⋯ 168

فهرست مطالب ⋯ 173

ص: 181

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109